

# تاریخ نقاشی در ایران

تالیف  
دکتر زکی محمد حسن هصری

---

ترجمه  
ابوالقاسم سجا

اسفند ۱۳۳۸

## بنام خدای بخشنده و مهربان

کتاب (التصوير في الاسلام عند الفرس) که این بنده نگارنده ابوالقاسم سحاب آنرا بنام (تاریخ نقاشی در ایران) ترجمه نموده ام کنایی است نفیس و زیبا و شامل مطالبی مفید و دل‌بست در این فن که بخانه شیوا و قلم توانای استاد دانشمند آن دکتر زکی محمد حسن مصری امین دارالانوار العریبه مصر (موزه ملی) در اثر تتبع و تحقیق و بررسی و تدقیق در آثار نفیسه کتاب‌های خطی و آثار ادبی ایرانی در کتابخانه و موزه‌های اروپا و مصر آنرا از روی ذوق و قریحه فنی و حسن سلیقه و استعداد هنرپیشگی و تخصصی که داشته تألیف و تدوین نموده و قسمت‌های جالب توجهی را بسلیقه خود پسندیده و انتخاب کرده و در ضمن شواهد و دلالتی از برای اثبات مدعا و ابراز منظور خود طی صفحات کتاب از آثار فنی و هنری اساتید این فن بمناسبت و موقعیت هر دوره از ادراک جمع‌آوری و بیوست کرده که موجب مزایا و مرجحات و امتیاز مخصوصی از برای مؤلفه خود گردیده و مندرجات کتاب را با محتویات فنی و هنری و ضمایم آناری منطبق و منظم نموده و بمورد طبع و انتشار آورده. این استاد هنرپیشه در حقیقت خدمتی بزرگ و شایان تقدیر نسبت به بین عزیز ما ایران انجام داده و این هدیه نفیس را نه تنها بایران بلکه بجهانیان ارزانی داشته ایشک رحمت و همت و مساعی جمیله دکتر دانشمند مورد تقدیر و منظور نظر وزارت فرهنگ ایران گردیده و بانظر و تصویب شورای عالی فرهنگ بترجمه این کتاب تصمیم اتخاذ نمودند و میخواستند کتاب نامبرده بفارسی ترجمه و طبع شده و مورد مطالعه و استفاده همگانی گردد.

این بنده از آنجا که در آغاز نشر این نسخه نفیس در سال ۱۳۱۶ خورشیدی آنرا ترجمه نموده و حاضر داشته و در صدد بدست آوردن مجال از برای طبع آن

بودم مراتب را بمقام وزارت فرهنگ گزارش داده و تقاضای چاپ ترجمه خود را از آن مقام نمودم از حسن اتفاق این تقاضا مورد قبول واقع شده و بادراره کل نگارش دستور داده شد که در چاپ نسخه ترجمه موجوده اقدام نمایند .

اکنون این بنده با تجدید نظر در ترجمه و اصلاحات لازمه در پاره اصطلاحات و واژه های معمولی و دقت نظر در تصحیح و تحسین مطالب با اظهار تشکر از تقدیر اولیای امور بطبع و نشر ترجمه کتاب نامبرده مبادرت و اقدام نموده و مراقبت خود را تا حدی که ممکن است نسبت به چاپ و تهیه و تدارك موجبات آن از هر جهت بکار زده و امید است که زحمات من بنده هم مورد توجه و قبول واقع شود و از این راه نیز خدمتی بفرهنگ میهن عزیز خود نموده باشم .

در پایان پوشیده نماند که نگارنده بنوبت خود در آخر کتاب تذیلی نگاشته و برای مزید استفاده خوانندگان قسمتی از آثار نفیسه و شاهکارهای فنی و هنری اساتید هنر پیشه و نقاشان ایرانی را که جزو مفاخر و ذخایر کتابخانه های مهمه این کشور است بانصاویر و نمونه از آن ها تر گرد آورده و باین کتاب بعنوان پایان پیوست نمود .  
وبالله التوفیق .

آقای دکتر زکی محمد حسن مؤلف کتاب  
 «التصویر فی الاسلام» و امین دارالانار العربیه  
 (موزه) مصر و دکتر در ادبیات از دانشکده  
 پاریس و دارای دیپلم آثار ملل آسیائی و  
 اسلامی از آموزشگاه لوور پاریس و گواهی-  
 نامه آموزشگاه زبان شرقی در فرانسه و  
 لیسانس ادبیات از دانشکاه مصر و دیپلم  
 مدرسه دانش سرای عالی قاهره و معاون  
 علمی سابق موزه برلن میباشد که کتاب او  
 بوسیله چاپخانه «لجنة التألیف و الترجمة  
 و النشر مصر» در ۱۳۵۴ (۱۹۳۶) چاپ شده  
 و منتشر گردید .



# آغاز کتاب بقلم مؤلف

بسم الله الرحمن الرحيم

و بعد این کتابی است کوچک، امیدوارم که من در آن توفیق یافته و نیازمندی  
کسانی را که میخوانند در پیدایش هنر نقاشی ایران و تطور و تغییراتی را که در این فن  
پیدا شده بر رمعی و تحقیق نمایند بقدر امکان رفع نمایم و این هنر که در تمامی دنیای  
اسلامی بویژه کشور ایران که بیشتر از دیگر ملل مسلمان توجه خاص به پیشه و هنر  
نقاشی داشته و بیشتر از دیگران گوی سبقت را در این میدان در برده بخوانندگان کتاب  
خاطر نشان سازم .

اما هنر نقاشی که در سواحل نیل جلوه و بروز نموده و ترقی و پیشرفت کرده  
من برای بیان آن فصولی چند در کتاب (عهد الفن الاسلامی فی مصر) خود ترتیب داده  
و نگاشته ام و نیز برای ظهور این هنر بعنوان نقاشی اسلامی در هند کتابی جداگانه ترتیب  
داده ام که بزودی آنرا در آینده انتشار خواهم داد .

ضمناً من از استاد خودم دکتر عبدالوهاب عزام تشکرات خالصانه خود را اظهار  
میدارم که لطف و مرحمت خود را در مراجعه با اصول این کتاب مبذول داشته همانطور  
که از اساتید اعضا، لجنه تألیف و ترجمه و نشر بویژه از استاد بزرگوار خودم احمد  
اعین ابراز امتنان مینمایم که توجه خود را در باره چاپ این کتاب بکار برده .  
و باز من صرف نظر نمیکنم از این که خود را مدیون قدرشناسی و تشویق استاد  
بزرگ، دانشمند جاستون وایت میدانم .

زکی محمد حسن

## بنام خدا آغاز کتاب

بقلم خاورشناس بزرگ استاد جاستون وایت (۱)

مدیر موزه دارالانثار عربی در مصر

برای این بنده نیازی نیست که من بخوانندگان مصری دکتر زکی محمد حسن را معرفی کنم کتاب مهمی را که او بیش از این راجع بدولت طولونی تألیف نموده در آن کتاب چندان رعایتی از جهت بیداری همگانی در مصر نشده بود زیرا که کتاب مزبور را بزبان فرانسه نوشته ولیکن دکتر زکی را جز این چاره نبود که کتاب خود را بآن زبان بنویسد چونکه این کتاب را برای گرفتن پایه گواهی نامه و دکترای خود از سربون نگاشته و باوجود این کتاب مذکور بخوبی گواهی میدهد که دکتر زکی زمام زبان فرانسه را در دست گرفته و کاملاً آنرا مانند زبان مادری خود میداند.

ولی نگارنده خیلی میل دارد دکتر زکی کتاب تألیفی خود را که تاریخی بدیع و ممتاز است مجدداً بزبان عربی نقل و ترجمه نماید تا این که دانشمندان مصری که از زبان فرانسه اطلاع ندارند در حدود قدرت خود بتوانند از آن بهره مند شده و بهمند که مؤلف تاجه پایه توانسته موضوع را بهروراند و اشاراتی وافق و شامل در هر مورد بنماید و هم احساسات وطن پرستی او را که در وجود من نفوذی زیاد نموده چاره جویی کند.

دکتر زکی وقتی بمصر بازگشت کرد که تحصیلاتی خیلی مفید و سودمند در فرانسه و آلمان و انگلستان و اسپانیا نموده بود و باو اعانت دارالانثار العربیه (موزه باستانی مصر) واگذار شد که شایسته این کار و سزاوار تحقیق و جستجو در این آثار بود و اول اندیشه دکتر این بود که نتیجه تحصیلات خود را بعد از بازگشت بوطن خویش بروز دهد لذا جزء اول از کتاب تاریخ فنون اسلامی در مصر را تألیف نمود و موزه

باستانی مصر فوری در صدد طبع و نشر این نسخه نفیس بهزینه خود برآمده و آنرا بچاپ رسانید و آن نخستین کتاب از نوع خود در زبان عربی است .

دکتر زکی موفق شد ، هموطنان خود را بتحقیقات و کنکاشی که دانشمندان اروپائی در این موضوع نموده اند خبردار سازد و از بهره ای که خود از آن برده آنرا نیز بهرور نماید و حق آن است که نباید دانشمندان عربی زبان از تعانیف و نکارش خاورشناسان و مستشرقین بی اطلاع بمانند و اگر برای موافقت بانکارشات آنها نباشد لااقل جهت آگاهی از کشف و اظهار اشتباهاتی بوده باشد که برای آنان رخ نموده چنانکه مستشرقین هم نتوانسته اند از کتابهایی که معربی نوشته شده چشم پوشی و صرف نظر نمایند .

بدینجهت من که اصولاً شخصی باختری و اروپائی هستم ولیکن ارتباطی باشرق پیدا نموده و جستجو و تحقیقاتی زیاد کرده - از این راه که مدیر دارالانار عربی میباشم باخوشی و نشاطی بهم آمیخته و مخلوط خواهان آنم بخوانندگان عصری معرفی این تألیف جدید را که دکتر زکی نموده تقدیم دارم .

در واقع گراوردها و تصاویر نسخه های خطی این کتاب از نفیس ترین نسخ و زیباترین کتب ادوار فنون اسلامی است که بیشتر از همه چیز میتوان از آن بهره مند و کامیاب گردید . دکتر زکی حسن در اثر مزایا و محسناتی که ما باو سراغ داریم این موضوع را با نظری دقیق و روشن بما نمایش داده بطوری که بر ما معلوم میدارد استاد مذکور این موضوع را بی اندازه دوستدار و طالب است و جای تردید نیست که ذوق بی اندازه و شیفتمگی و عشق و علاقه او باین صورت و کثرت تائر و شگفت او باین کار برای وی راه کنجکاری و تعمق را سهل و ساده و طریق بحث و کنکاش را جهت او مستقیم و هموار نموده .

خوانندگان خواهند دید که دکتر زکی کتاب خود را در آغاز بمقدمه لازم تاریخی شروع نموده و در آن مقدمه تاریخ ایران را بنحو اختصار بمورد و نگارش آورده و پس از طرح مقدمه وارد بحث و تحقیق پیدایش و ظهور فن نقاشی اسلامی و جریان آن گردیده و تحولاتی را که این فن در کشور ایران پیدا نموده و مراتبی را که

خ

قرنها پیموده یا عواملی که در آن تأثیر کرده . در این کتاب شرح و بسط داده . مؤلف موفق شده که هنرستانهای مختلفه را طبقه بندی نموده سپس بیان و تشریح نماید و خصایص و مشخصات هر دوره را بمورد بیان و تفصیل بگذارد و نیز اساتید و هنرورانی را که در هنر نقاشی و صورت کشی نبوغ یافته و بحد کمال رسیده اند یا هر يك که دارای این عطیه الهی و مواهب بزدانی بوده معرفی و توصیف نماید بویژه از سرآمد هنروران وزعیم ویشوای ایشان استاد بهزاد و بخشایشی که از فیض خدای آفریدگار باو شده تعریف نموده و قلمفرسایی نماید .

اینک بالآخرین آرزوی من این است که خوانندگان مصری در خواندن این مؤلفه جدید همان چیزی را درك نموده و بدست یابورند که من از خواندن آن استفاده نموده و بهره مند گردیدم .

جاستون وایت - قاهره در فوریه ۱۹۳۶

مقدمه ای که بخامه دکتر عبدالوهاب عزام بر این کتاب نگاشته شده :

۱- از آنجا که اسلام اساساً کشیدن صورت ذی روح را بواسطه خاتمه دادن بعمل بت پرستی در تمام مظاهر و نمایش آن حرام فرموده و از اینجهت مسلمانان صدر اسلام در صدد کشیدن صورت انسان و حیوان که دارای روح و جانند بر نیامده و بتقاشی آن توجه نداشتند ولی موقعی که تمدن آنها کمال یافت و تمایل خورد در اجانب نقاشی و نوشتن خط و کشیدن صورت نباتات و جماد آشکار نمودند این هنر را باعلی درجه کمال زیبایی و بها رسانیدند .

علاوه بر این مسلمین بمروور زمان در کشیدن صور موجودات ذی روح و ساختن مجسمه باهیا کل سایه دار بنمود اجازه داده - مخصوصاً در دوره های اخیر قرن هفتم هجری و بعد از آن باین کار اقدامی شگفت نمودند .

در کاخ عمراء که بقایای آناری آن اخیراً در سرزمین شام پیدا شده و گمان میرود که بانی آن یکی از امراء و سران اموی بوده صور و نقوش بسیاری از حیوان و نبات دیده میشود .

بنی امیه تنها بکشیدن صور نبات و جماد اکتفا نکرده بلکه آثار جمیل و بدیعه و نقش و تکار زیبای آن زمان در کاشیها و موزائیک یاستگهای رنگین دیده میشود که دیوارهای جامع بزرگ اموی دمشق بآنان زینت شده و هنوز باقی است .

چنانکه گفته اند منصور خلیفه عباسی وقتی که بغداد را بنا نمود اعراد بر یکی از گنبد های آنجا هیكل سواری قرار دادند که بوزش باد حرکت مینمود و از این قبیل آثار در سامرا و اترهائی دیگر از خلفاء فاطمیین در مصر کشف شده که صور بسیاری از حیوانات در آنان مشاهده میشود و نیز در ابنیه و آثار اندلس و اسپانیا از این قبیل سوری بسیار نمودار و موجود است .

کتب خطی مصور اسلامی زیباترین نمونه و نیکوترین آثار را از فنون جمیل و صنایع مستظرفه در خط و نقش و تذهیب و تزیین و رنگ کاری بما نشان میدهد و صفحات آنان فراخترین میدان و وسیعترین فضا برای کشیدن صور موجودات روان دار بوده که روزگاری دراز مسلمین از آن دوری مینمودند .



قرن هفتم هجری مردم عراق (بین النهرین) در نقش و نگار کتب جهت نمایش  
 بعضی از قصص و روایات باافسانه و حکایات حریص ترین مردم بودند و در پیشرفت  
 این هنر کوششی بسزا مینمودند و بهترین نمونه در این خصوص نسخه مقامات حریری  
 است .

صورتگران بکشیدن صور و نقوش کتاب \* نوادر ابوزید سروجی \* اقدام نموده  
 و از جامه و پوشش گوناگون آن زمان و رسوم و عادات مردم آن دوره صورتهائی زیاد  
 کشیدند و هم اکنون در کتابخانه ملی پاریس نسخه از مقامات حریری وجود دارد که  
 در صفحات آن بالغ بر صد تصویر کشیده شده و نقاشی این نسخه در نیمه قرن هفتم هجری  
 انجام گرفته .

در عصر و شام هم در آن دوره اهتمامی زیاد بنقاشی کتب شده سپس این فن در  
 ایران جاوید و خود نمائی کرده و نقاشیهای ایرانی در حدودی معین نایستاده بلکه از  
 پیامبران و صحابه هم صورتها کشیدند و برای هنر نقاشی در ایران دوره هائی متداوله  
 و بیایی بواسطه تأثیر فن چینی بوده و هنروران بهرور زمان در ترقی و پیشرفت این هنر  
 اهتمام نموده اند .

سلاطینی که سلطنت ایشان در کشور ایران امتداد و دوام یافته آنها نیز هر کدام  
 بنوبت خود در پیشرفت این هنر رعایت اهتمام را بجا آورده و از آن جمله : ایلخانان  
 تیموریان و صفویه بوده اند و تقریباً بقایای آثار تمام این ازمنه و ادوار چگونگی اهتمام  
 مردم را در این باب نموده و گویای آن بوده و نیز درجه رغبت و تمایل ایشان را بتزیین  
 و آرایش کتب و تصویر صور آن نشان میدهد .

سمرقند و هرات در زمان تیمور و شاهرخ و بایسنقر و سلطان حسین بایقرا و  
 وزیر او امیر علیشیر نوائی مجمع نویسندگان بلند پایه و کانون هنر و مرکز هنروران  
 و نقاشان زبردست و سرآمد بوده و این دوره بنام نقاشی عالی مقام و استاد مشهور  
 «بهزاد» تمام میشود .

در دوره صفویه فن نقاشی رونق و شکوهی تمام یافته و گلپای رنگارنگ و زیبای  
 آن شکفتن گرفت زیرا که شاهان این خانواده و دودمان نسبت باین هنر توجهی بخصوص



نموده و در پیشرفت و ترویج آن کوشش و مساعی زیاد به خرج دادند مخصوصاً شاه طهماسب اول، (۹۳۰-۹۸۵) و شاه عباس کبیر، (۹۸۵-۱۰۳۸) بیشتر از دیگران باین عمل اهتمام داشته و از دارندگان پیشه و هنر تشویق و قدردانی مینمودند.

در زمان شاه عباس عمارات سلطنتی اصفهان و کاخهای بلند پایه آن بایات و علامائی از نقوش و تصاویر زیست گرفته بود که من نمونه و بقایای آنرا در کاخ چهل ستون و سایر عمارات و ابنیه و کاخهای باشکوه اصفهان مشاهده نموده ام لیکن در این دوره و زمان بود که در برابر نقاشی ایران نقاشی دیگری خودنمایی نمود و آن نمونه نقاشی اروپائی بود که بین کار استادان ایرانی آشکارا و عیان گردیده و در کاخ چهل ستون هم اکنون صور و نقش و نگاری دیده میشود که سفر ا و با چیان اروپا در موقع تشریف بحضور شاه عباس و نیز میدان جنگ و هنگامه های جنگی در آن بنا نقاشی شده و گویا که آن به بینندگان تصاویر و نقوش کاخ و وسایل فرانسه را نشان میدهد.

این عصر درخشان و دوره طلایی دلفریب و روح بخش نقاشی را دست و قلم توانائی رضای عباسی نقاشی و هنر نمائی نموده و بعد از این استاد برای نقاشی ایرانی تحولات و تغییراتی عجیب دست داده که متدرجاً آنرا بجانب انحطاط و پستی گرائیده و دچار ضعف و سستی نموده است.

پس از آن در برابر نقاشی ایرانی نقاشی دوره و عصر اسلامی هند و غیر آن قرار گرفته که هر کدام در مورد خود شایسته و در خور تحقیقات و بازرسی کامل خواهند بود.

۲- اروپائیان در باره تحقیق و رسیدگی نقاشی عصر اسلامی و ابنیه و عمارات ایندوره توجیبی زیاد نموده کتب خطی و مصور و نقاشی شده و برخی از نقوش و تصاویر فردی را گرد آورده و آنرا با تاریخ برابری و تطبیق داده اند و برای این رشته از هنر و فن ادوار اسلامی تاریخی مرتب و روشن نگاشته و تنظیم نموده اند از آن جمله «ازنولد» و همکار او کتابی مخصوص راجع به فن کتاب شناسی و تشخیص آن نگاشته و آنرا به «کتاب اسلامی» نام نهاده اند.

۳- مسلمین هم در این زمان برای بررسی و تحقیق فنون اسلامی از اروپائیان پیروی و تقلید نموده و باینکار اهتمام مینمایند از جمله وزارت فرهنگ مصر حیات

دانش‌جویی را برای بررسی فنون اسلامی برگزیده که شایسته ترین شاگرد فارغ التحصیل از دانشکده ادبیات و دانش سرای عالی مصر بوده و او را پاریس فرستاده این جوان مجدداً در آنجا به تحصیل کمال پرداخته تا بدرجه (دکتر) و اجتهاد رسیده سپس رشته تحقیق و مطالعات خود را در حوزه های آلمان و دیگر جا تکمیل نموده و بمصر مراجعت کرده و با موفقیتی که یافته در صدد برآمدن زبان عربی را با آنچه که از کتب فنی اسلامی نیازمند است کمک و دستیاری کند، این دانش‌جوی جوان همکار محترم ما (دکتر زکی محمد حسن) است.

مشاریه ابتدا بنام «الفن الاسلامی فی مصر» کتابی نوشته که جزء اول آن انتشار یافته سپس این کتاب را که ما تقدیم و پیشکش بخوانندگان خود میکنیم بنام (کتاب-التصویر فی الاسلام عند الفرس) یا این کتاب نگاشته.

ما بهمت بلند دکتر زکی محمد حسن و نبوغ و استعداد کامل او امیدواری زیاد داریم و آرزو مندیم که مشاریه مساعی خود را در بهره مندی خوانندگان عربی زبان هر اوقات که در این موضوع بنوبت خود بحث میکند مبذول دارد و خدا برای او هر دشواری را سهل و آسان فرموده و موفقیت و برادر هر کاری که خواهان آن است فراهم سازد.

عبد الوهاب عزام - بغداد ۲۸ شوال ۱۳۵۴ زائویه ۱۹۳۶

فلات ایران از طرف غرب برود دجله و فرات ارتباط یافته و از طرف شرق برود سند محدود می‌شود و از جنوب بخلیج فارس و دریای عربستان و از شمال بدریای قزوین (بحر خزر) و رود جیحون پیوسته و باین وصف ایران شامل کشور کنونی آن و افغانستان و بلوچستان و جنوب ترکستان روس خواهد شد.

برای اینکه دو خانواده گیانی و آکمندی (هخامنشی‌ها) و ساسانی بزرگترین خاندان سلطنتی که در این کشور سلطنت نموده و در قسمت فارس و جنوب غربی ایران نشو و نما داشته‌اند. این نام بر تمام ایران غایب یافته و نزد یونان و روم و عرب و اروپا بنام پارس یا (فارس) معروف گردیده بود (۱)

لفظ (ایران) از کلمه (آری) جدا شده ایران کشور ایرانیانی است که آنها قسمتی از نژاد آریمن می‌باشند و این نژاد از مراکز آسیا بجانب میهن نوین خود مهاجرت نموده در آنجا سکنی گرفته‌اند

در تمدن مللی که از زمان خیلی قدیم در ایران سکنی داشته‌اند ابدأ هیچگونه محل تردید نیست و هنوز آثار تمدن این ملت در بسیاری از نقاط نمودار است.

«سراودیل شاین» و «پرفسور هرنسفلد» قطعاتی از ظروف سفالی ظریف که سازشی محکم و استوار در نزد یافته و بدست آورده‌اند که آنان بنقوش و رسوم زیبا از خطوط و اشکال هندسی زینت شده بود و علمای آناری در تعیین زمانی که این ظروف در آن ساخته شده اختلاف دارند و شاید بهترین عقیده و آراء ایشان آن باشد که چیزهای نامبرده در هزار سوم یا چهارم پیش از میلاد مسیح درست شده.

۱ - بر حسب اعلامیه دولت شاهنشاهی واره پارس ایران تبدیل یافته و پسام کشور های جهان این نام رسمی اخطار و اعلام گردیده. (مترجم)



## دولت کیان

(۵۵۹ - ۴۴۱ ق.م)

کورس سلطنت خود را از طرف مشرق تا رود سند امتداد داده بعد از شکست لودی و دستگیری (کورس پادشاه ایشان) آسیای صغیر را یکشور خود ضمیمه نمود پس از آن بر کلدانیان غلبه یافت و بابل را فتح نمود (۵۳۹ ق.م) بعد از آن جانشینان وی هم مانند او رفتار نمودند.

کامبیز پسر کورس در ۵۳۵ قبل از میلاد مصر را گرفته و بعد از آن ایران و یونان را بهم پیوست سپس بین ایران و یونان زد و خورد های معروف و فتح و شکست های چندی روی داده و حملات ایران بر کشور یونان مکرر گردید و ایران برای یونان دیگر مستعمرانی باقی نگذاشت (۵۰۰ تا ۴۷۹ ق.م).

دولت کیان همواره برقرار و پایدار بود تا اینکه اسکندر مقدونی پیدا شده بدولت و پادشاهی این دردمان خاتمه داد (۳۳۶ - ۳۳۱ ق.م).

آرین ها در ادوار پیشین تجلیات و مظاهر طبیعت را پرستش مینمودند و بوجود نزاع و کشمکش بین قوای مختلفه طبیعت عقیده داشتند تا اینکه در هزار اول قبل از میلاد زردشت « پدانشده و نیروی خیر را «خدا» یگانه بنام «اهورامزدا» نسبت داد و از ادواح الباطنی بوجود آورده که آن «اهورمن» است و میگوید که این دو قوه پیوسته با یکدیگر در کشمکش و نزاع اند و آخرتشان غریب و یا قایم از اهورامزدا و ددایش بدی نام گرفته از اهورامزدا است. از این باب که روح خیر را کدک و بدی کرده از روح خیر برزخ نماید و از آن بدی کند و نیز باید که برزخ جزا و ددایش باز پسین عقیده مند باشند.

زردشت در آموزش مقدس خود استوار و مدایش را که آرین ها از آتش نموده و آنرا مقدس میخوانند تأیید نموده و آتش را نمک و درخت از خورشید و روشنایی دانست و بر نفوذ آتش را در کائنات ها که سوکرایین از بزرگترین مظاهر همه دیانت مقرر قرار داد.



## اسکندر و جانشینان او

۲۳۰ - ۳۳۴

اسکندر دولت ایران را بهم زده و فتوحات اوراهی وسیع برای نشر تمدن یونانی در شرق نزدیک و شمال هندوستان باز نمود و بزرگترین چیزی را که او در نظر داشت توحید سلطنت و گماشتن مستشاران دولت بیگانه در شرق و غرب بوده تا اینکه امپراطوری گیتی را تحت قدرت و نفوذ خود در آورده باشد.

اسکندر پس از فتح ایران دختر دارای سوم را ازدواج نمود، سرداران او هم از وی پیروی کرده بسیاری از ایشان با بانوان ایرانی زنشویی نمودند لیکن چیزی نگذشت که اجل دست بگریبان او شده و بعد از وی کشور پهناورش به بخشهایی تقسیم گردید که امور آنها را سرداران اسکندر اداره مینمودند و یکی از ایشان که سلوکوس نام (Seleucus) داشت چیزی که قابل ذکر باشد نرسید ولی طولی نکشید که بین جانشینان اسکندر نزاع در گرفت و سلوکوس بخش خود را با تیو کوس پیوسته از اینراه بر بابل استیلا یافت.

بعد از آن اتیو کوس خواست که تنها وارث اسکندر شود ولیکن سلوکوس بر او غالب شده و سلطنت خود را بر بیشتر قسمت آسیا که از خانواده مقدونی باقی مانده بود امتداد داد و تمدن یونان در دوره حکومت او و جانشینانش در تمام قلمرو خاور میانه و شرق نزدیک منتشر گردید.

## پارتها (Les Parthes)

(۲۵۰ ق م - ۲۲۶ م)

در نیمه قرن سوم قبل از میلاد دسته از آریین ها در خراسان سکنی داشتند که به پارت یا پارتی معروف بودند و آنها از مراکز آسیا به آنجا روی آورده و جایگاه گزیدند پادشاه ایشان ارشاکس Arsakes یا ارشاک توانست که کشور خود را استقلال دهد.



پارتها همواره با جانشینان سلوکوس نزاع بوده تا اینکه قسمت غربی ایران و حدود شرقی بلاد جزیره را از آنها انتزاع نمودند سپس با رم داخل جنگ و نبرد شده از منستان و قسمت غربی بلاد جزیره را گرفتند و در دوره مهرداد کبیر (۱۷۴-۱۳۶) امپراطوری پارتها بدورترین مرز و حدود خود رسیده و با اینکه آنچه تصور میرود پارتها ایرانی بوده اند معذلت تمدن ایرانی در تمام دوره ایشان جز در طبقات توده ملت کار فرما نبوده و بین دربارها و بزرگان و رجال دولت تمدن یونان چیرگی داشته و انتساب پارتها بکیانیان و الحاق این انتساب آنان دارای اثری زیاد نبوده و آنها را بزرگ تمدن قوی و مهم یونان که اسکندر و جانشینان آن بایران آورد، بودند رنگین بود.

## ساسانیان (Les Sassanides)

(۲۲۶ - ۶۴۱)

ساسانیان منتسب بساسان اند که مردی پیشگو بوده و او را از کاهنان استخر تصور نموده اند و این خاندان علاوه بر این نسب خود را بکیانیان میرسانند.  
(در اوایل قرن سوم قبل از میلاد) در ایران چندین خانواده های کوچک حکومت مینمودند که آنها در برابر پارتها تسلیم بوده و اظهار فروتنی مینمودند.  
عرب این دوره را بدوره ملوک الطوائفی (فتودالیه) نام نهاده است.  
سرسلسله این خانواده های کوچک «بابک» نامی بود که در حدود فارس حکومت داشته سپس پیشرفت کرده و دست اندازی بکشور همسایگان خود نمود و نواده او (اردشیر) توانست که اردوان اشکانی آخرین پادشاه اشکانیان در ایران را شکست داده و بزور و نیرو تخت و تاج او را گرفته و سلطنت خانواده ساسانیان را تشکیل دهد و آنهاوارت چیزهایی شوند که از پارتها بارت و یادگار مانده بود و آن نزاع و کشمکش بین ایران و روم و بیزانطین بوده.

اردشیر باروم درباره ارمنستان داخل جنگ شده و همیشه این جنگ و جدال بین دو دولت امپراطوری بزرگ ایران و روم تا دوره انقراض دولت ساسانیان برقرار بود و گاهگاه فترت هایی کم و کونه در این میانه رخ می نمود.

پوشیده نیست که بزرگی و شوکت ایران باستان در دوره ساسانیان تجدید شده و کشور ایران را که آزمون در تمدن جدید و عظمت خود پیمود تنها در دوره ابن خانواده بوده و شاهان این دودمان قهرمانانی بودند که از ایران و تمدن آن در برابر روم و یونان در مغرب زمین دفاع مینمودند و بر ضد قبایل هیاطله (مغول - ترک ها) در شرق بودند.

مابین شاهان ساسانی از همه مشهورتر (شاپور اول) است که با سوریه و شام جنگ نموده و با رومیها ۲۰ بار نبرد کرد و نیروی روم را شکستی سخت داد شاپور و اولین امپراطور روم را اسیر نموده بایران آورد و ایرانیان یادگار این حادثه شکست را با خطوطی برجسته و خوانا روی تخته سنگها برای یادگاری همیشگی و دوام رسم نموده اند. هم از ایشان \* بهرام پنجم \* است که بدستیاری \* نعمان \* پادشاه حیره بتخت ایران قدم نهاده و در صید و شکار او را مهارتی زیاد بود و او را بهرام گور لقب داده اند (لفظ گور فارسی و معنی آن خرو حشی است) بزرگترین سعی و کوشش بهرام گور جلوس گیری از قبایلی بود که بحدود شمال و شرق دولت امپراطوری وی حمله آورده و کشور او را در آن حدود دچار تهاجم مینمودند.

در ۵۳۱ \* نوشیروان عادل \* که در ستایش و نیایش او شعرائی عربی شعرها سروده اند به تخت شاهی ایران نشسته : قوانین کشوری را اصلاح - مالیات را منظم - امنیت را برقرار نمود و لشکروا در حدود شرق و غرب فاتح شده سوریه را تسلیح و شرفا برادر نمودند و او دایره سلطنت خود را تا کشور یمن وسعت داد.

بر روی دوم سوریه را تا شام و مصر و آسیای صغیر حطیم کرده و نیز توانست که تقریباً برقد - انطاکیه استیلا یابد ولی هرقل امپراطور روم بهرام پنجمی آن مقام نموده و نیروی ایران در یازده جزیره شکستی بزرگ خورد، در نتیجه آنچه را که بر روی درفته بود مشرد گردانید.

از آنجا که امپراتوری ساسانیان هرگز به عظمت میانی و کشوری و مذهبی بود در دوره سلطنت ابن خانواده : حکومتی ملی و ایران در این کشور برقرار گردید و در آن دوره دیانت سقایی اعلی پیدا نمود سلاطین این خاندان توانستند آئین و

و نظامات اداری را که داریوش در دوره کیانیان ترتیب داده بود دوباره بکار برده و اجرا نمایند و اهمیت و احترامات حکومت مرکزی را در نفوس حکام و فرمانروایان اقالیم و شهرها جای داده و انتشار دهند و دین زردشت با پایه استوار باین جنبش بلك و نهضت مقدس ارتباط یافته و مذهب رسمی دولت گردیده ضمناً نفوذ رجال مذهبی زیاد شد و این کثرت نفوذ تقریباً اسباب خطر انتظامات کشور گردید لذا شاهان ساسانی در قرن چهارم میلادی درصدد برآمدند که این قوه را جلو گیری کنند ولی بعضی از ایشان فدای راه این عسائی شده و جان خود را در سربازیکار دادند اردشیر ثانی (۳۷۶-۳۸۳) نیز از سلطنت خلع گردید.

شاپور سوم (۳۸۳-۳۸۸) و یزدگرد اول (۳۹۹-۴۲۰) و هرمز اول (۴۷۱-۴۷۳) مذهب مانئی را که مذهبی بهم آمیخته و مخلوط از دینات زردشت و مسیحی بود قبول نمود و اساس آن مذهب این بود که دنیا از دو اصل: نور و ظلمت پیدا شده بدین تفصیل که از نور هر چیز خوب بوجود آمده و از ظلمت هر امر شری پدید گردیده ولیکن آمیزش خیر و شر در این دنیا شری است که بایستی هر کس از آن رهائی جست و رستگاری پیدا کند.

هانویت مردم را بزهد و بی میلی بدینا خوانده از دواج وزن گرفتن را شتاب زدگی بجانب فنا میدانست لذا آنرا حرام گردانید؛ مانویها به پیغمبری عیسی و زردشت اعتراف نموده، عقیده داشتند باینکه مانئی پیغمبری است که بیس پآمدن او مرده داده ولیکن تعلیمات مانوی را در ایران پیشرفتگی زیاد نمود و آنان دوقبشی مسلم در کیش و آئین خود نیافتند وقتی که هرمز وفات یافت پادشاه اول ساسانیان (۳۷۳-۳۷۹) مانئی نیز کشته شده پیروان او نیز از هم پاشیده و پراکنده گردیدند.

آخرین تن که از شاهان ایران یکیش زردشت در آمد قباد اول (۴۸۸-۵۳۱) بود که او آئین مزدك را پیروی نمود و او مردی تنوی مذهب بوده و بوجود خیر و شر اعتقاد داشت لیکن مزدك در اثر تعلیمات اشتراکی و اباحه احوال و زنان از کیش زردشت جدا شده بود و قباد برای کم کردن نفوذ اشراف و رجال مذهبی و مؤبدها و برای از بین بردن قدرت و نفوذ ایشان خود را باین عقیده نسبت داد ولی بوجود این مغلوب شده

و او را از تخت و تاج برکنار نمودند. قباد پس از چندی از روش و طریقه مزدك دست کشیده و دیگر بار بر اورنگ شاهی برقرار گردید.

تعب در این است با وجود اینکه در رأس دولت ساسانی خانواده ای قرار گرفته بودند که مورد تقدیس و تکریم ملت بود و مردم آنان را مانند خدایان پرستش مینمودند و از پرتو وجود ایشان طبقه اشراف بنفوذ و قدرتی تمام بهره ور و متمتع شده بودند و آنها بر سراسر کشور تسلط داشته و مأمورین شایسته کشوری و سرداران بزرگ لشکری تربیت نموده و بیرون میدادند رجال مذهبی هم به تبلیغات و تعلیمات زردشت و ترویج آن مواظبت داشته آیین و کیش زردشت را نگهبان و حافظ بودند و در نظر ایشان چیزی جز دفع و رفع موانع عموم نهضت اصلاحی نبود معذلك مقدمات و وسایل زوال و انقراض این دولت فراهم آمد.

از جمله موجبات زوال دولت ساسانیان نزاعی بود که چند قرن بین ایران و روم ادامه داشته و نتیجه آن ضعیف شدن دولت ساسانی در موقع پیدایش و ظهور دین مبین اسلام و شروع دعوت اسلامی گردید، سستی وضع دولت ساسانیان نیروی ایران را از ایستادگی و پافشاری در برابر نیروی اسلام باز داشته و طوری شد هنگامی که مسلمانان شروع به فتوحات مہمه نمودند پی در پی آنها ضعیف و ناپایداری خود را آشکار کرده و شکست ها خوردند و طولی نکشید که نفوذ مسلمانان بر تمام کشور ایران امتداد یافت و رشته دولت با عظمت ساسانی بکلی از هم گسیخته و متفرق گردید.

## فتوحات اسلامی

قوه ایمانی مسلمانان و تعصب اسلامی و رغبت آنها در بسط و نشر این دین و اعتقاد ایشان بقضاء و قدر و معرفت آنان از نعمت و راحت و زیادتی ثروت ایران و مصر و شام خلاصه موجبات مذکور و غیر آن بزرگترین عامل پیشرفت و مہترین مشوق مسلمانان در فتوحات مہمه و وسیع آن حدود شده چنانکه ضعف ملل عظیمه هم آنها را در آنوقت برای پیشرفت کار کمک مینمود.

ایران در شرق و روم در شمال - کشور ایران بدست اعراب سقوط نموده و اساساً جزو متصرفات و بیرو اوامر خلفا گردید ، خلفا برای امور کشوری آن از طرف خود ولات و حکامی روانه مینمودند و این ترتیب تا اوایل قرن سوم (نهم میلادی) برقرار بود . سیاست بنی امیه و کارهای برجسته ایشان بالا بردن شأن عرب و مقام دولت اسلامی بوده و در دوره آنها دولت اسلام از تمام جهات صیقه و رنگ عربی بخود گرفت و ایران در زمان بنی امیه دور مهمی بازی ننموده و کاری از پیش نبرد .

پس از آن بنی عباس آمده و در دوره ایشان مندرجاً سلطنت بدست ایرانیان افتاد و از میان آنها خانواده های جدیدی قیام نمودند ولی طولی نکشید که عصر طلایی دولت بنی عباس اعلان انقراض و افول خود را داده و آثار تجزیه در ارکان و عناصر دولت اسلامی روی نمود . حکام هر جا طمع با استقلال خود برده و دم از خود سری زدند و قدیمتر از همه آنها طاهریان و اولاد صفار بودند که برای خود حکومتی نیمه مستقل تشکیل دادند

طاهریان ۲۰۵ - ۲۵۹ هجری (۸۲۰ - ۸۷۲ م)  
 صفاریان ۲۵۴ - ۲۹۰ \* (۸۶۷ - ۹۰۳ م)

دودولت

طاهریان منسوب بطاهر بن حسین مشهور بنو الیمینین اند که یکی از سرداران بزرگ مأمون بوده و او را برای ایالت خراسان برگزیده بود ، حکومت در دودمان طاهر زیاده از پنجاه سال دوام یافت تا پسران صفار بکار ایشان خاتمه دادند و نخستین کار آنها این بود که مرسله ایشان یعقوب بن لیث صفار که کار او روی گری بود عهده دار حکومت سیستان شده و سلطنت او در هرات و فارس امتداد یافت سپس طاهریان را شکست داده ، بر خراسان نیز مسلط گردید و خواست تا بغداد را بگیرد - موفق برادر خلیفه او را منہزم نموده و یعقوب در ۲۶۵ وفات یافت - پس از یعقوب برادرش عمرو لیث جانشین او شد ، ولیکن طولی نکشید که ساسانیان دولت صفاری را بهمزده و منقرض نمودند .



## دولت سامانی

(۲۶۱-۳۸۹-۸۷۴-۹۹۹)

سامان مردی ایرانی و از اشراف و بزرگان بلخ بود که در زمان دولت بنی عباس قبول اسلام نموده و چهار نفر از نوادگان او در خدمت مأمون پیدا شده اظهار لیاقت کردند . خلیفه آنها را والی ماوراءالنهر فرمود و بهر کدام حکومتی را واگذار کرد .

یکی از ایشان حاکم فراغه و سمرقند و کاشغر شده ، پسرش توانست که بعد از او از حدود هند تا نزدیکی بغداد را تحت قلمرو خود درآورد و قدرت خود را در آنجا بسط و توسعه دهد .

بخارا در دوره حکومت این خانواده به علمای بزرگ و اساتید متبحر و هوشمند اشتغالزاد یافته و سامانیان برای زنده نمودن ادبیات ایرانی و ترویج آداب و رسوم آن بذل سعی نمودند .

آنها نسب خود را به پهلوان ایرانی ، بهرام چوبینه ، پیوسته و در زمان ایشان جنبش علمی برای پیشرفت زبان فارسی شروع شد :

رودکی رکن شعرای اولیه ایران در آن زمان ظهور یافت . دقیقی نیز برای امیرنوح پسر نصر سامانی منظومهٔ عفتلی ساخته که در آن گزارش و حوادث ایران را در زمان یکی از پادشاهان بطور افسانه حکایت مینمود .

فردوسی این منظومه را در شاهنامه خود داخل نموده و این شاعر بزرگ با افتخار زندگانی ادبی خود را در خدمت شاهان سامانی شروع نمود .

## پسران بویه

(۴۲۰-۴۴۸-۹۴۴-۱۰۵۶)

موقعی که سامانیان در خاور ایران حکومت داشتند در قسمت باختر این کشور



پسران بویه پیدا شدند که مدعی بودند آنها از نسل و خانواده ساسانیانند.  
بویه رئیس قبیله بزرگی بود که در حدود بحر خزر سکنی داشته و تابع سامانیان بودند.

علی پسر بویه ابتدا برای مرداوینج که از آل زیار بود خراج گذر شده و طولی نکشید که او از دیلم سیاهی بدور خود جمع نمود و نفوذ خویش را بکماک و دستیاری برادران خویش در جنوب ایران برقرار داشت و طودی شد که خلیفه ناچار گردید، در ولایاتی که آنها گرفته بودند حکومت ایشان را تصدیق و اعتراف نماید و بدین ترتیب سلطنت آل بویه در جنوب ایران برقرار شد سپس نفوذ ایشان توسعه پیدا نموده تا بغداد امتداد یافت و در ۳۲۴ (۹۴۷) آنها داخل بغداد شدند، خلیفه یسکی از ایشان لقب امیر الاعرابی داده و برای آل بویه در امور دولت و در بار خلافت جایگاه و مقامی عالی فراهم آمد.

شهر تراز همگی آل بویه «عضدالدوله» است (۳۳۸ تا ۳۷۲) که دایره تجارت را توسعه داده و پیاسداری و توجه علوم و فنون معروف گردیده و دانش و هنر را تعمیم نمود.

## دولت غزنویها

(۳۵۱-۵۸۲-۹۶۳ تا ۱۱۸۶)

در این بین ترکها در امپراطوری بزرگ اسلامی دست بکار زده و دور مهمی را بازی نمودند نفوذ ترکها از زمانی شروع شد که خلفای بنی عباس و سلاطین خاندان ایرانی غلامان ترک را در دربار خود بخدمت گماشته و از ایشان سپاهیان مزدور و جیره خوار گرفتند و نیز سقوط دولت سامانی در اواخر قرن چهارم هجری اجازه داد که سیادت و فرمانروایی کشور ایران از ایرانیان بترکهای آسیای مرکزی انتقال یابد و ایران تا قرن دهم حکومت خود را از ترکها با مغول قرار دهد ولی با وجود این عناصر ترک بین ایرانیان مستهلك شده رنگ ایرانی بخود گرفت بطوریکه آنها خود را بصبغة ایرانی جلوه میدادند تا بجایی که میتوان گفت خانوادههایی که بی دربی بر تخت

سلطنت ایران قرار گرفته اند (از قرن دهم تا قرن بیستم) حکومت ملی ایرانی بوده و آنها را بهمین واسطه جزء دول ایرانی بشمار آورده اند و با این وصف اعم اینکه اصل ایشان از ترك یا ایرانی بوده باشد آنها بسلاطین ایران اشتباه یافته اند.

اولین دولت ترك که در ایران حکومت نموده غزنویانند و علت پیدایش حکومت آنها این بود که غلامی ترك موسوم بآلبتکین در خدمت عبدالملك سامانی ترقی و پیشرفت نموده و بعد از وفات او بکوههای افغانستان پناه برده از سلطنت سامانیان سرپیچید و طولی نکشید که غزنویها حکومت کوچکی در غزنین افغانستان تشکیل دادند ولیکن مؤسس حقیقی خانواده غزنوی داعاد وی سبکتکین است که خلیفه حکومت او را تصدیق نمود و او بعنوان جهاد به پنجاب رفته بنای جهاد گذارد، پسرش محمود بعد از او فرصت یافتند دولت سامانی را منحل نمود و خراسان را ضمیمه متصرفات خود کرده، عراق عجم و کرگان را نیز از آل بویه اشباع نمود و سپاهیان او در پنجاب پیشرفتی زیاد کردند و دین اسلام را بهند برده و کشور او از طرفی تا حدود لاهور کشیده شده و از جهت دیگر از سمرقند تا اصفهان را نیز بتصرف خود در آورد.

سلطان محمود اگرچه سنی متعصب بوده و جماعات معتزله را اذیت و آزار مینمود و مؤلفات علمای معتزله را میسوزانید ولی باوجود این دولت ایران در دره سلطنت او باوج عزت رسیده و در باروی همواره جایگاه شعرای فارسی زبان بود.

« فردوسی » کتاب شاهنامه بزرگترین تاریخ افسانه ایران را برای سلطان محمود پرشته نظم در آورده و تقدیم او نمود.

## سلاجقه

(۴۴۹ - ۵۷۰۰) - (۱۰۲۷ - ۱۳۰۰)

گفته شد که دولت خلفای عباسی از آغاز قرن دهم میلادی چگونه در ضعف نهاده و طوری بود که نفوذ ایشان از حدود عراق تجاوز نمینمود و چگونه غلامان جبرمخوار ترك در خدمت خلفا فزونی یافته و بتدریج قدرت سیاسی را از آنها گرفته و نفوذ ملی تركها در تمام حدود و نواحی سلطنت امپراطوری اسلامی زیاد گردید.

سلاجقه که باین اسم شناخته شده اند نسب ایشان بسلاجوق میرسد که زعم و

قائد این طایفه در رئیس قبیله ترکمان حدود ماوراءالنهر بوده و او توانسته که نفوذ خود را بر خراسان برقرار دارد و بعد از وی قوه سلاجقه زیاد گردید تا اینکه طغرل بیک نواده سلاجوق بر ولایات غزنویان استیلا یافته سپس بچنانب بغداد شتافت و در ۴۴۷ (۱۰۵۵ م) بغداد ورود نموده و حکومت شیعی آل بویه خاتمه داد.

خلیفه وقت هم رشته امور سیاسی و کشور داری را بعهده او وا گذاشته و بدین طریق سلاجقه نفوذ خود را زیاد نموده دارای حکومت ایران و عراق و آسیای صغیر و شام گردیدند.

در دوره سلطنت البارسلان که جانشین طغرل بیک بود سلاجقه در ملاز گرد بدولت بیزانطین شکستی سخت داده (۴۶۴) - (۱۰۷۱) ارمنستان را بتصرف خود در آوردند و جلوا ایشان برای حمله بردن بآسیای صغیر و تهدید قسطنطنیه بازگردید. دولت سلاجقه در زمان ملکشاه و وزیر او نظام الملک که آندو اهمیاتی زیاد برعیت پروری و دادگستری و احترام و مهربانی بعلماء و شعرا داشتند باوج عزت و کمال رسید و در دوره این شاه و وزیر مدارس و دانشگاهها و مؤسسات دانشی متعددی پیدا شده و نظام الملک از اینگونه بنگاهها در چندین جا بنا و تأسیس نمود.

وقتی که ملکشاه وفات یافت (۴۸۵ - ۱۰۹۲) دوات او ضعیف شده و متصرفات وی هاین پسران و خویشان او که مشاغل حکومتی داشته و عنوان اتابکان بر ایشان اطلاق میشد تقسیم گردید.

با این وصف جای تردید نیست تمام مدتی را که سلاجقه از آغاز دخول ایشان ببغداد تا زمان وفات سلطان سنجر (۵۵۲ هـ - ۱۰۵۷ م) در ایران حکومت نموده اند از خجسته ترین زمانها و برجسته ترین دوره و عصر ترقی فنون و هنر ایرانی بوده و از اشخاص نامی و برگزیده دوره سلاجقه:

امام محمد غزالی - حکیم عمر خیام - دو نفر حکیم مشهور و فیلسوف دانشمندان معروف میباشند.

## دولت خوارزمشاهیان

(۴۷۰-۶۱۷) - (۱۰۷۷-۱۲۲۰)

در آغاز کار ابن خاتواذه - اتوشتکین که از طرف ملک شاه سلجوقی عامل خوارزم بود وفات نمود و پسرش جانشین او گردید از خوارزم که با سلاجقه بمخالفت قیام کند .

سألمان سنجراورا از خوارزم رانده و متواری نمود ولیکن دیگر بار که بایران بازگشت کرد او و جانشینان وی نفوذ خود را در ایران فروئی داده سپس بمذهب شیعه در آمد و آنان قصد داشتند که بغلافت بنی عباس خاتمه دهند ولی چنگیز خان با سپاهیان مغول مزاحم احوال ایشان شده نگذاشتند که حکومت خود را داده بدهند . در دوره حکومت ابن خاتواذه نیز بسیاری از ادبای فارسی زبان و شعرای ایرانی مانند نظامی و شبخ عطار و دیگران بظهور رسیدند .

## مغول ها

(۶۵۶ - ۷۴۶ هـ) (۱۲۵۸ - ۱۳۲۶ م)

دسته از مغول باهر و فرمان چنگیز خان قسمت هواراء النهر و بلاد شرقی ایران را در ۶۱۸ هجری (۱۲۲۱ م) بصرف خود در آورد و مغولان به هر نقطه از نقاط که میرسیدند آتشارا خراب و ویران مینمودند و قتل مغول بزرگترین بازی ناگهانی است که در تاریخ ایران بروز نموده و این کشور را کاملاً بجانب غربانی و ویرانی کشانید .

ما بین مغول کسی که قدم ایشان را در کشور ایران استوار نمود الاکو خان بوده که در نیمه قرن ۷ هجری (۱۳ میلادی) ابراراف برادر بزرگتر خود در این کشور حکمرانی مینمود و در ۶۵۶ هجری (۱۲۵۸ میلادی) به دستور خلیفه عباسی را بقتل رسانید و در این کشور به تاورشکوف خانرا نامی داشت که در ۶۵۸ هجری (۱۲۶۰ میلادی) حکومت چین و هند و آن خاتواذه ایلبخانی و مغول است .

اصطلاحك مغول با افراد ملت ایرانی سبب تهذیب اخلاق ایشان شده و وضع اداری و آموزش آنها بعد از هلاکوخان دارای يك سلسله متانت و رشد و پیشرفت گردید و طولی نکشید که مغول دین اسلام را قبول نموده و زیاد حریص بودند که خود را بعد از زاده های خود مغولهای بودایی چین اتصال و ارتباط دهند و بدین جهت دوره حکومت این خانواده در ایران نسبت بقئون و هنرورندگان اجتماعی و تربیتی از دیگر دوره ها اعتبار یافته

موفقیت و پیشرفت اصول ملوک الطوائفی در ایران موجب انقراض دولت جانشینان هلاکو شد و دولت مغول پس از پنجاه سال حکومت و فرمانروایی سقوط نموده و بدولتهای کوچک محلی چندی تقسیم گردید مانند :

دولت آل مظفر در فارس و کرمان (۷۱۳-۷۹۵) (۱۳۱۳-۱۳۹۳) و دولت کرت در هرات و دولت جلایر در عراق و غیره از دولتی است که تا ظهور تیمورلنگ دوام نموده و فتوحات امیر تیمور در آخر قرن هشتم هجری (۱۴ میلادی) بتمامی آنان خاتمه داد.

## تیمورلنگ و جانشینان او

۷۷۱-۹۰۶ (۱۴۶۹-۱۵۰۰)

تیمورلنگ در بلاد ماوراءالنهر سال (۷۳۶-۱۳۳۵) متولد شده و او از خانواده اصل ترک و از نژاد زادگان ترکستان است.

تیمور موقعی که نفوذ خود را در مین خویس برقرار و بپایدار نمود از آنجا بجانب ایران حرکت کرده حکامی را که در این کشور بطرز ملوک الطوائفی حکومت مینمودند بهم زده و همه را تحت يك سلطنت در آورد سپس بجانب روسیه رهسپار شده تا مسکو پیشرفت نمود پس از آن بپند حمله کرده و فتوحات خود را در آنجا ادامه داد تا اینکه دهلی را در ۸۰۱ هجری (۱۳۹۸) بنصف خود در آورد و طولی نکشید که در حدود آققره (آنکارا) هم بیایزید سلطان عثمانی شکستی فاحش داد (۸۰۴ هجری-۱۴۰۲) تیمورلنگ در فتوحات خود خرابیها زده و در بیرحمی و وحشیگری خود را بمنتهی درجه رسانیده بود ولیکن اگر که شیراز و دهلی و دمشق و بغداد را خراب نمود



این عمل او برای آن بود که بپاینتخت خود جلو و شکوه و عظمت و جلال داده باشد چنانکه امروزه مقبره و آرامگاه او که یکی از عجایب فنی معماری دوره اسلامی است در سمرقند برپا است و مورد توجه عموم مردم دنیا میباشد.

بعد از وفات تیمور در ۸۰۷-۱۴۰۵ بین ورثه او نزاع در گرفته و در آخر کار چهارمین پسر او (شاهرخ) توانست که خویشان و نزدیکان خود را وادار کند تا حکومت و برادر تصدیق نمایند و او بدین طریق بتخت ایران بفرار گردید سپس بلاد ماوراءالنهر را نیز بتصرف خود در آورده، هرات را پای تخت خویش قرار داد و عده زیادی از شعرا و هنروران را بهرات کشانیده ادب و هنر در دوره او و جانشینانش رونق و شکوهی تمام یافت.

## دولت صفویه

(۹۰۷-۱۱۴۸-۱۵۰۲-۱۷۳۶)

سلطانی صفویه به «شیخ صفی الدین» منسوب اند که یکی از اولیاء و مرشدان اردبیل بوده و شاه اسمعیل نواده او بعدها دارای قدرت و نیرو شده خانواده ترکمان را که در مغرب ایران حکومت داشتند «آق قویونلو و قراقویونلو» شکست داده و منقرض گردانید و در سال (۹۰۷-۱۵۰۲) خانواده ابرا تأسیس نمود که از آن تاریخ تا ۱۱۴۸ هجری (۱۷۳۶ م) در ایران حکومت و سلطنت داشتند.

نسب صفویه بحضرت علی بن ابیطالب علیه السلام پیوسته و مذهب شیعی در زمان سلطنت و دوره حکومت این خانواده مذهب رسمی کشور پهنور ایران گردید. عثمانیان که پهلوانان ترک نژاد بوده و پیروی از مذهب تسنن می نمودند نمی گذاشتند که کلمه آنان یکی شده و نفوذشان زیاد گردد لذا از آن بعد اختلاف و کشمکش طولانی و شدید بین این دو فرقه پدیدار گردید.

سلطان سلیم در ۹۲۰ (۱۵۱۴) پانزوی زیاد خود بجانب تبریز پایتخت شاه اسمعیل آمد و سیاه ایران را شکستی سخت داد و در اثر آن قوای عثمانی بقسمت غربی دولت امپراطوری صفویه مسلط گردیدند. بدتر از همه آنکه قبایل ترکمان نیز همواره



در قسمت شرقی ایران بچنگ و جدال و دست اندازی با نحدود مشغول بودند شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ هجری) در دوره سلطنت خود همواره با این دو خطر بزرگ مواجه بود. عصر طالامی خاندان صفویه دوره سلطنت (شاه عباس کبیر) است (۹۹۵-۱۰۳۸ هـ) زمانی که شاه عباس پتخت سلطنت نشست ایران از هر طرف دچار مخاطرات شده بود چنانکه ترکمانان و ازبک حدود شرقی شمالی را تهدید نموده و ترکها با آذربایجان استیلا یافته بودند شاه عباس توانست که دوباره کشور از دست رفته را بخود برگرداند لذا فتوحات خویش را ادامه داد و ترکها را هم از بغداد رانده آنجا را تصرف نمود (۱۰۳۲-۱۶۲۳) سپس بواسطه ایجاد روابط حسنه بین خود و دول اروپا ترکها را دچار مصیقه گردانیده، در اثر این ارتباط نظاماتی جدید در امور کشوری و لشکری برقرار نمود.

از مهمترین حوادث سلطنت شاه عباس انتقال پایتخت او باصفهان بود که در اثر آن شهر مزبور را زیب و شکوه داده ابنیه عالی و معابد و کاخهای دلگشا در آنجا بنا نمود و راه آمدن و رفتن را بجانب این شهر زیبا از هر طرف و هر جا باز گردانیده اروپائیان از دول و عالی مختلفه باصفهان آمدند عظمت و جلال پایتخت و کشور شاهنشاهی را دیده و گزارش آنرا بمورد نگارش آوردند و از آن شرح و وصف نمودند جانشینان شاه عباس با اینکه روش خود سری را کزیده و بخوشی و نشاط سرگرم گردیدند معذلت سیاست شاه را بی روی نمودند آنها اگر چه توانستند از بغداد نگره داری کنند و دولت شمالی آنرا بخود برگردانید؛ ولی شهرهای دیگر این کشور را نگره داری نمودند و از شاه عباس در عذر داری از ارباب هنر و تشویق کارگران و ترویج پیشه و هنر تقلید نموده و در طرح روابط حسنه با دول اروپا اهتمام زیاد بخارج دادند.

در اواخر و اعل ضعف بدولت صفویه راه یافته و عوجبات اقراض در آن رخنه نمود تا اینکه افغانه در دوره سلطنت شاه سلطان حسین بمرز ایران تاخت و تاز آوردند (۱۱۰۵-۱۱۳۵)

افغانه در آنوقت تابع ایران بودند شکست سپاهیان شاه سلطان حسین از ایشان (۱۱۳۵-۱۷۲۲) و استیلاء آنها بر اصفهان سقوط دولت صفویه و انقراض آنرا اعلام

نمود. اگرچه بعضی از افراد این خانواده در مازندران و قزوین و غیران تا چند سال دیگر حکومت مینمودند معذلك ديكر دولت ايشان نفيج و دوامی نیافته و مضمحل گردیدند.

### نادرشاه

جنگ افغانه با ایران و مداخله آنان پیوسته بیروز و ظهور یکنوع هرج و مرج و خودسری در این کشور گردیده در اثر آن یگانه سردار توانا قائد نیرومند افشار نادر قلی (نادرشاه) عزم خود را بر طرد و دفع افغانه و اخراج آنان و استقرار تخت و تاج صفویه آشکار ساخته ولیکن طولی نکشید که او آخرین شاه صفوی را از سلطنت انداخته و تخت و تاج او را بتصرف خود درآورد (۱۱۴۸-۱۷۳۶) سپس شخصاً در رأس سپاه خویش قرار گرفته افغانها را مطیع و فرمانبردار نمود پس از آن بهند اشکر کشیده تا دهلی رفت و بآنجا مسلط شد و جواهر بسیاری از هند بعنوان غنیمت جنگی بایران آورد ولی حکومت او چندان دوام نیاورده و خاتمه پیدا نمود و این کشور بعد از قتل او در (۱۱۶۰-۱۷۴۷) دوباره دچار فتنه و آشوب و انقلاب و خودسری عجیب گردید.

### زنلیه

(۱۱۶۲-۱۲۰۹) (۱۷۵۰-۱۷۹۴)

ایران در دوره جانشینان نادرشاه بدولت های کوچک چندی قسمت شده ولی طولی نکشید که «کریمخان زند» سلطنت خود را بر تمام نواحی ایران جز ایالت خراسان بسط داد و در آنجا آخرین جانشین نادرشاه (نادر میرزا) حکومت مینمود.

### قاجاریه

(۱۱۹۳-۱۲۴۵) (۱۷۷۹-۱۹۲۶)

بعد از وفات کریمخان و کیل اختلاف زیادی، بین جانشینان او و آقا محمد خان که از قبائل ترك قاجار بود روی نمود. آقا محمد خان توانست که سلسله جدیدی تشکیل داده و تهران را پایتخت خود قرار دهد.

در دوره سلطنت این خانواده روسها ایران را تهدید نموده و قسمتی از نواحی

دور دست و سرحدی آنرا بزور گرفتند و بعدها دول دیگر اروپائی در صدد برآمدند که این کشور را بمناطق نفوذ خود تقسیم کنند ولیکن در این بین جنگ بین المللی پیش آمد نمود و در ایران مانند دیگر جا این جنگ عالمگیر مشکلاتی را بوجود آورد و نتیجه بحران منتهی بظهور قانندی توانا برای آرامش و توحید این کشور و جنبش جدید آن گردید.

## اعلی حضرت رضا شاه پهلوی

۱۹۴۵-۱۹۳۶

شاهنشاه فقید ایران که اصلش از خوانین مازندران است برای نجات این کشور قیام نموده و مجلس شورای ایران سلطنت او و خانواده اش را تصویب کرد در دوره سلطنت و زمامداری این شاهنشاه برای کشور ایران نهضتی بزرگ پیش آمد نمود و این کشور داخل نظامات سیاستی جدید گردیده و دانشجویانی زیاد بارویا فرستاد ایران در جامعه ملل داخل و این کشور دارای بسیاری از مؤسسات و بنگاههای علمی و صنعتی و کارخانه های زیاد شده و لوازم بسیاری از تمدن جدید در آن پدیدار گردید، بودجه در آمد و هزینه او باعلی مدارج کمال رسیده روابط خارجی و انتظامات و آرامش داخلی آن خاطر تمام جهانیان را بخویشتن متوجه گردانید.

# فصل اول

## پیدایش نقاشی ایرانی

برای نقوش و صور ایرانی نوعی زیبایی و فریبندگی است که بمحض دیدن در سوادای دل جاگزیده و شخص را از آن شگفت و حیرتی زیاد فراهم میشود و هرگاه که گوشه از این هنر را گرفته و نمونه از این فن را یا شاهکارهای فنی سرآمدان هنر غرب و آنان که بطریق ایشان رفته و بروش آنها کار نموده اند برابری دهند و ناقصی را که از مزایا در بردارد ملاحظه کنند ممکن است با سانی ارزش و بهای صورتگری و نقاشی ایرانی در برابر هنر و فن اروپائیان بواسطه آشکار شدن بعضی از عیوب یا نقص قسمتی از مزایا و امتیاز ظاهر گردد ولیکن این مغالطه و اختلاط چندان مورد نظر نبوده و داعی انتقاد نخواهد داشت.

هم در این فن پاره از اوصاف است که نبایستی آنان را در نظر گرفت و درباره آن دقیق شد زیرا با لحاظ اوصاف مذکور ممکن است که چنین قنی راه فنا و زوال را پیموده و از میانه بدرود نماید ولی تنها چیزی که انکار آنرا نمیتوان نمود این است که چهره کشتی و نقاشی ایرانی در مورد خود منفرد و یگانه بوده و بیننده را نوعی تأثیرات روحی و الهام و خوشی و شادمانی قلبی میبخشد که چنین وحی و تأثیر و جلب توجه برای غیر آن از فنون هنروران دیگر نیست.

تصاویر ایرانی نخستین بار خسته کننده بنظر آمده و دیده از دیدن رنگهای تند و زنده الموان و تابان و درخشان آن زده و خسته خواهد شد و گاهی هم این صور و نقوش شباهت زیادی را بیکدیگر نشان داده یا مکررات است و این ترتیب نظر بتقلیدات و صیغه است که اهل فن و هنر در هر دوره بآن احترام گذاشته و در پیروی و تعقیب آن اشتراک نموده اند ولی در حقیقت کمال هنر ایشان در بکار بردن این اوصاف است.

اوصاف ملحوظ از قبیل نداشتن سایه و کشیدن چهره و سیمای اشخاص بوضع

واشکال بی‌تسلب است و گاهی این صور روح و حرکت و نکات و دقائق بیان و تعبیر را ناقص گذاشته و مطابقه نمودن آن با حقیقت و واقع دور از قاعده بوده و مشکل است و این اختلاف و عدم تناسب بواسطه آنکه تفاوتی است که بین الپس و پوشش و جنبش حاصل میشود ولیکن اوصاف و خصایص مذکور از جمله خواص و مزایای است که در دنیای هنر و فنون خود را مستقل و اصلی خاص معرفی نموده و هیچ مدعی و منازعی را مجال نزاع و اختلاف در آن نخواهد بود.

دانش و معلومات ما راجع بنقاشی و صورت کشی ایرانی پیش از اسلام همیشه مجهول بوده و اگر اخیراً هیئت آناری: آلمانی- انگلیسی و فرانسوی در ایران و آسیای مرکزی و افغانستان و شمال هندوستان هم قسمتی از این فنون اطلاع یافته و تاحدی از آن بهره و نتیجه گرفته اند با وجود این باز معلومات ما نا تمام و ناقص مانده است.

### مانی نقاش

مدارك تاريخي و ادبي بما نشان میدهد مانی نقاش ایرانی که در حدود قرن سوم میلادی زندگانی نموده و مؤسس مذهبی است که باو نسبت میدهند این مرد نقاشی زبردست و توانا بوده و دستورات او اشاره بر پشت و آرایش کتب مذهبی بصوری کوچک نموده و آنرا از بهترین وسائل جهت معجزه و امر پیغمبری و نشر دعوت خود میدانسته.

صدق و صحت این معلومات بواسطه اکتشاف دو نفر آلمانی:

فون او کوک (Von le Coq) و گرینویدل (Grünwedel) و صور نقاشی های ترفان (صحرای کبی از نواحی ترکستان چین) که مابین سنرات ۱۴۲ و ۲۲۶ هجری (۷۶۰-۸۴۰) کشیده شده ثابت خواهد شد که آنجا مقر حکومت نژاد ترک مانوی مذهب و مرکز امپراطوری ایغور (Uigur) بوده (۱)

مهمترین چیزی که این دو استاد در موقع کاوش آنجا بدست آورده اند اکنون در موزه آثارین المانی برلین موجود است و اکتشافات ایشان شامل تصاویری است که

۱ - مراجعه شود به Arnold: Painting in Islam, ص ۶۱ - ۶۲ و  
Von le Coq: Auf Heillas Spuren in Ostterkestan



بر دیوارها بوده و نقوش و صور ایرانی است که تردیدی در صحت آن نبود و در بعضی از آنان نقشه ها و رسوم بشکل شاخه های درخت کشیده شده و آرایش و تزییناتی است که بدوره مغول ارتباط دارد.

و نیز در آنجا صفحاتی دیده میشود که این دو استاد در قزیل (Qizil) نزدیکی کوتشاکشف نموده اند و بر آنها صور اشخاصی ترسیم شده که از آنان ارتباطی تمام بین این صنعت و بین آنچه که در ایران بعد از اسلام وجود آمده آشکار میشود (۱) و نیز در حوزة مذکور نتیجه اکتشافات هیئت آناری افغانستان است که بر معلومات ما در اشیاء میافزاید و در نقوشیکه بر تخته سنگهای بامیان (Bamiyan) ترسیم شده و آناری که استاد آرد (A. Godard) و خانم هاسراو بدان آگاهی یافته و واریسی نموده اند عناصر هندی و یونانی قدیم دیده میشود ولیکن در آنها نیز آثار عناصر دوره ساسانی و بعضی از سلاطین آشکارا نمودار است و ما از دیدن همه آنان معلوم میداریم که تمدن ایرانی نفوذ خود را تا اواسط خاك آسیا برده و با محدود کشانیده بود و اثر آن در مرز و بوم مذکور تا چندین قرن بعد از انقراض ساسانیان هنوز هویدا و آشکار است.

## اسلام

فتوحات مسلمانان پی‌ریزی دنباله یافته و ایران نیز جزئی از اجزاء دولت با عظمت امپراطوری اسلامی شد و دین اسلام در آن انتشار و رواج یافته، مسلمین زبان عربی را زبان علم و ادب و لسان مذهبی و دیوانی این کشور نمودند ولی چیزی که بود ایرانیان مانند ملل دیگری که مسلمین بر آن غلبه یافته در وجود فاتحین خود تأثیر نمودند و آنها بزرگترین دستیار و کمک کار ایشان در پیدایش هنر و فنون اسلامی شدند که اسلام آنها را در دین خود نقش زده و شخصیت آشکار و هویدای ایشان بدان جلوه و ظهور یافته و این فنون و هنر بنام آنها تمام شد و در حقیقت اساس و پایه این تمدن بزرگ همان مدنیت ایران و روم و کلد و آشور و مصر بوده.

این موضوع مسلم است که بیشتر اعراب در دوره جاهلیت بیابان نشین بودند و

۱- مراجعه به Waldschmidt: Gundhara, Kutscha, Turfan. Eine Einführung in die frühmittelalterliche Kunst Zentralasiens و باید آن

ماین ایشان تهدنی وجود نداشته و بدویت بالطبع دائره وسیع و نعمت و راحت زیادی را دارا نبوده تا در آن هنر و فنونی بروز و ظهور نیابد. ولی با تمام این احوال نمیتوان انکار نمود که عربها در دوره جاهلیت صوری کشیده و مجسمه هائی ساخته و هیاکلی از چوب میتراشیدند تا آنها را خدایان خود قرار دهند پس از آنکه حضرت ختمی مرتبت (ص) در میان ایشان به پیغمبری برانگیخته و مبعوث شد آن حضرت اعراب را از تراشیدن هیاکل و کشیدن تصاویر جلو گیری و نهی فرموده و میخواست بدین وسیله تعامیل آنان را از اسباب و وسایلی که مردود و جانب بت پرستی میکشاند انحراف دهد و ایشان را از هر چیز که پرستش بها نزدیک میکند دور نموده باشد (۱)

خاورشناسان (مشرقین) مطالب زیادی درباره حرمت نقاشی و چهره کشی در اسلام نگاشته و بعضی از ایشان چنین اندیشیده اند که قرآن مجید کشیدن صورت و ساختن مجسمه را حرام فرموده و این خیالی باطل است و اساسی ندارد زیرا که تفسیری در قرآن بر این موضوع نشده .

دیگران گویند که حدیث و تخریر آنرا حرام نموده و این قولی درست و صحیح است و هم گویند که شیعه حدیث حرمت تصویر را ثابت نمیکند و از این راه جاوه و غلبه و صنعت نقاشی را در ایران دلیل آورده اند که در این سرزمین مذهب تشیع رایج و شایع است (۲) در صورتیکه این موضوع دچار مغالطه و اشتباه شده: زیرا که مجسمه سازی و صورت کشی همانطور که نزد علمای اهل سنت مکروه است بدینگونه هم این عمل نزد علمای شیعه کراهت دارد اگرچه فرق شیعه و مکتب خبری که نزد اهل سنت است اعتراف نمی نمایند زیرا که آنها خود دارای کتب مخصوص اند که شامل اعتقاد و تصدیق شیعه بوده و از احادیث صحیحیه نبوی علیه الصلوٰة و السلام میبایند در کتب مزبوره حدیث و اخباری درباره نهی صورت کشی و نقاشی و بیم دادن صورت نگران وجود دارد که بزودی در روز جزا و هنگام پاداش اعمال آنها را وادار نمایند که در صورت های

۱ - مراجعه شود بکتاب الفن الاسلامی فی عصر دکتر زکی محمد حسن ج ۱ ص ۱۱

و مابعد آن و کتبات الاسلام و الحضارة العربیه استاد محمد کردعلی از ص ۱۰۵ تا ۱۱۰

۲ - مراجعه شود به E. Kuhnelt: Islamische Kleinkunst ص ۴

ساخته خود جان بدهند در صورتی که دمیدن جان از عهده ایشان بر نیاید. (۱)  
جای تردید نیست جدائی و اختلاف بین مسلمین در آنجا که از مجسمه سازی  
و صورت کشی وجود دارد مربوط باین است که کشور ایران چنانچه دانسته شده  
بزرگترین محل و فراخترین میدان جهت فن تصویر اسلامی بوده و نیز چنین شناخته  
شده که دولت ایران دولتی شیعی مذهب است و لیکن خاورشناسانی که گمان نموده اند  
شیعه صورت کشی و نقاشی را منع نمیکنند در عین حال این نکته را فراموش مینمایند  
که مذهب شیعه جز از اوایل قرن شانزدهم میلادی بعد مذهب رسمی ایران نبوده  
و آن وقتی است که سلسله صفویه صاحب تخت و تاج شدند و هم آنها فراموش میکنند  
صورت کشی را که اسلام مکروه دانسته غربها در آن زحمت و مشقت زیادی نکشیده  
اند زیرا که آنها استاد این کار و اهل این هنر نبودند بالعکس ایرانیان که میل و ذوق  
این هنر را از نیاکان و گذشتگان خود باور کرده و قریحه استعداد این هنر به مانند دیگر  
نژادهای جز طایفه رقیبه ذاتی ایرانیان بوده اند صرف نظر از این کراهت و نهی بایستی  
که ایرانیان را در داشتن این هنر بدیگران سبقت داد معذالك صورت کشان و نقاشان  
در نزد علما و رجال مذهبی در ایران ناپسند آمده و عمل ایشان را جایز نمی شمارند.  
علاوه بر این در تاریخ هنر و فنون اسلامی سلاطین و امرائی وجود داشته که از  
بزرگترین طرفداران و مروجین فن نقاشی و کمک کاران آن شمرده شده اند در صورتیکه  
ایشان پیرو مذهب شیعه نبوده و کفری باین مذهب نداشته اند.

خلیفه اموی که کاخ کوچک عمر را در بیابان شام بنا نموده دیوارهای کاخ را  
زینت کرده و سقف آن را با نقوش و تصاویری زیبا و دلکش منقش (۲) ساخته و خلفای عباسی  
که کاخهای خود را در سامرا (سرمن رای) بنقش و نگاره های رنگارنگ آرایش نموده اند (۳)  
و شاهان ایران از خانواده امیر تیمور کویرکان که فن نقاشی در دوره ایشان رونق و  
شکوهی تمام پیدا نموده و در تودت سرپرستی و رعایت ایشان بهر زاد بزرگترین

۱- مراجعه شود به فصل اول Arnold: Painting in Islam که آن بهترین چیزی

است که در این موضوع نوشته شده

۲- مراجعه شود به فصلی که اسناد کریزول Creswell برای سنی رای در باره آن تصدیق  
کتاب خودش Early Muslim Architecture بر تریب داده

۳- مراجعه شود به Herzfeld: Die Malereien von Samarra

نقش ایران بوجود آمده و نیز سلاطین مغول در هندوستان و آل عثمان در ترکیه تمامی آنان پیرو مذهب تسنن بوده اند.

نهایت گفتار آنکه، مسلمانان از شیعه و سنی بر کرامت مجسمه سازی و کشیدن صور جان دار (ذی روح) اجماع و اتفاق دارند بواسطه آنکه در این دو تقلید از کار خدای آفریدگار عزوجل میباشد و هم برای آنچه که از حدیث رسیده:

«انما ملائكة لا بدخلون بیتاً فی کلب ولا تصویر» فرشته داخل خانه ای که در آن

سنگ و تصاویر است نمیشوند.

«ان الله الناس عذاباً عند الله يوم القيمة المصورون» (بتحقیق کسانی که عذاب

ایشان از هر کس نزد خدا در روز قیامت سخت تر است صورت کشان میباشد)

«ان الذين يصنعون هذه الصور يعذبون يوم القيمة و يقال لهم احيوا ما خلقتم»

(بتحقیق کسانی که این صور تیارا میکشند در روز قیامت عذاب میشوند و بآنها گفته میشود زنده کنید آنچه را که آفریده اید.)

بدینجهت مسلمانان در آغاز کار ایجاد و ابداع کشیدن رسمهای زیبا و دلربا میل نموده و از آن پیروی کردند و صور جان دار در آنها وجود داشت و هم از اشکال نباتی و هندسی که بعضی در دیگری مداخله مینمود درست کرده و فن آرایش و تزیین از حدیثات و عزایات قانون اسلامی گردید و ولولگی نکشید که خط عرس برای مسلمانان در مزد تحریر و آرایش کاری رنگارنگ با رسم بنای همسری و رقبت و زور آزمائی را گذاشت.

عالمی و غم همه اینها مسلمانان به صرف روت کشی ذی روح می برده و در آن رشته کار کردند تا اینکه ادواری رسید که هنوز فن «صویر» در آنها باقی نرسیده و رنگ درونق زیاد مانده و به شرفی تمام نبود و بزرگترین آری که اکنون بنظر ما رسیده بقایای صوری است که در صدر اسلام عمل آن انجام گرفته و کمر آرمغان است.

آثر مذکور نقاشی کاخ گورچک عمرا است که موزیل (Musil) دانشمند

اطریشی در سال ۱۸۹۸ آنرا کشف نموده و این آثار در طرف شمال شرقی بحرالعبیت قرار گرفته و بیشتر اندیشه بر آن می‌رود که خلیفه اموی این مکان را در اوایل قرن هشتم میلادی برای آسایشگاه یا جهت محل سرگرمی و خوشی و عیش و نوش خود ساخته است.

بنای این کاخ از حجر الجبر (سنگهای گچی) بالا رفته و شامل ایوانی دراز و طولانی بوده که در آن چند تالار بر پا شده بود و بر سقف این ابنیه نقش و نگارها قرار داده و بین آنان یکی از شاهان ششگانه جهان را نشان میداد که خلفای اموی آنها را شکست داده بودند.

و هم در آنجا صور دیگری است که شامل سازنده ها و نوازندگان و اشخاصی برهنه و عربان بوده و جمعی دیگر که پاره از کارهای بدنی و ورزش میدادند نموده اند سپس مناظری از شکارگاه حیوانات بیابانی را نشان میدهد و در تالار الهی آن صورت امیری است که شاید این کاخ از برای او بنا شده - علاوه بر این فن کشیدن تمام این تصاویر و نقوش از جمله فنون و هنری است که تقریباً جزء فنون و هنر بیزانطی و رومی بوده و تا حدی بطن زمان ساسانیان تأثیر یافته و رنگ آن هنر را بخود گرفته.

برای ما نقوش و تصاویر کاخ کوچک عمراً تفاوت زیادی با مشاهدات و مناظر بعد از آن نسبت بنقوش دیگر ادوار اسلامی دارد چنانکه این تفاوت در آنچه که در استاد معروف زاره (سار) و (هر نسفلد) در سامرا (سرمن رای) بر آن آگاهی یافته اند بخوبی نمودار است و اثر عزمور در کاخی است که معتصم خلیفه عباسی در ۸۳۸ میلادی در شمال عراق بنا نموده و آنرا بایستخت و مرکز خلافت خود قرار داده و این محل را خلیفه برای فرار و گریز از صدمه و تراخم سیاهیان ترك خود اختیار نموده و بساکنین این مکان بنه آورده شهر جدید در دوره جانشینان معتصم وسعت و آبادی زیادی پیدا نموده تا اینکه معتصم خلیفه در ۲۷۰ هـ (۸۸۳ م) آنجا را را گذاشته و دوباره مرکز خلافت خود را ببغداد انتقال داد.



گلوں و حفاری آثار قدیمه و خرابه های سامرا باعث اکتشافات زیادی شده و هیئت آناری آلمانی که در رأس ایشان دواستاد دانشمند نامبرده بودند بایشکار اقدام نموده و مسجد جامع متوکل را که پوشیده و مستور بوده بامزاره آن که معروف بمایوه و نمونه ای از مزاره مسجد طولون مصر میباشد معلوم داشته اند و نیز آثار خرابه های زیادی را کشف نموده اند که بر دیوار آنان نقش و نگارهای هندسی و نباتی است یا از اشکال کنده کلری است که در گچ بعمل آمده . (۱)

ولیکن چیزی که اکنون ما را بیشتر باندیشه زیاد و امیداردواز جمله آناری است که علمای حفاری بر آن علم و اطلاع یافته اند آنها نقوش رنگینی است که از حیث موضوع و طرح نقش و نگار قصر کوچک عمرا شباهت دارد چنانکه در بعضی از آن پدنه های برهنه و برخی زینهای رامشکرو شکارگاه و صور حیواناتی دیده میشود و با اینکه ما از مصادر و منابع تاریخی و از افاضاتیکه بدست آمده میشناسیم که هنروران فنی مسیحی در کار این نقوش و دستوری شرکت نموده اند معذلک طرز کار و وضع صنعت آن جدا شده و پدید آمده از دوره ساسانی است حتی اینکه استاد هر تسفند آنها را آخرین مثال و نمونه نقاشی در این فن میشمارد .

شاید نزدیکترین نقوش اسلامی بآثار نقش و نگار سامرا نقش و صورتی باشد که دارالآثار العربیه مصر در زمستان سال ۱۹۳۲ در حبیبه ابی السعود در جنوب قاهره بدست آورده و بدان آگاهی یافته آثار مزبور مربوط بدوره و زمان دولت خلفای فاطمی میگردد و از صورتی درست شده که بر دیوارها بوده و در صنعت نقاشی آن تاثیر فن نقاشی ایرانی نمودار و آشکار است و ما در برخی از آن مناظری را می بینیم که پیکرشته از دانه های سفید بر زمینه سیاه قرار گرفته و در بعضی از آن صورت و چهره های کسانی دیده میشود که یکی از آنان جامی بدست راست خود دارد و طرز نقاشی آن همانطور

مراجعه شود به Herzfeld: der Wendschinnuck der Bauten von Samarra und seine Ornamentik و کتاب الفن الاسلامی فی مصر دکتر زکی محمد حسن ج ۱ ص ۲۴ و ما بعد آن

است که ما در بسیاری از نقش و نگار ظروف و اوانی سفالی دوره ساسانی دیدیم و در دیگری رسم و صورت دوبرنده برابر یکدیگر است که روی دو شاخه گیاه سرخ رنگی نشسته اند و در اطراف آن رشته های سیاهی است که آنها را آنکه های سفیدی فرا گرفته و در دو عین نقش سر جوانی است که بطرف چپ نگاه میکند در شکل سوم صورت بانویی است که ایستاده سر خود را بطرف راست آویخته دارا انارالمریبه مصر این اکتشاف خود را برای نخستین بار در نمایشگاه صنایع ایرانی در سرای تجران پاشا در ده ماه ژانویه و فوریه ۱۹۳۵ نمایش داده . (۱)

اما درباره آرایش و تزیین کتابها بصورت کوچک این تنها میدانی است که ایرانیان کوی سبقت را در آن ربوده اند - ما میدانیم که صنعت کاغذ سازی را مردم مصر قدیم در نیمه قرن دوم (۸ میلادی) از چینیا فرا گرفته اند و بعد از آن مابلی نکشید که این عمل از دردنیای اسلامی در اواخر قرن سیم هجری (۹ م) شیوع یافته و در تمام قلمرو کشور اسلامی معمول گردید .

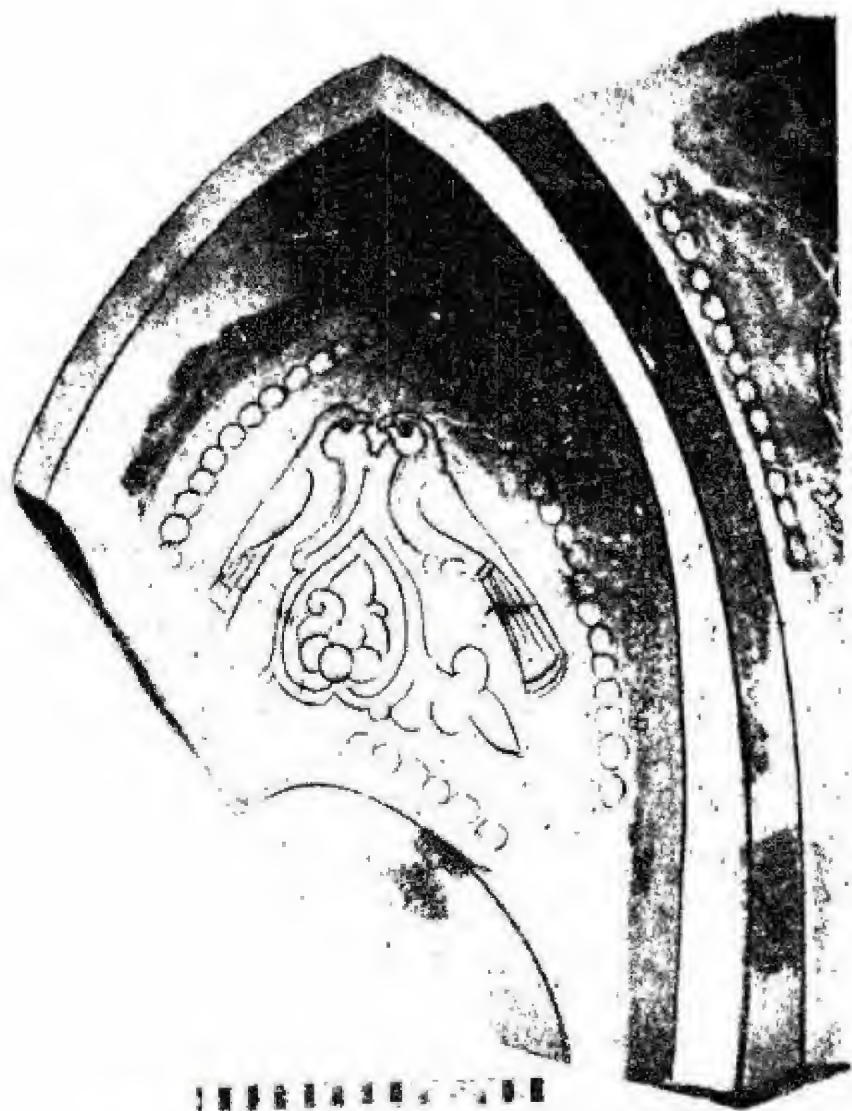
شاید قدیمی ترین صور کوچک یا نقاشی خرده کاری عینیات و تزیینات اسلامی که به ما رسیده آن باشد که در (فیوم) و (اشمونی) بآن اطلاع یافته اند و اکنون صور مزبور در بین بایستخات اطیش باینگان شده و موجود است و جزء آنکهسیون (مجموعه) آرشیدوک رنرمیباشد ، تاریخ نسخه های خطی که دارای این تصاویر است مربوط به قرن سوم و چهارم هجری است و در صنعت تصاویر مذکور تأثیر این رسم (بیزانطی) و قبطی و حبشی و ساسانی مشاهده میشود . (۲)

شان غالب این است که صنعت اینگونه نقاشی و ساختن صورتهای کوچک جهت آرایش کتب و نامه های خطی در ایران و عراق در قرن سوم بعد از میلاد بروز و ظاهر رسیده و گمان ما بر این است که مسلمانان برای انجام این صنعت در آغاز کار اسنادان غیر مسلمان را استخدام نموده باشند تا اینکه دوره این عمل بزمان تشیع و اقتضای پیروی و تقلید منتهی گردیده .

۱- مراجعه شود به G. Wiet : Exposition d'Art Persan ص ۷۵ و ۷۶ و تابلوی شکل ۶ و ۷ در آخر این کتاب  
 ۲- مراجعه شود به Arnold & Grohmann : The Islamic Book ص ۲ و ۳ و  
 و مایه آن و Mohamed Hassan : Les Tuluendes Zaky ص ۳۱۲ - ۳۱۹



شکل اول تصویر دوزخ و بار حمام قاهره در آثار عربی



مسلمانان توانسته اند که در عمل خود مهارت نمایند و صوری را که ایشان برای خود سرمشق و نمونه گرفته و از آن تقلید نموده‌اند، نقاشی‌های مانوی و مینیاتورهای مسیحیان یعاقبه بوده و بسا هست که مسلمین از نقاشی نساطره (نسطوریها) نیز تقلید نموده و از هنر ایشان اخذ و اقتباس کرده‌اند. (۱)

با این وصف آنچه را که ما از مصادر تاریخی نسبت بوجود نسخه‌های خطی شناخته و بدان آگاهی یافته‌ایم فقط در میان آنان نقاشی‌های ریزه کاری و مینیاتور مربوط بدو قرن نه و ده میلادی است و بعد از آن قدیمی‌ترین چیزی که از ایران و عربستان و شام بنظر ما رسیده راجع بدو قرن دوازدهم و سیزدهم بوده و مجموعه ایست که مورخین فن اسلامی نام مدرسه عراق یا هنرستان بغداد را بآن داده‌اند.

۱ - مراجعه شود به Kubnel : Miniaturmalerei im islamischen Orient

ص ۱۶ و ما بعد آن و Arnold : Painting in Islam ص ۵۹ و ما بعد آن



# فصل دوم

## هنرستان بغداد یا مدرسه عراق

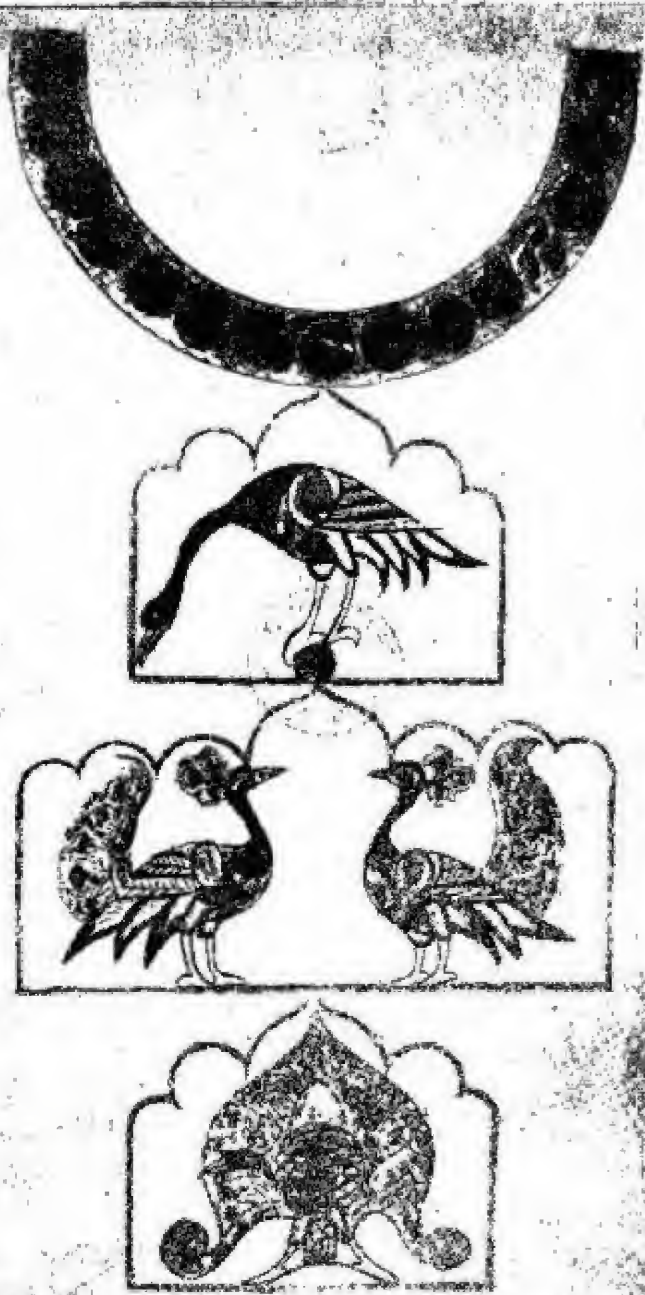
قرن هفتم هجری (۱۴ م)

مسلمانان از ایران و روم در زدن سکه ایکه بر آن نقش و صور ترسیم شده بود تقلید نمودند چگونگی این موضوع در کتاب الخطط مقریزی در قسمت سکه و نقود اسلامی مفصلاً مسطور است و هم در تعیین موضوع کتب ادبی و تاریخی و غیره از آنان پیروی کرده نقش و نگار بارچه ها و منسوجات و آرایشگری و تزئین ظروف شیشه و غیره از انانیه و لوازم خانه را هم بتقلید ایشان ترتیب میدادند - گرمایه ها و حمام مهمترین خانه و ابنیه بود که مسلمانان در نقش و نگار دیوارهای آن توجهی زیاد مینمودند و طولی نکشید که فن نقاشی در اسلام از تصاویر اسباب خانه و نقش و نگار ابنیه و عمارات بنامه ها و کتب منتقل گردیده و کتابهای خطی را بکشیدن چهره ها و صور آرایش دادند و بدین روش تنوع فنی و هنر گوناگون و آموزشگاه و هنرستانها که ما ضمن این فصل بزودی در باره آن سخن میگوئیم بوجود آمد.

در اینجا شایسته و سزاوار است پیش از همه یادآوری کنیم که در نقاشی و صورت کشی ایرانی موضوعاتی زیاد مکرر گردیده و اساتید هنر بک طرح را مکرر ریخته و بک صورت را چندین جا کشیده اند علنش آن است اساتید و صورت نگران که جهت آرایش و زینت دیوارین شعرا و کتب افسانه و حکایات و تصاویر بعضی کتب ادبی و تاریخی کار مینمودند خلف هر یک از آنان این موضوعات را بروش و اسلوب سلف در طرح دیزی و وضع نگارش تصویر اختیار و تقلید نموده و بکار برده اند.

قدیمی ترین کتب خطی اسلامی که تصاویری زیاد را داراست کتابهایی است که ترجمه شده و در طب و علوم و فنون میکانیکی تالیف گردیده و مشهورتر از همه آنها

شکل ۳- سادیت طلاوسمی، هنرمندان عراقی قرن ۷ هجری از کتاب المیقاتیکه جوری  
موزه کوور



کتاب «الحیل الجامع بین العلم والعمل» جزری، پس از آن کتاب عجایب المخلوقات قزوینی است و بعضی از کتب ادبی دیده شده که در آنها رعایت بی اندازه و توجه زیادی در این خصوص بکار گرفته مخصوصاً در هر یک از دو کتاب «کلیله و دمنه» و «مقامات حریری» صورتهائی برای روشن شدن گزارش متن و شرح کشیده شده و نقاشی نموده اند. انجام این عمل بدست استادان مسیحی شرقی و مردان کلیسا یا بعضی از مسلمین بود که به اسلوب فنی ایشان زیاده متاثر بودند و این بعد از آن شد که مسلمین فنون و هنر خود را از ملل و مردمی گرفتند که کشور آنها بدست ایشان فتح شده بود.

اما ایرانیان بیشتر توجه ایشان به تصویر کتب تاریخی و شرح حال یا تراجمی بوده که در آنها نام شاهان و تصاویر ایشان برای همیشگی و دوام یادگار بماند پس از آن دواوین شعرا و حکایات ایشان است که بوستان سعدی و گلستان او مخصوصاً از آن جمله است. سپس دیوان حافظ و منظومات خمسه نظامی خواهد بود لیکن کتاب شاهنامه فردوسی در اینجا در بالاترین پایه قرار گرفته و اول مقام را احراز نموده زیرا که آن کتب در هر دوره از نقاشی و شاهکار اساتید ایرانی آرایش و زینت گردیده. ما در آخر فصل پیش اشاره نمودیم که اول هنرستان نقاشی و صورت کشی در اسلام مدرسه بغداد یا هنرستان عراق بوده و اساتید فنی صورتهائی کوچک را در نسخه های خطی کتب اسلامی که دوره آن پیوسته بروز گاو خلافت خاندان بنی عباس است باین هنرستان نسبت میدهند.

هنرستان مزبور با وجود داشتن این نام هنرستان عربی خالص نبوده چنانکه ایرانی خالص بودن آن هم بعید خواهد بود اگر چه کشور ایران یگانه سرزمینی بود که این هنر و فن در آن بروز و ظهور نموده پس پیشرفت و ارتقا یافته و راه را برای هنرستانهای دیگر باز کرده و نقاشی در آنجا باوج عظمت و کمال رسیده باوجود این نمیتوان آنرا ایرانی خالص شمرد. بجای تردید نیست که بیشتر کار کارکنان و هنرآموزان برای تأسیس بنیاد هنرستان بغداد از اهل معابد و پرستش گاههای شرقی از طوائف مختلفه بوده

و این هنرها از آنها اخذ نموده اند چنانکه مابین ایشان هنروران و قبرمندان نهضت علمی جهت نقل و ترجمه کتب قدیمه بزبان عربی پیدا شده و نیز درین آلمان بهترین هنرپیشه‌گان درجه اول وجود داشته که هر يك بهر با عمل معماری و هنرموزائیک و خاتم کاری و کاشی سازی و غیره را یاد داده اند.

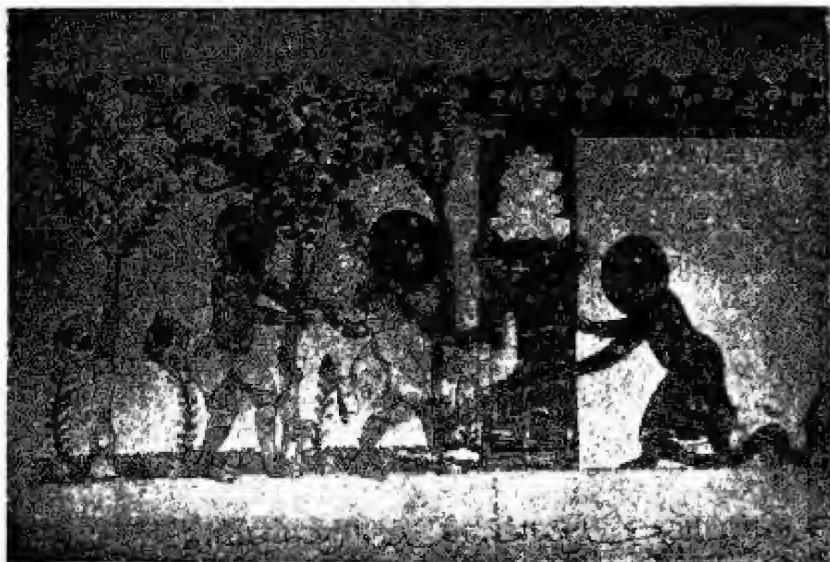
با این ترتیب طولی نکشید که مسلمین از این پیشه و هنر بهره و نصیبی که ذکر آن بعد از این خواهد شد بهره ور گردیدند و اول کسی که این کار را نموده ایرانیان بودند که بیشتر استادان هنر در میان ایشان پیدا شده و همین کشور ایران بود که بعد از تهاجم مغول توانست مواهب و عطایای خدادادی فرزندان خود را نشر و نما داده و این هنرها بعد کمال برساند و نیز از هنر مردم شرق اقصی و آسیای مرکزی عتبار شده تا اینکه از فونی که ما آنرا نتیجه هنروری دو قرن نهم و دهم هجری (۵ و ۶ میلادی) میشناسیم بهره مند گردد.

چون موضوعات فنی و طرح نقاشی در هنرستان بغداد همواره بدون تغییرانی اساسی تکرار می یافت لذا آنچه که بدست ما رسیده و از جمله نقاشی قرون اولیه اسلامی شمرده میشود با ملاحظه قدیمی که در آن مبرود و شامل نسخ خطی قدیمه خواهد شد با وجود این مبرود با مقابل نیمه قرن ششم هجری نگردیده و راجع به بعد از آن خواهد بود.

از جمله چیزی که رعایت آن لازم است این است که نقاشی های کتب خطی هنرستان بغداد همیشه جزئی از متن کتاب بوده و از این عمل شروع و بیان موضوع متن کتاب را منظور مینمودند از این جهت میدان جلوه و نمایش این مواهب فنی در این هنرستان عربی بزرگتر و پهناتر از عرصه و فضای میدان فارسی آن است.

اشخاصی که در این تصاویر بچهره و سیمای نژاد سامی اشکان داده میشوند کشیده بینی بوده و صورت ایشان از ریشی سیاه پوشیده شده و در چهره و رخسار آنها عزامت و آثار نشاط و هوش و دقت تعبیر موجود بوده و در صورت مذکور ظرافت و زیبایی و نازک کاریایی که ما در هنر ایرانی میشناسیم مشاهده میشود.





شکل ۵- از ترجمه کتاب چالینوس کتابخانه ملی وین (قرن ۷ میلادی) مرد مار گرفته که استغاثه میکند



شکل ۶ جوانی که مار را دراز گرفته و بر شکم برای مناجات اومیاید





شکل ۶ و ۷ - جنگ ارتقاءات حریری - هنرستان عراق - سال ۱۳۱۹ هجری شمسی - شیر کتابخانه ملی - پاریس - ملان

شاید از زیباترین تصاویری که در هنرستان بغداد صورت گرفته و کشیده اند تصاویری باشد که ما آنها را در نسخه مقامات حریری هینیم و بیشتر این صور دلالت بر توانایی و قدرت اساتید آنها داشته، مهارت و زبردستی ایشان را در کشیدن تصاویر جمعی و حرکات مختلفه آنان بخوبی میرساند و معلوم میدارد که آنها دقتی بی اندازه در کشیدن صور حیوانات و غیره داشته و اوقاتی زیاد برای انجام آن مصروف نموده اند. (۱) گذشته از این گاهی شباهت مابین بعضی از تصاویر این هنرستان و بین صوریکه بدست مسیحیان کنیسه و پرستش گاههای شرقی کشیده شده بدرجه میرسد که ما بعد نیشماریم، این نقوش و صور اسلامی جزء کار خود مسیحیان باشد مخصوصاً نسبت به پنج قرن که از آغاز ظهور اسلام تا تاریخ پیدایش این هنرستانیکه ما در صدر وصف آنیم میگذرد چنین شباهت بدیدار است چنانکه تاجهای نور و دواتری که اطراف سر اشخاص را احاطه نموده و از کشیدگی بینی بخطی واضح از رنگ و روش معمولی ساده که زینت اشجار و پوشش زربفت اشخاص و آرایش گلهای و شکوفه در آن انجام گرفته و شاخه های درختان و ملائکه و فرشتگانی که دارای بالهای گشوده میباشدند ما تمام این دقیق و نکات را با وجهی مشترک بین تصاویر مسیحیان معابد شرقی و بین صوری مشاهده مینماییم که هنر پیشه گان هنرستان بغداد آنها را طراحی نموده و کشیده اند (۲) و شاید که این شباهت و ارتباط مربوط بتأثیر دوفن رومی و اسلامی بقرن دوره ساسانی شود چنانکه ظهور آن بخوبی در صنعت نسجی و پارچه بافی های آن زمان مشاهده میشود.

مشهورتر از تمامی نقاشان و کارکنان این هنرستان «عبدالله بن فضل» بوده که در ۶۱۹ هـ (۱۲۲۲ م) کتاب مینوشته و آثار نقاشی مینموده و نسخه خطی از کتاب خواص عقاقیر (گیاهها) از اثر اوست که از آن صوری چند در کلکسین (مجموعه) دکتر سار (Sarre) در برلین و دکتر هارتن (Martin) در استوگهلم وجود دارد (۳)

تیرفن بیزنطی (رومی) در صور اشخاص این تصاویر بلیاسهای گشاد و آرایش

۱ - مراجعه بظاوی ۵ شکل ۶ و ۷

۲ - مراجعه بظاوی ۵ و ۷ Arnold: Painting in Islam من دو صفحه ۶۹ و ۷۰

۳ - مراجعه شود به Nigean: Manuel d' Art Musulman ص ۱۲۶

گلدوبوته نباتی آن پدیدار است که این صور بفرع نباتی و شاخه ها پوشیده شده و اوراق کهنه و غبار آلود این کتب خطی هم اکنون در موزه های دنیا و کلکسیونهای فنی اروپا و آمریکا موجود است چنانکه از آنها یکی در موزه متروپولیتان نیویورک وجود دارد و در آن صورت طبیعی را کشیده که دوا برای رفع سرفه بیماری تهیه نموده و در تصاویر مزبور رنگهای ششگانه سبز-کبود-سرخ-زرد و غیره بکار گرفته و تالو و جین لباس در آن مرتب و دور از طبیعت است بطوریکه این کیفیت در حدود خود نوعی از موضوع آرایش و زینت گردیده (۱) و از این نسخه خطی صورت دیگری است که در موزه (لوور) موجود است و در آن نیز طبیعی را نشان میدهد که تهیه دوا مینماید. یحیی بن محمود بن یحیی بن حسن واسطی در سال ۳۳۴ هجری (۱۱۲۷ م) نسخه ای از مقامات حریری را نگاشته که در آن زیاده از صد تصویر کشیده شده (۲) و در آن نوادری زید سرورجی و حیل بدیع او را نشان داده و مثل میزند و این نسخه هم اکنون در کتابخانه ملی پاریس است که آنرا شیفر (Schefer) مشرق بکتابخانه مزبور تقدیم و اهدا نموده و تمام این صور اسناد و مدارک قسمتی از زندگانی و نظام اجتماعی این دوره و عصر است (۳)

مابین آنان در صورت کشیده شده که موکب عروس را در هودج و محملی بشتر بسته و سوارها آنها را متابعت و پیروی مینمایند و آنان برچمهایی بدست گرفته و طبل زده و آلات موسیقی و ساز مینوازند (۴) و نیز مابین بسیاری از این صور و تصاویری که موزه ملی مصر در دیوار یکی از گرابه های دوره خلفای فاطمی کشف نموده شباهت و قرابتی زیاد است و این شباهت و بهم نزدیکی آنان غرابتی نخواهد داشت زیرا که سقوط و انقراض سلطنت فاطمین در ۵۶۷ هـ (۱۱۷۱ م) اعلام انتقال بسیاری از اسانید هنر و فن مصر را بیالاد جزیره (عربستان) نموده و آن وقتی بود که بغداد مرکز بزرگی برای

۱-مراجعه شود به Dimond: A Handbook of Mohammedan Decorative Arts ص ۱۹

۲- مراجعه شود به Stebnukine: Les Miniatures Persanes ص ۱۰

۳- مراجعه شود به بلوهای ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ از Blinchet: Les enluminures des

manuscripts ۴- مراجعه شود به الواح شکل ۶-۷





سکندر - ویرانی یونان - چهره‌های ایرانی عراق سال ۷۳۰ هجری اول - نگارخانه  
۵۰۰ ساله چهره‌های نگارخانه ملی وین

هنر و کتابت گردیده بود و در آنجا نسخه‌های دیگری از مقامات حریری است که تاریخ آن از سال ۷۲۳ هجری (۱۳۱۳ م) است و آنرا برای عامل خراج دمشق نوشته‌اند و بعضی از صور اشخاص در این نسخه ناتمام و رنگ آمیزی آنان هم بنمائی انجام نگرفته و از جمله تصاویری است که برای ماطریقہ ابرا نشان میدهد که اساتید فنی در طرح ریزی و تحدید و اندازه گیری صور آن قبل از عمل رنگ کاری پیروی مینمودند.

در کتابخانه وین نسخه خطی دیگری از مقامات حریری وجود دارد که جدیدتر از نسخه قبلی است و بر آن اعضای (ابوالفضل بن اسحق) دیده میشود تاریخ انجام نگارش آن سال ۷۲۳ هـ (۱۳۱۴ م) میباشد و صنعتی در آن شروع شده که سادگی اولیه را از آن برکنار نموده و آندو طریقہ تعقید را سیر نموده و میباید و از بدیعترین صور این کتاب خطی دو صورت است: اول آن صورتی است که تصویر امیری را بروی تخت کشیده و در دست او جامی برسم شاهان ساسانی دیده میشود و در اطراف او رجال حواری و اطرافیان گرد آمده و در فرشته او را با بالهای طلایی پاسبانی میکنند و در جلو تخت امیر دسته‌ای از سازنده‌ها و پهلوانان اند که امیر را بشوق و طرب و نشاط و شغف می‌آورند، صورت دوم شخصی را نشان میدهد که بدیدن دوست خود آمده و کسالت مزاج او را بیستر انداخته و لباس و پوشش دیدار کنندگان و اهل خانه و تخت خواب مریض و فرعون نباتی و شاخه‌ها و گل و بوته و خطوط هندسی آرایش (۱) یافته و در این نسخه مخطوط نمونه‌ای از هنر و فنون نقاشی آسیای مرکزی تأثیر نموده دانشمندان هنرشناس چنین می‌اندیشند برخی از این تصاویر که نسبت آنرا به نرستان بغداد میدهند در افغانستان کشیده شده و در تحت توجه و عنایت دولت غزنوی بوده که فردوسی شاهنامه خود را برای آن دولت بنظم در آورده و این تصاویر در آنجا نقاشی شده و در غرفه‌ای که صور و نقوش آنرا زینت مینمود بعمل آمده ولیکن حقیقت امر آنستکه در این مورد دلیلی مثبت دیده نمیشود که آنزمان در افغانستان یا بخارا یا خیوه وری صورتیکه باطرز زوروش فنی که به نرستان بغداد نسبت میدهند ساخته شده باشد زیرا که اثر فن ابرائی در آن موقع در قسمت شرقی دولت شاهنشاهی ایران رواج بوده و هم در وسط و مرکز این کشور این فن را معمول می‌داشتند علاوه بر این ظروف سفالی که به مدرسه ری نسبت میدهند



دارای نقوشی است که در طرز ساختن و وضع رنگ آمیزی شباهتی زیاده را دارا میباشد بطوریکه در این فصل بیان شد صوری در مجموعه (آلبوم) کتابخانه اسلامبول موجود است که آنرا استاد ساکسیان در کتاب خود از نقاشی ایرانی نشر داده و تاریخ آنرا به نیمه دوم از قرن ششم هجری (نصف ۲ از قرن ۴) مراجعه داده و مدعی است که نقاشی ناهبرده از جمله صنایع فنی این هنرستان است که در مشرق ایران ظهور یافته (۱) ولیکن این ادعا با عقیده و رأی بسیاری از مورخین فنی اسلامی مخالف است و در حقیقت ممکن نیست که این تصاویر را بدوره قبل از عصر مغول مراجعه داد (۲)

اثر فنی هنرستان بغداد در قبه اجزاء کشور پهنور امپراطوری اسلامی مانند سوریه و مصر هم امتداد یافته و در آنجا اوراقی از نسخه کتاب *الحیل المیکانیکیه* جزئی است که آنرا در سال ۷۵۵هـ (۱۳۵۴م) محمد بن محمد بن احمد بن ناصر الدین محمد نوشته که در خدمت *ملك صالح صلاح الدین از عمالیک* ممتاز شایسته و مشهور مصر بوده و تمامی آن مابین مرزها و کلکسیون آناری اروپا و امریکا توزیع شده و در موزه لوور پاریس هم یکی از آنان موجود است که ساعت آبی را نشان میدهد و صورت ساعت را بشکل نیم دایره کشیده و آنرا روی دستگاهی جا داده که در آن جامها و لباس ها دیده میشود (۳)

خلاصه آنکه تمام مشخصات هنرستان بغداد در تصویر اشیاء روی اسلوبی قرار گرفته که ساده و بدون تحمیل یا تکلیف است و بیشتر چیزی که تا برفتن مسیحی شرق را در صنعت و کار آنان نشان میدهد در ریشه تصویر انتخاب شده است که آنرا درباره صورت کشی کشیشها و روحانیین و فلاسفه یونان استعمال مینمودند و هم در آنچه که راجع به شمال اشخاص و چین و تائی لباس ملی آنها است این اسلوب بکار گرفته لیکن تاثیر ایرانی در طرز آرایشی آن آشکار بوده و در مورد نسبت بین اجزاء مختلفه بدن در تصویر اشخاص هم معلوم است.

۱ - مراجعه شود به A. Sakisian : La Miniature Persane ص ۴ و ما بعد آن و تابلوی ۶ شکل ۱۳

۲ - مراجعه شود به B. Gray : Persian : Painting ص ۳۶

۳ - مراجعه به تابلوی ۴ و شکل ۳ و مطابق با Stchoukine: Les Miniatures Persanes ص ۳۰ تا ۳۴

# فصل سوم

## هنرستان ایرانی و قاتار (مغول)

در فصل گذشته ما از هنرستان بغداد سخن رانده و گفتیم که آن هنرستانی عربی و ایرانی بوده که از نقاشی مسیحیان شرق و فن دوره ساسانی متاثر شده بود هم اکنون در اینجا از هنرستان ایرانی و تاتار شرح میدهم که هنرستان مزبور بهترین هنرستانهای سه گانه بوده و این سه دوره برجسته در تاریخ ایران از قرن هفتم تا ۱۲ (۱۳-۱۸ م) امتیاز یافته و آن دوره مغول و عصر تیمور و جانشینان او و زمان خاندان صفویه است. ما میدانیم که در اوایل قرن ۱۳ میلادی مغول بایران و بلاد جزیره تاخت و تاز آورده و جنگهای طولانی زیاده نموده و فتوحات دور و دراز و بسیار خود را باستانیای بغداد منتهی گردانید ۶۵۶ هجری (۱۲۵۸ م)

مغولها آسایشگاه خانواده خود را زهستان در بغداد و تابستان در تبریز قرار داده و در عراق عجم شهری بنام «سلطانیه» در حدود آب بخش کن بین دوشهر زنجان و اهر بنیانادند و این سه شهر عمده مراکز فن و کانون هنر نقاشی در دوره مغول بوده. از مشخصات مهمه انواع فنون در این زمان اثر واضحی از تعلیمات خاور دور و تقلیداتی است که از نوع تار و هنر مردم آن حدود شده و این نکته پوشیده نیست که از آغاز قرن اول هجری (۷ میلادی) روابط تجارتمی بین کشور بهمنادر چین و امپراطوری اسلامی وجود یافته و از فنون ظریفه و صنایع بدیعه چینی در کشور وسیع اسلامی پیروی و تقلید زیادی بعمل آمده بطوریکه آنها به مهابرت چینیها و برتری ایشان در پیشه و هنر مثلها میزدند.

در اینجا تعجبی نیست که بگوئیم جنگ مغولها بر روی تشکیل حکومت امپراطوری باعث ازدیاد عناصر و اجزاء هنر چینی در نقاشی فارسی و ایرانی شده و روابط محکم

هم از قدیمترین اوقات بین کشور پهنایور پسر آسمان (چین) و مابین مین مغول در ترکستان وجود داشته و موقعیکه این مردم کشور ایران را در قرن هفتم هجری (۱۳ میلادی) گرفتند هموطنان ایشانهم زمام امور و مقالید حکومت چین را بدست آورده ایران هم جزئی از دولت با عظمت امپراطوری مغول گردید و قلمرو دولت مغول ها تا آخرین نقطه آسیا امتداد یافت.

با وجود این عوامل روابط سیاسی مغول چندان قوی نبوده و طولی نکشید که دولت ایشان رو بزوالت نهاد و موجبات انقراض آن فراهم گردید. طولی اثر تجارت و دادوستد و روابط ادبی ایشان بیشتر در ارم یافته مغولها در کشور جدید خود مترجمین و کارگران و اهل هنر و صنعت و اساتید فنی و حرفت از مردم چین آورده و اثر هنر و پیشه خاور دور در این کشور مباشرت یافته و رواج پیدا نمود.

اثر فنی چین در باره نقاشی و صورتگری ایرانی نه تنها منحصر بچیزهایی است که ایرانیان از صنایع و فنون چینی بقرض و عاریت گرفته اند بلکه علاوه بر این باعث شناسایی آنها بچیزهایی شده که بعدها بواسطه آن توانستند در این هنر ترقی و پیشرفت نمایند در واقع مینیاتورهای ایرانی (صورتکشی های ریز و کوچک یا ظریف کاری) بعد از سقوط بغداد ۶۵۶ هجری (۱۲۵۸ م) مابین ایرانیان ریشه دو انیده چنانکه پیش از این تاریخ هم این عمل بین آنها وجود داشته علاوه بر این صورتیکه بهرستان ایرانی و تاتار نسبت داده شده چندان زیاد نیست زیرا که زمان مغول (۶۵۶-۷۳۵) (۱۲۵۸-۱۳۳۵) تمامی بر ازبک سلسله حوادث جنگ و جهانبگیری بوده ؛ نهایت آنکه در اوایل قرن هشتم هجری (۱۴ م) کتب خطی تاریخی را با تصاویر و نقشه میدان جنگ و مجالس بزم و شراب و مناظر صید و شکار آرایش مینمودند.

از جمله چیزهایی که نباید فراموش نمود آنست که فتوحات مغول بهرستان بغداد خاتمه نداده و این هنرستان بعد از آنهم باقی بود باین دلیل که ما از صنایع فنی این هنرستان که آمیخته و ممزوج با بعضی از تقلید های چینی و نقاشی ایرانی است در آن زمان از آنها کسب و تقلید نموده و این دو صنعت بهلوی و بیهلوی یکدیگر ظاهر و آشکار

میشود، گاهی تنها در يك نسخه خطی تصاویری وجود دارد که طرز صنعت آن قسمتی بغدادی و قسمتی دیگر ایرانی تباری است.

در کتابخانه (مرکان) نیوپورک نسخه خطی از کتاب (منافع الحيوان) ابن پختیشوع وجود دارد که به فارسی ترجمه شده و دارای ۹۴ صورت است و این نسخه باهر و دستور امیر مغول (غازان خان) (۶۹۵-۷۰۴-۱۲۹۵-۱۳۰۴) صورت عمل بخود گرفته و بین سالهای (۶۹۵-۷۰۰-۱۲۹۵-۱۳۰۰م) انجام یافته بعضی از تصاویر آن با نمونه های چینی نقل شده و یا برقم هنروران و اساتید چینی است و بیشتر چیزی که این صنعت را نشان داده و آشکار میکند تصویر حیوانات و شکوفه ها و نباتات آن است. (۱)

مسلمانان از خاور دور تقلید طبیعت و طرز دقت را فرا گرفته و در ترسیم اشیاء بطوری که با اصل طبیعت موافقت داشته عمل میکردند و صور نباتاتی را که آنها ترسیم مینمودند و بن چینی تأثیر یافته یکنوع تقلیدی شده که تمیز و تشخیص آن خیلی مشکل است بلکه مابین این صور و بین طبیعت نزدیکی زیادی بوجود آمده و درختان را بطوری جلوه داده اند که گویا با یاد مداعبه و شوخی مینمایند (۲). علاوه بر این صنعت نقاشی در دوره مغول بطور کلی بهمان عنایت و توجهی که در دربار خلفای بنی عباس پیدا نموده بود برخورد کرده و با آنچه که بعدها هم در دوره تیموریان و دربار صفویه بآن تلافی یافته در این عصر نیز بآنها برخورد نمود و مقصود ما در اینجا روگردانیدن از این صنعت با همبمل گذاردن آن نیست بلکه در صنعت مذکور آثار عجله و شتابزدگی یا سرهم بندی را می بینیم که این صنعت در بیشتر از تصاویر ایرانی تباری وجود دارد و شلش این بوده جنگبایی زیادی که این دوره بآنها اعتبار پیدا نموده برای اعرا و زرگان وقت و رجال دوات مهجال نمیکذاشت

۱ - مراجعه شود به Demand: A Hand Book ص ۲۰ و ۲۱

۲ - مراجعه به سراج هدیه که در آنها اشاره های زیادی بناتیر خاور دور در قرون اسلامی شده و استاد گاستون ویت G. wiet در ترجمه آنکه از کتاب البیدان یعقوبی نموده اشاره به تصویر چینی کرده که استاد پللیوت P. Pelliot نشر داده و نیز چیزی را که دولت دارد برایشکه مولای چینی که پیش از سال ۷۶۴ میلادی زندگی می نموده گوید که صنعت های تجاری و نقاشی و صورت کشی و اشیاء طلا و نقره کاری را صنعت گران چینی بیسماتال در شهر کوفه پانده اند، و مطابق با P. Pelliot: Artisans chinois. T'oung Pao, XXVI, p. 110-111.

که اندیشه خود را مصروف کارهای دقیق و ریزه کاریها بنمایند و یا خیال خود را بجزئیات هر کاری متوجه کنند که وقت زیادی بگیرد و کاری بدقت انجام پذیرد.

بنا بر این از تصاویر هنرستان ایرانی آثار چیزی که مورخین فنی اسلامی را بیشتر متوجه نموده و بشکفت میآورد همان طرز اسلوب و روش و استحکام قلم و غرابت اشکال آن است و اعجاب اینها بیشتر در دقت صنعت یا توجیهی است که در باره کشیدن تصاویر بکار رفته.

وزیر کبیر و مورخ مشهور «رشیدالدین» (۶۴۵-۷۱۸-۱۲۴۷-۱۳۱۸) در تبریز بنگاه دانشی و هنری ساخته و ترتیب داد که آنرا بنام خود تأمید و در آنجا بسیاری از خوشنویسها و نقاشان و اساتید پیشه و هنر را برای تدوین مؤلفات تاریخی و طبیعی خود و نقاشی تصویر آن مؤلفات استخدام نمود.

مهمترین چیزی که از تصاویر بما رسیده و جزع نقاشی منسوب به هنرستان ایرانی و آثار است. صورتهای نسخه خطی کتاب «جامع التواریخ» و «رشیدالدین» است (۱) که تاریخ آن مربوط به سال ۷۱۴ هجری (۱۳۱۴) میشود و جزئی از آن اکنون در کتابخانه انجمن آسیایی دولتی لندن بایگانی شده و جزء دیگرش در کتابخانه دانشگاه «ادنبرا» میباشد و تصاویر این نسخه مانند صوری است که ما در سایر نسخه های خطی جامع التواریخ رشیدالدین می بینیم که تمایها و صور حوادث و اتفاقات اجیل و زندگانی بونا و سیرت نبوی (ص) و تاریخ چین و امپراطوری اسلامی را نشان میدهد و ظاهراً چیزی که اسباب تمیز و تشخیص این صور است اثر روشن چینی آن است که در ترسیم مناظر طبیعی دیده میشود و شکل و قیافه مغولی است که در رسم بیشتر اشخاص نمودار است و این نسخه اهمیتی زیاد دارد زیرا که ما در بسیاری از تصاویر آن عوامل اجنبی و نمونه های صنعتی بیگانگان را مشاهده میکنیم که فن ایرانی آنرا از خاور دور گرفته و از آنهایی است که بعدها هم آنرا هضم ننموده (۲) و اثر آن

۱- مراجعه شود به Introduction à l'Histoire des Mongols des Fadl Allah

Rashid T. Arnold: Painting in Islam و Ed-Din par E. Blochet  
Dinyon, Wilkinson & Gray: Persian Miniature Painting

ص ۳۶ و ۴۴ و ۴۶ و تابلوهای از ۶۸ تا ۷۳



مابین افارفتی و هنر ایرانی نمودار است (۱)

یکی از صور این نسخه خطی تصویر مبارک حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام و صورت حضرت حمزه عموی پیغمبر ص است که سواره برای جهاد با مشرکین و کفار میروند و بیشتر پیشتروی و تقلید از فر هنرستان بغداد در این صور غالبه یافته چنانکه قیافه و سیمای اشخاص آن عربی و اسپهای ایشان لاغر کشیده شده و با اسبهای مغول و سواران آن تفاوتی زیاد دارد. (۱)

در واقع صفحات صور مزبوره بمنزله میدانی است که در آن تقلید خاور دور و هنرستان بغداد و فتون و هنر دیگری که در آنها مؤثر گردیده جمع آوری شده . در کتابخانه ملی پاریس نسخه خطی دیگری از جامع التواریخ رشیدی موجود است که بیشتر گمان می رود کتاب مزبور را در تبریز بین سالیان (۷۱۰-۷۱۵) (۱۳۱۰-۱۳۱۵) نوشته و نقلی نموده اند و مابین تصاویر آن صورتی است که تصویر جمعی مغولها را در آن کشیده و در رأس ایشان هلاکو قرار گرفته که بغداد را محاصره میکند و در دیگری صورت مستصم آخرین خلفای عباسی کشیده شده است که از شط دجله عبور مینماید تا اینکه هلاکو را بعد از سقوط بغداد هلاکات نماید (۶۵۶) سومین صورت چنگیز خان است که بین زنان خود و رجال درباری قرار گرفته و جاو او دوبرش هستند که خم شده و مراسم تعظیم و احترامات لازمه را بجا میآورند .

در تمامی تصویر این کتاب خطی اثر نقاشی چینی که حاکی از آثار طبیعت است آشکارا و نمودار است و در رسم حیوانات موهوم و خیالی و افسانه های چینی و چهره و قیافه که ایرانیان از چین بشکل تقلیدی و صنعتی آن نقل نموده اند بدون اینکه خود را در مشاهده قیافه و هیئت و عارض کشیدن صورت و رسم منقظه حقیقی آن بر حمت و مشقت انداخته باشند (۱)

از جمله چیزی که در صنایع کتب خطی بکتاب جامع التواریخ رشیدالدین شبیه است نسخه شاهنامه ایست که زمان آن راجع به نیمه اول قرن هفتم هجری (۱۹ م)

۱- مراجعه به Kunhel Miniatur-Maleret چاپوی ۲۹ از

۲- مراجعه به Nigeon : Manuelt چاپ ۱ ص ۱۳۲ و ملاحظه چاپوی ۸ و شکل ۱۲ و ۱۱

میشود پیش از این نسخه نامبرده در امپودیموت (Mr. Demotte) مالک بوده و پس از آن بر گهای این کتاب از هم پاشیده و پراکنده شده و از آن اوراق هم اکنون در موزه لوور و کلیسیون های آثاری اروپا و آمریکا موجود است تصاویر این شاهنامه بهجندی بزرگ در صفحاتی بلند کشیده شده و شاید قدیمی ترین اثری باشد که از تصویر کشی و نقاشی این کتاب شناخته میشود و از جمله مشخصات آن وجود عوامل فارسی و چینی و مغولی است که در کتاب مذکور هر کدام بهلو بهلولی یکدیگر قرار گرفته.

در موزه لوور بلویس سه قطعه از این صورتها است که اولی تصویر سیاه و نیروی ایرانیان را نشان میدهد که شاه کابل را رانده و شکست داده اند و شاه در رأس قشون شکست خورده خود قرار گرفته و سردار سپاه ایران فرامرز پسر رستم است که خودی از مللا بستهاده و در دست او حربه ایست که آنرا بیلا برده و میخواهد پسر شاه کابل بزند که در جلو بحالت قرار است (۱). در تصویر دوم صورت اسکندر کشیده شده که روی تخت نشسته و در حال درباری اطراف او را گرفته و بدوره سر وی دائرة از نور یا هاله احاطه نموده و این طرز تصویر به پاکدامنی و جلال و تقدیس مقام و مرتبت او دلالت دارد چنانکه تاجهای نور در اطراف سر کشیها و قدیسین و پیشوایان مذهبی در امور صورت کشی و نقاشی مسیحی (۲) هم دلیل این نکته است و اینگونه تاجها در فن نقاشی اسلامی برای ابراز اهمیت اشخاص و عظمت مقام ایشان بوده و فقط برای اظهار این مقصود بکار میرود. (۳)

تصویر سوم نماینده صورت اسکندر است که در جلو درختی ایستاده و پسا یزندگان حرق میزند و در پشت سر وی جلودار اوست که انگام اسب و استر را بدست گرفته (۴)

ما در این تصاویر نمونههایی را هی بینیم که ایرانیان از چین در هر صورت کشی و نقاشی اخذ و اقتباس نموده اند و طرز لباس اشخاص خود های مغولی که در سر دارند بخوبی در آنها مشاهده میشود.

۱ - تابلوی ۷ شکل ۱۰

۲ - تابلوی ۶ شکل ۹

۳ - مراجعه شود به Kuhnelt : Islamische Kienki ns

۴ - مراجعه شود به Stchoukine : Les Miniatures Persanes

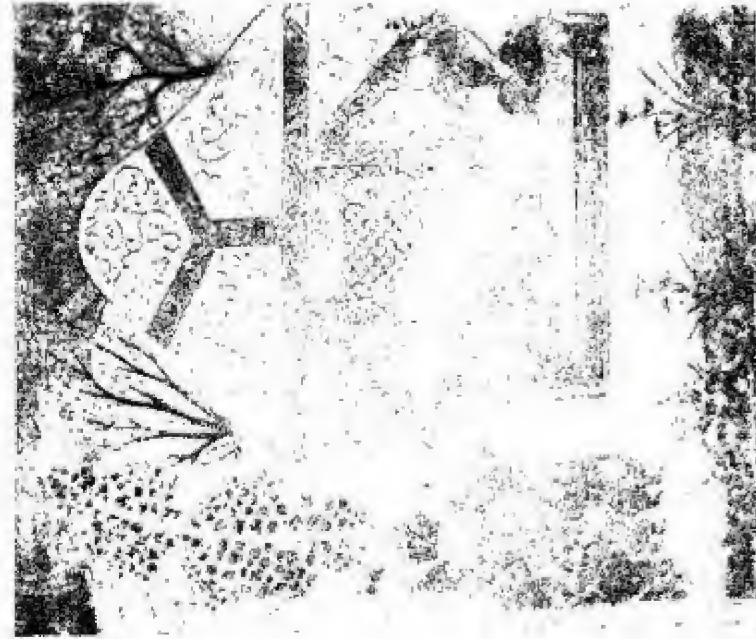


شکل ۹- اسکندر بر تخت، هراتستان ایرانی و تاتار، اوایل قرن هشتم هجری نسخه از شاهنامه اوور





شکل ۱۰ جنگ فرامرز پادشاه کابل - هنرستان ایران و تاتار اوایل قرن ۱۰ هجری شاهنامه لور

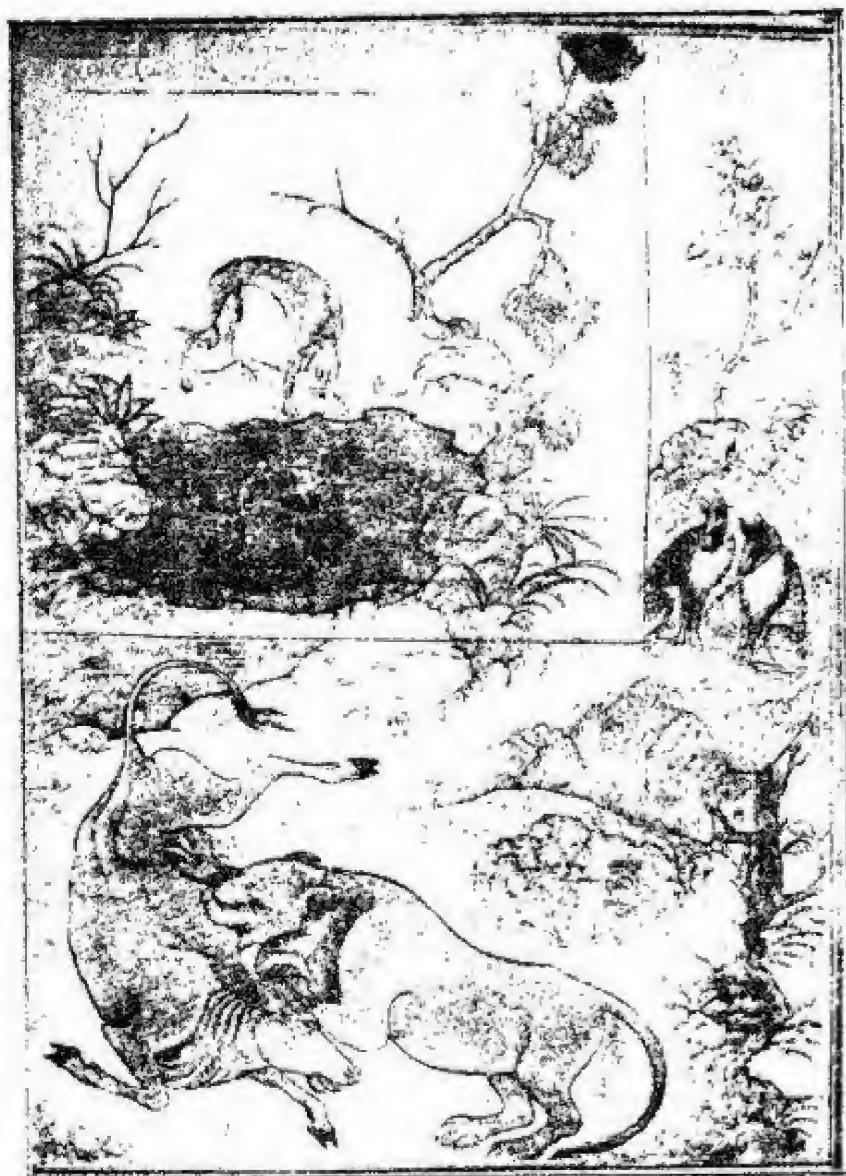


شکل ۱۲ او: شافان یا قبرستان مورد اودان قرن ۸ هجری  
تابلوی تاریخ و شهدا در - کتابخانه ملی - پارس - ساکسیان



شکل ۱۳ غزلان شافان یا اودان قرن ۸ هجری





شکل ۱۳ - از گلیله و دمله. در پناه سنگی است که طعمه خود را از دست داده تا آنرا  
از صورت خود که در آب است بگیرد - در زیر شری است که گاو را می‌دواند  
در کتابخانه پلورستانبول قرن هشتم هجری از استادان

در کتابخانه ملی پاریس نسخه خطی از تاریخ مغول علاء الدین جوینی موجود است که در سال ۶۸۹ (۱۲۹۰) نوشته شده و بر آن فقط يك صفحه تصویر کشیده که مولف نسخه از کتاب خود را به «ارغون خان مغول» تقدیم مینماید (۱) و نیز در آن کتابخانه نسخه های خطی چندی از تاریخ طبری و نسخه از کتاب شاهنامه است که استاد شولتز (Schultz) دارای آن بوده و در تمامی صوری است که صنعت آنان با بسیاری از آنچه که ما در این فصل از آن سخن میرانیم تفاوتی ندارد خلاصه کلام آنکه مغول علی رغم چیز هایی که از خرابی و تدمیر و عادت و کشتار و ویرانی و ادبار داشته و همین آن شده و بآن اوصاف معروف گردیده اند بدین وصف نیز آنها خود را معرفی نموده اند که چگونه از ارباب هنر و صنعتگران قدر دانی کرده و به پیشه و هنر ایشان اهمیت میدادند و غرابتی ندارد که ما در مصادر تاریخی میخواهیم چگونه آنها شهرها را خراب نموده و از میان مردم آن جز اسباید فنی و ارباب پیشه و هنر کسی را باقی نماندند هنر پیشه گانی که فنون اسلامی بوجود ایشان منتشر شده و تأثیری عجیب پیدا نموده مخصوصاً نمونه کارهای ایشان از نقاشی و پیشه ظروف سفالی و کاشی کاری است که هنوز در سلطان آباد (سلطانیه) موجود است جزو «فاخر آن عصر» میباشد.

علاوه بر این مصادر و مراجعات تاریخی بما خبر میدهد اول چیزی که ایرانیان از کار هنر پیشه گان کشور چین شناخته و بدان پی برده اند در دوره سامانیان بوده و آن موقعی است که «امیر نصیر بن احمد» رودکی شاعر مشهور ایرانی را امر فرمود که کتاب کلیده و معنی یا ترجمه فارسی بنظم در آورد سپس نقاشانی را از چین خواست تا کتاب نامبرده را بر رسوم و نقش و نگارهای توضیحی برای آشکار نمودن مطالب متن کتاب آرایش دهند ولی این يك عملی منحصر بفرد بوده و تأثیر فنون نقاشی و آرایش گری خاور دور بطور واضح و آشکار در فنون ایرانی و صورت کشی آن جز در دوره سلطنت مغول جلوه و ظهور ننموده (۲)

۱ - مراجعه شود به Blocher: Les écoles de peinture en Perse در شماره

ژوئیه و اوت ۱۹۰۵ Revue archéologique ص ۱۲۵ - Migeon: Manuel ج ۱ ص ۱۳۸

۲ - مراجعه شود به Arnold: Painting in Islam ص ۶۵ - ۶۶

# فصل چهارم

## عصر تیمور و جانشینان او

دوره تیمور و جانشینانش از برجسته ترین ادوار عصر نقاشی ایران است و آمدن این فاتح ترکستانی و گرفتن او سمرقند را جهت پایتخت خود از سال (۷۷۲- ۱۳۷۰ م) آغاز آرامش نسبی ایران است که بعدها این امر باعث پیشرفت و ترقی کشور شده و دوره پسر و جانشین او «شاهرخ» بآن شناخته میشود و این آرامش و سکون را مدت زمانی بود که کشور ایران بخود ندیده بود.

تیمور باوجود بیرحمی و سنگدلی که داشت معذلت دوستدار هنر و ادب بوده و عشق زیادی بخواندن اشعار حافظ و نظامی داشت، او باجانشینانش از بزرگترین مشوق اساتید فنی و هنرپیشه گان و حکما و ادبا بشمار رفته اند.

دوره های گذشته نیز برای این زمان زمینه را حاضر و مهیا نموده بود در حقیقت آنها یکنوع مقدمه ای بوده که در آن مراحل اقتباس و انتخاب و تأثیر زیادی در هنر و فنون بعمل آمده و برای دوره تیمور و جانشینان او مقدور شد که تا پایه وحدی اعلی طراز و روش ایرانی با دوام و استواری را بوجود آورند و آنچه را که ایران از هنر و صنعت خاور دور کسب نموده بوده بی نیاز شده و اندوخته های پیشین جزء اصلی و اساسی این فن قرار گیرد.

در مصادر تاریخی نگاشته شده که تیمور لنگ خواست در سمرقند پایتخت کشور پهناور خود بقدر امکان از اساتید و صنعتگران زبردست و توانا جمع آوری نموده و از وجود آنها استفاده نماید لذا در آنجا صدها نقاش و صورتگر و هنرپیشه ها از بغداد و تبریز و دیگر جاها از شهرستانهای منصرفی خود گرد آورده و با این وصف بغداد و تبریز کانون هنر و فنون و مرکز اجتماع اساتید فنی و اهل هنر گردید و

صنعت نقاشی و صورت کشی و فنون مربوطه بآن در ایندو جا رواجی تمام نگرفته و پیشرفت زیاد نمود .

اگرچه تاریخ برای ما نام نقاشی معروف و شیر بددادی \* عبدالعلی \* را ضبط نموده که در دربار سمرقند بوده ولی ظن غالب بر آن است که سمرقند در دوره تیمور بموقعیت و مقام بزرگی که هرات در اوایل قرن ۱۵ میلادی در دوره شاهرخ و جانشینان او رسید این شهر بآن مرتبه و مقام نرسیده بود .

ممکن است که اکنون نزد ما کتابهای خطی مصور سمرقند مربوط به دوره تیمور لنگ وجود نداشته باشد ولیکن در کتابخانه ملی پاریس رسالهای خطی وجود دارد که آن را بمدرسه تیمور نسبت میدهند و آن رساله است در علم نجوم که در سمرقند نیمه اول قرن ۱۵ برای کتابخانه \* اولغ بیگ \* پسر شاهرخ و حاکم قسمت ماوراء النهر از سال ۸۱۲-۸۱۴ تا ۸۴۹-۸۵۱ نوشته شده این امیرزاده در سمرقند رصدخانه مشهوری ساخته که در آنجا عده ای از بزرگان که در علم نجوم مشغول بودند جمع آوری نموده و تمرکز داده بود (۱)

در موزه متروبولیتان نیویورک نسخه خطی نجومی دیگری وجود دارد که به پنجاه صورت از تصاویر برنج و ستارگان مزین شده و مرجحانی که در پوشش لباس اشخاص و تفصیل صنعتی دارد آن است که این پنج نسخه نیز در سمرقند زمان الغ بیگ نوشته شده (۲)

علاوه بر این دو نسخه خطی در موزه برطانیای وجود دارد که زمان آن در ارجع به عصر خود تیمور بوده و رشته ارتباط بین مدرسه ایرانی و آثار وین هنرستان تیموریان را بخوبی نشان میدهند: اول این نسخه - دیوان قصائد و اشعار خواجوی کرمانی است که در آن علاقه و عشق ورزی ایرانی را بهمايون دختر امیراطور چین شرح داده و صورت آن را کشیده (۳)

۱ - مراجعه شود به Blochet : Musulman Painting ج ۱ ص ۱۵۶ و Migeon Manuel از تابلوی ۸۸ تا ۹۳

۲ - مراجعه به Dimand : A HandBook ص ۲۷ مربوط به Sakisian : Le Miniature Persan ص ۳۲ Migeon :



این نسخه را استاد خوشنویس مشهور ایرانی «میر علی تبریزی» در بغداد سال ۷۹۹ هـ (۱۳۹۶ م) نوشته و بر یکی از صورتها امضای استاد ایرانی «جنید ساطانی» است که در خدمت «سلطان احمد» از امرای خانواده جلایر در بغداد بوده (۱)

نسخه دوم - راجع بهمان زمان خود تیمور و شامل چندین قصاید است که از آنجمله تاریخ منظومی است که احمد تبریزی در چند باب راجع به فتوحات چنگیز خان نگاشته و در تصاویر این دو نسخه بسیاری از اوصاف آرایشی و تزیینی است که بعداً از مشخصات مدرسه هرات در قرن نهم هجری (۱۵ م) شده و در ضمن آن صورت درختان رسا و نظر گاههای طبیعی است که در بین آنان کوهها و تپهها بوده و بشکل اسفنجی (ابر) آنرا ترسیم نموده و نباتات ریز و بزی است که آرایش و زینت تصویر بآن زیاد شده و بآن روشنی خاص و نقشی مخصوص میدهد و در این تصاویر رنگهای ثابت و تندی بکار رفته که تندی وحدت آنرا هیچگونه گردش روزگار و تغییرات زمان بهم نمیکشند و تمام اینها مایه الامتیاز و ماده تفاوت و تفرقه بین دو نسخه و بین صور اولیه در قرون ۸ و ۷ هجری است (قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱۴ میلادی).

باین وصف بهتر آن است که ما تصاویر این دو نسخه خطی را بهیچیک از هنرستان تیموری نسبت ندیم زیرا که هنرستان تیموری در واقع متمثل با آخرین دوره تطور هنرستان تاتاری گردیده و بنابراین دوره مغول تا اوایل قرن ۹ هجری (۱۵ م) اعتداد مییابد و خانواده جلایر دستهای از مغول بودند که در عراق عرب حکومت نموده و بغداد را برای خود پایتخت قرار داده و این شهر را در تمام طول قرن ۸ هجری (۱۴) و قسمتی از قرن ۹ (۱۵) شهری مغولی گردانیدند و این عمل علی رغم استیلاء تیمور بر آن شهر در ۷۹۵ هـ (۱۳۹۳ م) بوده.

مصادر تاریخی نشان میدهد که سلطان ابوسعید آخرین ملوک خاندان جلایر از جمله ملوکی بوده که فن نقاشی را اصلاحات زیاد نموده و در آن موفقیتهای زیاد پیدا کرده پس اشتباهی که بین این صور و بین تصاویر تیموری پیدا شده راجع بآن خواهد شد که که اولی بدیگری مشابه و متمثل شده و چنانکه ما قبلاً متذکر شدیم و این خود حلقه





شکل ۱۵ منظره باغ از نسخه خطی منظومه خواجوی کرمانی موزه بریتانیا - مارتن



شکل ۵: نما سگه در باغ

از مجموعه تابلوی منقوشین خواندنی گریه ای در دوره ایلخانیان مورخ ۹۰۰ هجری قمری اثر ارشدی





بیوستگی و اتصال بین هنرستان ایرانی تاتاری و بین مدارس تیموری شده و درحقیقت خود تیمور گذشته از عشق و علاقه ایکه به فنون جمیله و هنرهای زیبا داشته شخصاً در ایجاد و پیدایش طراز تصویری که ما بنام او نسبت میدهیم مباشرت نموده خلاصه آنکه تیمور چندان عامل قوی در این هنر نبوده که این دوره بنام او تمام شده و پیشرفت و رشد طبیعی که برای هنر نقاشی در قرن ۸ (۱۴) روی داده این فائز را دستی زیاد در آن نبوده بلکه نامگذاری عادلانه آن رعایت و توجهی عالی بود که شامل احوال خلفاء و حانشینان تیمور میگردد که از نقاشان و صنعت نقاشی بعمل آمده .

در کتابخانه ملی مصر نسخه از شاهنامه فردوسی وجود دارد که آنرا لطف الله بن یحیی بن محمد در شیراز سال ۷۱۶ هـ (۱۳۹۳ م) نوشته و در آن صفحهای تذعیب شده و رنگین ترتیب داده اند که ۶۷ صورت کوچک را داراست و در صنعت و طرز نقاشی مناظر طبیعی و پوششها و شکل و شباهت به نسخه خطی کلیله و دمنه ای شبیه و مانند است که اکنون آن نسخه در کتابخانه ملی پاریس موجود است. (۱)

در مجموعه مستر شستریتی (Chester Beatty) شاهنامه دیگری بوده که در سال ۸۰۹ هـ در شیراز نوشته شده (۱۳۹۷ م) و حالیه در ضمن یک مجلد با جزئی از نسخه خطی دیگر در موزه بریتانیا مضبوط است و آن شامل چند قصیده و نظم و بفرز و اسلوب و ورش کتاب شاهنامه میشود و تصاویر این دو نسخه در صنعت و اصول فنی دقیق تر از صور موجوده در شاهنامه کتابخانه ملی مصر بوده و تناسب رنگهای آن زیاده تر و رسه های آن تازگی و تنوعی فراوان دارد .

خلاصه کلام آنکه مجموعه نسخه های خطی که در آخر قرن هشتم هجری (ده سالهای آخر از قرن ۱۴ م) نوشته شده برای آن مشخصاتی است که نباید آنها را حقیق شمرده و خوار گرفت یا بنظری اعتنائی بآنان نگاه نمود چون آنکه در آنان رنگهایی تابنده و درخشان دیده میشود که مناظر باغات و گلها و بهار را نشان میدهد و این مشخصات بعد از آن از خصایص و معجزات هنر و فن ایرانی گردیده و اساتید فنی در این مورد بایجاد تناسبی شایسته رسیده و بنگارش صوری زیبا جهت اشخاص و توافقی و سازشی پسندیده

۱- مراجعه شود به Binyon, Wilkins & Grey : Persian Miniature Painting

و مطلوب بین موضوع نسخه کتاب و بین صورتهای عینیاتوری و تصاویر کوچک مبادرت نموده‌اند و در بعضی از این صور رسوم و نقشه‌هایی است که برای منسوجات (پارچه‌ها) و قالیچه و چانه‌مازها تدارک شده و لیکن از آنها چیزی بدست مانده است و بزرگترین مزایا و برتری در این مورد نسبت بتوجه و پیشرفت نقاشی ایرانی مربوط بامرای خانواده جلایر شده و راجع بآنها میگردد.

## هنرستان هرات

علاوه بر اینکه نقاشی ایرانی بمصر طلائع دوره جانشینان تیمور؛ پسرانشهرخ و نواده‌های وی؛ بایسنقر- ابراهیم سلطان و اسکندر بن عمر شیخ پیوسته میشود جای تعجب و شکفت نیست که در زمان ایشان وحدتی بانیر و تکاملی قوی بوجود آمده که نقاشی روح ایرانیگری بخود گرفته و بطوری خود را نشان میدهد که کشف نمونه‌ها و عوامل اجنبی در آن خیلی دشوار و مشکل است؛

آمین سیاست دولت امپراطوری تیمور لنگ با ایجاد و تاسیس هنرستان‌های فنی جندی اقتضا نمود و در عین اینکه او در پایتخت دولت امپراطوری خود مشغول باداره نمودن امور کل کشور پهناور خویش بود اینگونه هنر و فنون را نیز راج و رونق میداد. در نواحی مختلفه هم امرایی بودند که حکومت کرده و قلمرو فرمانفرمایی خود را شبیه‌ترین چیز بکشورهای متحده عین نمودند چنانکه هر امیر از خود درباری داشته و در بعضی احوال نظام وراثی امور حکومتی و فرمانفرمایی همانطور بود که در پایتخت کشور پهناور امپراطوری اجرا و پیروی میشد.

مثلا می بینیم که شاهرخ در دوره زندگانی بدرس تیمور لنگ حاکم خراسان بوده و چرن او وفات یافت پسرش جانشین وی شده او نیز در خراسان اقامت گزیده و هرات را پایتخت کشور خود نمود حکومت نواحی ماوراءالنهر که معرفند مرکز آن بود بالغ بپاک داده و ابراهیم سلطان را حاکم شیراز و حدود فارس نمود.



شاهرخ پادشاهی بزرگوار ورشید و باوقار بوده و کشور ایران در دوره شاهی او آرامش و امنیت گذرانیده و شهر هرات مرکزی مهم از برای پیشه و هنر نقاشی گردید و این پادشاه در آنجا کتابخانه مهمی تأسیس نمود.

موقعی که پسرش بایستقر حکومت عمومی قسمت هرات گردید او هم کتابخانه دیگری با هنرستان و دارالفنون از برای ترویج و تکثیر پیشه و هنر ترتیب داده و در آنجا نقاشان و تذهیب کارها و خوشنویسان و جلدسازهای زیر دست و سر آمدی را جمع آوری نمود و این بنگاه هنری کارهای مهمی را بنوبت خود در عمل نقاشی و کار تذهیب انجام داد استاید مذکور کسانی بودند که از شیراز و تبریز و سمرقند بهرات آمده و در انجام انتقال و تمرکز پیدا نمودند روابط ایران با کشورهای خاور دور از جهت استوار نمودن بنای دوستی و ارتباط هیچگاه و زمان بآن پایه نرسیده بود که در دوره شاهرخ رسیده زیرا که در این دوره هیئت ها و مأمورین علمی و فنی اعزامی هابین ایران و ممالک خاور دور آمد و شد نموده و مبادله میشدند و شاید این امر مربوط بتغییر دو خانواده ای باشد که در آن دوره حکومت مینمودند.

پس همانطور که حکومت مغول ایران در اوایل قرن هشتم هجری (۱۴ م) بانها و پایان رسید در همین بین حکومت خاندان یوان (Yuan) مغولی خانمه بدبرفت ۱۲۸۰ م - ۱۲۹۷ م و بجای آنها خانزاده منگ (Ming) (۱۳۶۸ م - ۱۶۴۶ جانشین ایشان گردید.

از جمله چیزهای که بیشتر جلب نظر میکند آن است که بایستقر بایکی از این هیئت اعزامی علمی که بعین سفر کرده ۷۲۳ - (۱۴۲۰) نقاشی را که نام او «غیاث الدین» بود همراه نموده و او را مکلف و مأمور داشته که هر چه را از آثار بدیده در راه و خط سیر خود می بیند صورت آن را کشیده و چگونه آنرا شرح و وصف دهد.

غیاث الدین این مأموریت را انجام داده و توصیف عمل او را کمال الدین عبدالرزاق در کتاب «مطلع السعدین» خود که آنرا مستشرق معروف کاترمیر «Quatremère» بفرانس ترجمه نموده و نقل و حکایت کرده، بعید نیست که غیاث الدین موقع برگشتن خود از آنجا بعضی از استادان فنی و سرامدان چینی را یا برخی از کارها و نمونه عملیات

و هنریشان را باخود به‌مراه آورده باشد (۱) در هر صورت نقش و رسم چینی و هنر  
 سورنگری آنان در ایران معروفیتی تمام یافته امراء و رجال فنی از آن تقدیرها کرده  
 و در پی این کوششها مینمودند و در جمع آن اصرار داشتند و برای این فن تأثیری زیاد  
 بوده که کشف و ایضاح و تمیز و تشخیص آن برای ما بی اندازه مشکل است ولیکن  
 وقتی که ما آنرا در دست گرفته و مشاهده نمودیم و در باره وجود آن قطع پیدا کردیم  
 خواهیم دید دقت و مراقبتی را که صنعت تصویر و نقاشی بدان نائل گردیده و در هنرستان  
 هرات بوده علاوه بر این بعضی از صور که بنظرها رسیده دیده ایم که در آنها عوامل  
 چینی و ایرانی دوش بدوش یکدیگر قرار گرفته ولیکن باهم اختلاط و آمیزش یافته  
 و وحدتی قوی و تمام چنانکه در هنرستان تیموری داشته در اینجا ترتیب نداده است.  
 واضحتر از تمام صور صورتی است که در آن شاخه درختی ترسیم شده که بر آن  
 گنجشکها نشسته اند و شخص تصور میکند که صورت مذکور از مصنوعات عصری  
 منگ (۱) (Ming) در چین است سپس در زیر آن خر و شیرین دو عاشق و معشوق  
 ایرانی بلباس ایرانی و صورت چینی ترسیم شده بطوری مبهم است که مورخین فنی  
 از جزم باینکه استاد سازنده این تصاویر ایرانی است که فن و صنعت چینی را تقلید نموده  
 و با چینی است که از هنر و کار ایرانی تقلید کرده عاجزند (۲)

ولیکن ظاهرترین چیزی که موجب و مسبب تأثیر فارسی در فن دوره تیموری  
 است عمل جلد سازی آن زمان میباشد که با تصویر حیوانی که با اسلوب فن چینی زینت  
 شده انجام گرفته و از جمله مشخصات مینیاتور و صورهای کوچک مدرسه هرات ترسیم  
 و نقش سرهای انسانی و حیوان است که برای آرایش در مینیاتورهای ارمیه با صور  
 کوچکی که استادان ارامنه کشیده‌اند دیده و شناخته میشوند که تاریخ آن باو آخر قرن  
 هفتم و اوایل قرن هشتم هجری مربوط است (اواخر قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱۴ م)

از جمله صور همه اینکه بهرستان هرات نسبت داده‌اند صورتیست که در موزه

۱ - Binyon, Wilkinson & Gray : Persian Miniature Painting - ۱  
 نقاش مینیاتور ایرانی.

۲ - مراجعه بپابلوی ۱۶ شکل ۱۲

۳ - مراجعه شود بپابلوی ۱۸ دو شکل ۲۴ و ۲۵

هنرهای زیبای پاریس وجود دارد که صورت مزبور رسیدن امیر همای را بدر بارچین نشان داده و تاریخ آن را جمع سال ۸۳۴ ه است (۱۶۳۰ م و در آن صحنی مخلوط و متناسب از صنعت لطیف و اسلوب ظریف ایرانی و جمال و زیبایی فن چینی در دوره منگ (Ming) ملاحظه میشود. (۱)

علاوه بر این اثر آمیزش اسلوب فن چینی در زمان منگ بتقلید فن ایرانی در تصاویر نسخه خطی «معراج نامه» که اکنون در کتابخانه ملی پاریس محفوظ است مشکل نبوده و بآسانی واضح خواهد شد.

نسخه مذکور در سال ۸۴۰ هجری (۱۶۳۶ م) در هرات برای شاه رخ نوشته شده و بیشتر تصویر آن دارای وضع مربعی شکل و از متن نسخه خطی جدا و مستقل میباشد و دیده میشود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روی براق سوار گردیده و جبرئیل در جلو آن حضرت قرار گرفته و فرشتگان اطراف او را احاطه کرده و در آسمانها سیر و گردش میکنند و پیغمبران دیگر بآن حضرت زو برو و مقابل میشوند و در صورت فرشتگان ملاحظه میشود که صورتهای ایشان گرد و مستدیر و چشمان آنها کوچک و ریز و منحرف میباشد و تاثیر شکل و قیافه فن چینی را در صورت از خود نشان میدهد چنانکه تاثیر این فن ب فن چینی در اشکال و تقلیدی که بر این روش ترسیم شده هویدا و ظاهراست بطوریکه عا می بینیم در صورت حضرت رسول و یاران او یکنوع طرح زیبایی و ظرافت کار است که نمونه صنعت عربی و ایرانی را از خود نشان میدهد.

این صورتهای روی هم رفته جزء هنرهای زیبا بوده که زیاده دلفریب و قشنگ است و رنگهای فیروزه‌ای و طلایی جلای و بهای آنرا بی اندازه زیان نموده ولی چیزیکه هست تکرار موضوعات آن تاحدی خالی از ملال نیست (۱)

شبهه باین صورتهای در فن نقاشی و کار دوازده صورت کوچکی مینیاتور است که در موزه (متروپولیتان) نیویورک امریکا موجود است و آنها در ضمن نسخه شاهنامه است که میتوان آن را بنیمه اول قرن نهم هجری (۱۵ م) نسبت داد و از بدیعترین

۱ - مراجعه بشماره ۱۶ شکل ۱۹

۲ - مراجعه شود به Migeon : Manuel ج ۱ ص ۱۵۶ و E. Blochet: Les Enluminures des Manuscrits Orientaux de la Bibliothèque Nationale ص ۸۳-۸۵ کتابهای خطی شرقی کتابخانه ملی

تأویر آن صورتی است که نقش رستم را کشیده و عنان اسب خود (رخش) را در دست گرفته و در طرفین آندو درخت با سلوب فن چینی نقاشی شده و در بالای آن دو مرغ آبی بحالت پروازند و در صورت دیگر نقش راکیکلوس کشیده که قصد دارد بوسیله دو کرکس که تحت خود را پایی آنها بسته بجانب آسمان پرواز کند (۲).

در موزه (متروبولیتان) نیویورک نسخه خطی دیگری از منظومات (خمسه نظامی) وجود دارد که در سال (۸۵۳) نوشته شده (۱۴۴۹) و دارای سی صفحه صورت است که هر کدام آن بواسطه رنگهای زیبا و درخشان و صورتهای دلربای خود ممتاز است و شاید چیزی که از این تصاویر بیشتر جالب توجه و نظر میشود صورت فرهاد و معشوقه او شیرین و اسبی که بر آن سوار است. بوده باشد. (۳)

پاوجود این لازم است ما در اینجا مابین صور مصنوعه هرات و تصاویری که در غیر آن از شهرهای ایران کشیده شده مانند شیراز و آنچه بدوره تیمور و جانشینان او است تفاوتی بخاطر نگذاریم زیرا بطوریکه گفته شد سیاست حکومت در دوره آنها بهترین مشوق برای پیدایش مراکز فنی و بنگاههای هنری در کشورهای مختلفه امپراطوری بوده که هر یک را افرادی از خانواده سلطنتی اداره مینمودند و همین امر باعث تحول کار و تبادل نظر بزرگن و اساتید فنی بوده و آنها را وادار نموده که در سیر و حرکت در آمده مسافرت کنند و برای تکمیل هنر به طرف نقل و انتقال نمایند و شاید مشهورتر از همه آنها کسی بوده که بیشتر مسافرت مینموده با در نقل و تقلید دست داشته در صورتیکه بهره و نصیب اساتید فنی و هنروران عادی که در وطن خود میزیستند و سفر نمینمودند جنبه دهائی داشته و برتری آن فقط در این سبک و اسلوب بوده و ما از این قسمت نمونه هائی در نسخه خطی منظومه خمسه نظامی که اکنون در لونیورسیته (ایسال) وجود دارد (۴) مشاهده مینمائیم که تاریخ آن مربوط بسال

۱- مراجعه شود به Dimand : A Handbook ص ۲۸

۲- مراجعه شود به Dimand : A Handbook ص ۲۹

۳- مراجعه شود به Binyon, Wilkinson & Gray : Persian Miniature Painting



(۸۴۳هـ) و (۱۴۳۹ میلادی) است و در قسمت موزم های برلن نیز تصویری از مجموعه اشعار فارسی موجود است که آنرا در سال ۸۲۳ هـ (۱۴۲۵ م) محمود کاتب حسینی در شیراز برای کتابخانه (امربایسنر) نوشته و زیباتر از همه تصاویر آندو صورت است : یکی دیگر صورت خسرو است که بالای سر شیرین آمده و از چگونگی احوال او اطلاع می یابد و دیگری تصویر جنگی است که بین سپاه کسری (بروبز) با (بهرام چوینه) واقع شده (۱).

از تصویری که بدوره تیموری نسبت داده میشود جزعه قلیلی شناخته نشده حتی در نمایشگاه هنرهای زیبای ایرانی در لندن در سال (۱۹۳۱) که نزد طرفداران و مورخین فنی عده زیادی از تصاویر وجود داشت و همچنین از طرف دولت اعلیحضرت شاهنشاه ایران نفیس ترین چیزی که داشته باین نمایشگاه فرستاده شده بود در میانه آن اشیاء چیزی از آن تصاویر دیده نمیشد.

و در اینجا چون برای ما مجالی جهت تتبع و تحقیق اینگونه تصاویر نیست لذا بآن اکتفا مینماییم.

و خواننده را بمؤلفات و عقلائی حواله میکنیم که در باره نمایشگاه مذکور نوشته شده.

خلاصه گفتار آنکه فن نقاشی در دوره تیمور و جانشینان او ترقی و نشو و نما یافته و باعلی درجه کمال رسید و بعدها در عصر بهزاد و شاگردان او بعد اکمل بالغ گردید ولی بعد از وفات شاهرخ سال ۸۵۱ - (۱۴۴۷) م امپراطوری تیموری را که زحمتی بسیار در راه وحدت و اتحاد و اعلای عظمت و شأن آن کشیده شده بود و انحلال بجانب آن را یافته جانشینان شاهرخ داخل منازعه و کشمکش گردیدند و طولی نکشید که قسمت غربی کشور ایران در دست دشمنان ایشان و قبایل ترکمان معروف باقی

۱- مراجعه شود بپهلوی ۱۳ شکل ۱۸ و مربوطه Kühnel ; Islamische Kunst در جزء ششم از نابوی ششم Springer ; Handbuth der Kunstgeschichte و مراجعه بمقاله دکتر کوتل در Jahrbuch der Preussischen Kunstsammlungen جزء ۵۲ ص ۱۳۳ و مابعد آن

قوینلو (صاحبان گوسفندان سفید) و قراقوینلو (صاحبان گوسفندان سیاه) افتاد و این عنوان شعار جنگی آن درو طایفه بود.

«سلطان ابوسعید» در سال ۸۷۳ وفات نموده (۱۴۶۸ م) و او قصد داشت که کشورهای اقالیم از دست رفته را مسترد سازد و امپراطوری (اوزبک) هم در قسمت هاورا، النهر پیدایش و ظهور یافت و در اواخر قرن ۱۴ م توانست در این قسمت ها و در نواحی شرق ایران بنفوذ تیموریان خاتمه دهد و تنها هرات پایتخت جانشینان تیمور باقی ماند و این محنت ها جز بر پیشرفت و درخشندگی و جلای هنر نقاشی نیفزود:

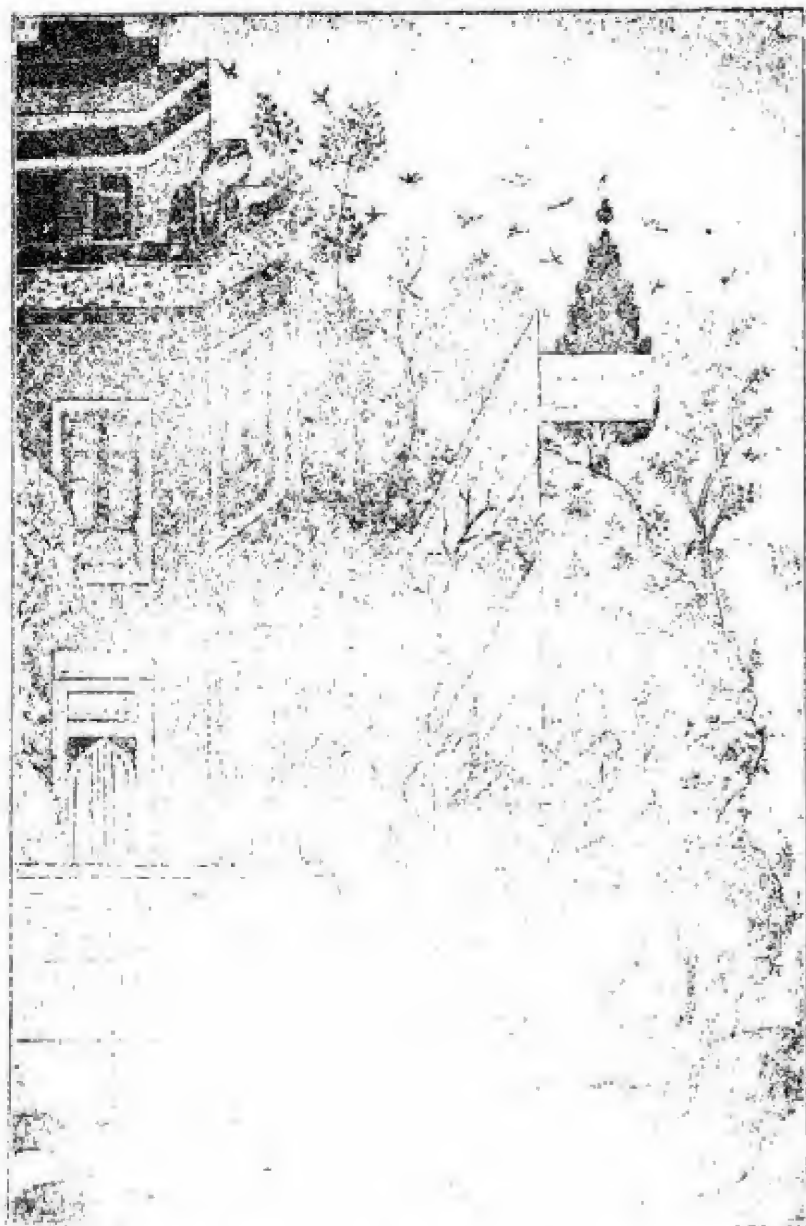
حکومت «سلطان حسین باقرا» ۸۷۳ - ۹۱۲ (۱۴۶۸ - ۱۵۰۶) از درخشنده ترین دوره تیموریان است زیرا که در این عصر رجال ادب و هنر و تاریخ بجانب هرات با هم دیگر مسابقه گذاشته و پیشرفت مینمودند و سلطان بدین واسطه توانست که تخت و تاج آبا و اجدادی خود را نگاه دارد و بازوی توانا و مددکار عمده وی وزیر و رفیق و فدایار زمان کودکی او (امیر علیشیر) بوده که او مانند شاه شاعر و ادب دوست و دانش پرور و طرفدار بزرگ ادباء و رجال پیشه و هنر بوده.

بهر حال در خدمت سلطان حسین باقرا - وزیر او - امیر علیشیر - بزرگترین نقاش ها و اساتید فنی ایرانی و مشهورترین رجال هنر و اسلامی که «بهزاد» سرآمد همه ایشان است بروز و ظهور یافته اند.



شکن ۱۸ - خسرو در کشتن بهرام (هنرستان ایران و تاتار ۸۶۳ هجری) نسخه خطی کتابخانه پاستور (موزه برلین)



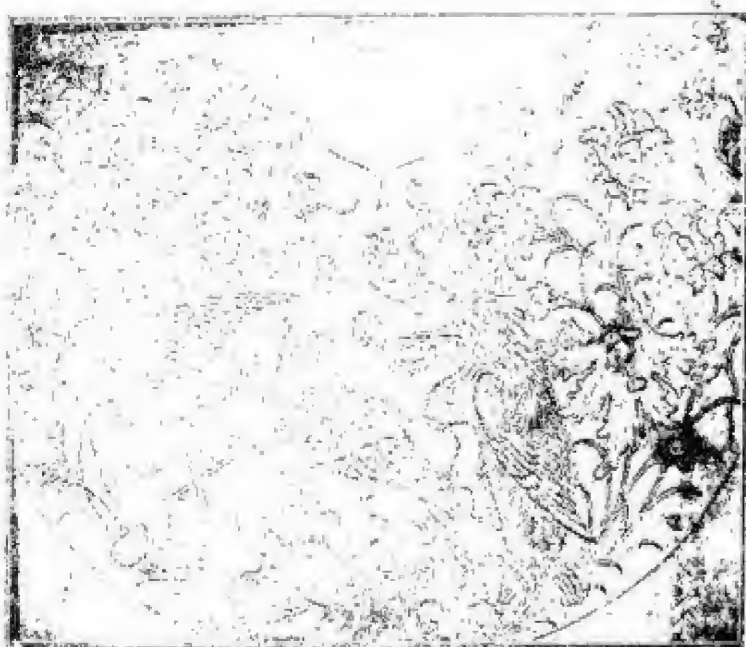
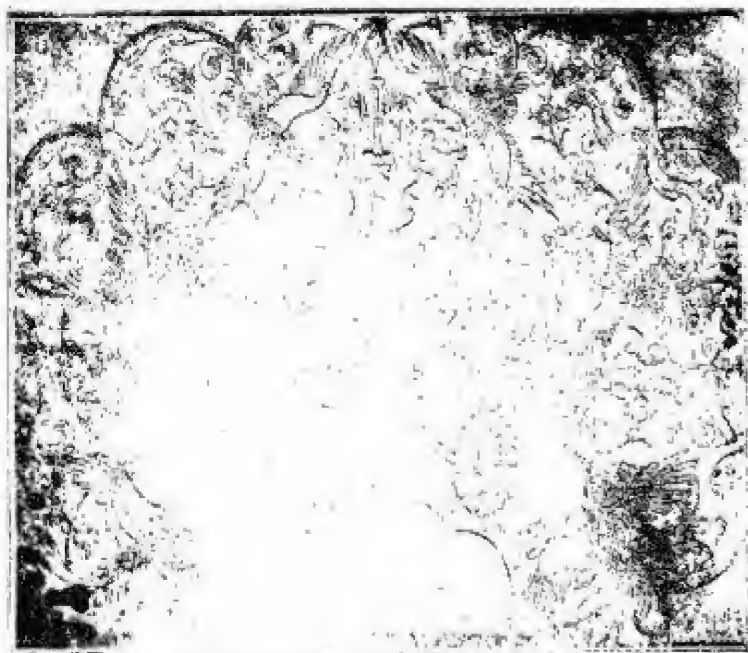


شکلی ۱۰: دیدار شاه و همایون در باغ قصر عشر حای تیمورتغ در اول قرن ۱۵ هجری

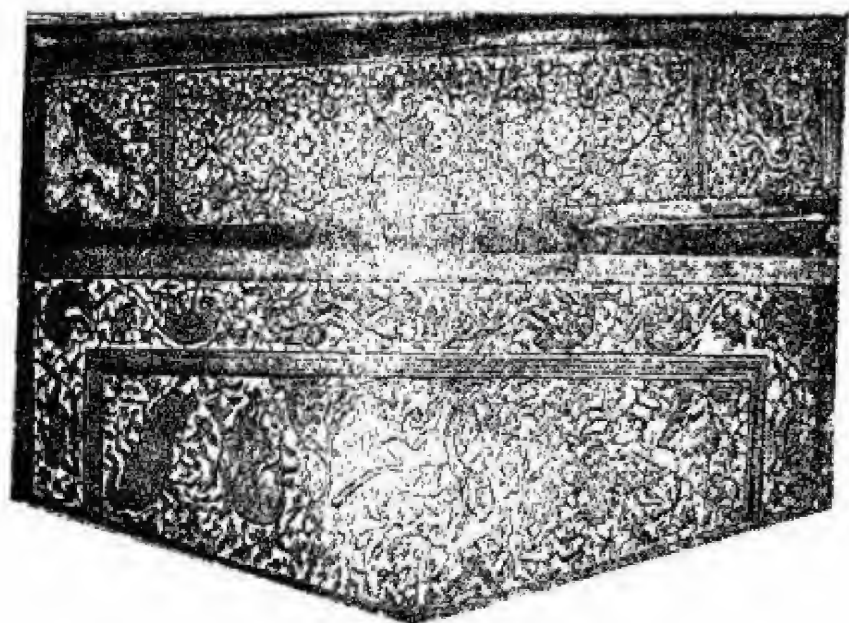
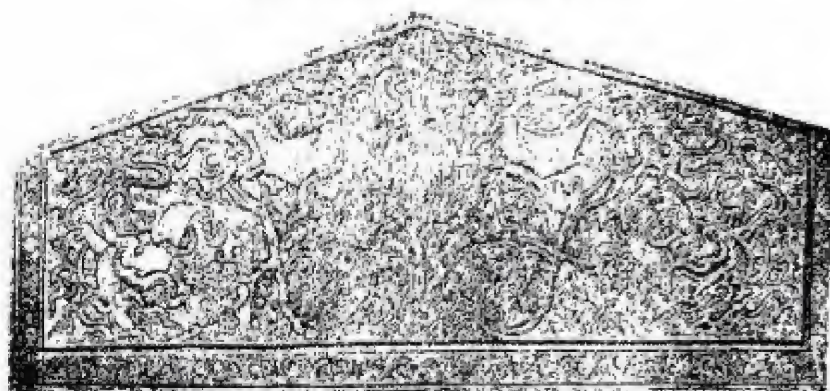




شکل ۱۶ - شادرو و شیرین - هنرمندان تیموری در ایوانی در قزوین، دوره تیموری، دوره قزوین

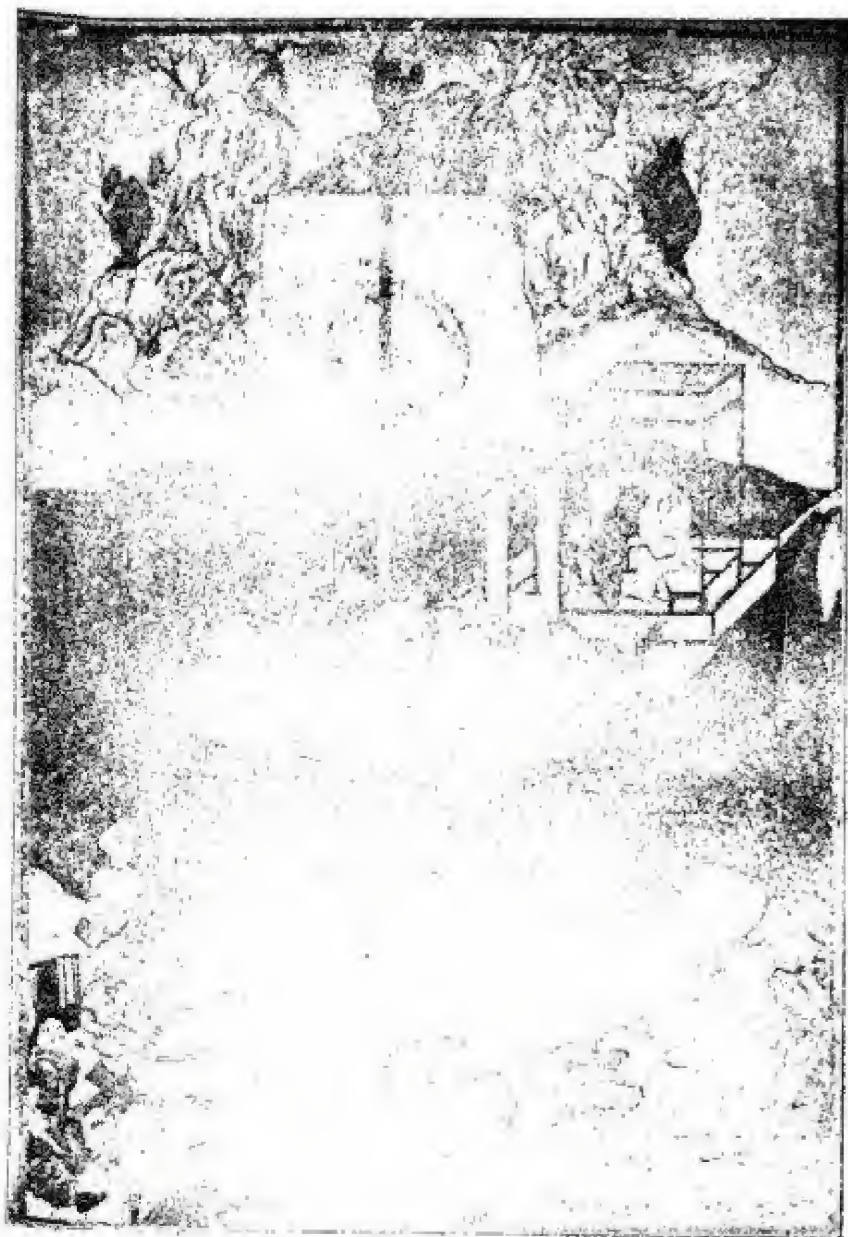


1377 1378 1379 1380 1381 1382 1383 1384 1385 1386 1387 1388 1389 1390 1391 1392 1393 1394 1395 1396 1397 1398 1399 1400 1401 1402 1403 1404 1405 1406 1407 1408 1409 1410 1411 1412 1413 1414 1415 1416 1417 1418 1419 1420 1421 1422 1423 1424 1425 1426 1427 1428 1429 1430 1431 1432 1433 1434 1435 1436 1437 1438 1439 1440 1441 1442 1443 1444 1445 1446 1447 1448 1449 1450 1451 1452 1453 1454 1455 1456 1457 1458 1459 1460 1461 1462 1463 1464 1465 1466 1467 1468 1469 1470 1471 1472 1473 1474 1475 1476 1477 1478 1479 1480 1481 1482 1483 1484 1485 1486 1487 1488 1489 1490 1491 1492 1493 1494 1495 1496 1497 1498 1499 1500



1499





شکل ۲۰ - روضه و خرابه و دیوارهای گچی - درون تابوی ۱۹ - درون محرابه ساکین





شکل ۲۰ - جماعتی افسانہ در ریل گاڑی میں سوار ہونے کے لیے کھڑے ہوئے ایک شخص

# فصل پنجم

## بهراد و معاصرین او

### هنرمندان بهارا

بهراد در سال ۸۵۴ هجری - ۱۴۵۰ درهرات تولد یافته و هنر نقاشی را نزد (پیر سید احمد) تبریزی فرا گرفته و دیگران گویند که بهراد نقاشی را نزد میرك نقاش درهرات آموخته بود در هر صورت او در تحت توجه و رعایت و قدردانی و تشویق سلطان حسین بایقرا و وزیر او امیر علیشیر بمقام عالی هنر رسیده و تعلیماتی شایسته یافت.

بهراد درهرات بود تا اینکه ستاره تیموریان غروب نمود و دولت آنان زوال پذیرفت و انقراض آن دولت بدست محمد خان شیبانی که بر پایتخت ایشان استیلا یافت در ۹۱۳ (۱۵۰۷) فراهم آمد.

در این وقت بهراد جایگاه خود را که درهرات داشت ترك ننموده و بدینگونه بود تا شاه اسمعیل صفوی در ۹۱۶ (۱۵۱۰) برهرات دست یافته و بهراد باشاه اسمعیل به تبریز انتقال گزید.

بهراد نزد پادشاه صفوی و جانشین او شاه طهماسب اهمیت و معنای بسزا یافت و بمقامی نائل گردید که کمتر استادی از اهل بیته و هنر بدان پایه و مقام رسیده است.

"روایت میکنند: وقتی که بین شاه اسمعیل و ترکهای عثمانی جنگ در گرفت (۹۲۰ - ۱۶۱۴) شاه از فرط الفت و علاقه ای که ببهراد داشت بیم و دهشتی که نسبت بوی پیدا نموده بود خواست که او را با همکارش شاه محمود قشایوری خوشنویس مشهور برای ترسی که از ائتلاف اندو داشت پنهان کند لذا امر داد آندو را در صندوقی نهادند و موقعی که جنگ تمام شد اول اندیشه شاه اطمینان بر سلامتی آندو استاد بود

در سال ۹۳۰ هجری (۱۵۲۲) شاه اسمعیل بهزاد را مدیر کتابخانه سلطنتی و رئیس کل امای کتابخانه و کتابدارها و خوشنویسان و نقاشان و تذهیب کارها گردانید .  
 خواند امیرمورخ فرمان انتخاب و تعیین او را برای ما در تاریخ خود ضبط نموده  
 و این وثیقه و اعتبارنامه مهم با ترجمه فرانسه آن در جزء ۲۴ از جمله (العالم الاسلامی ۱)  
 انتشار یافته (۲) Revue du Monde Musulman و نیز استاد از تولد) فرمان مزبور در  
 آخر کتاب خود نقاشی بانگلیسی در اسلام) ترجمه نموده .

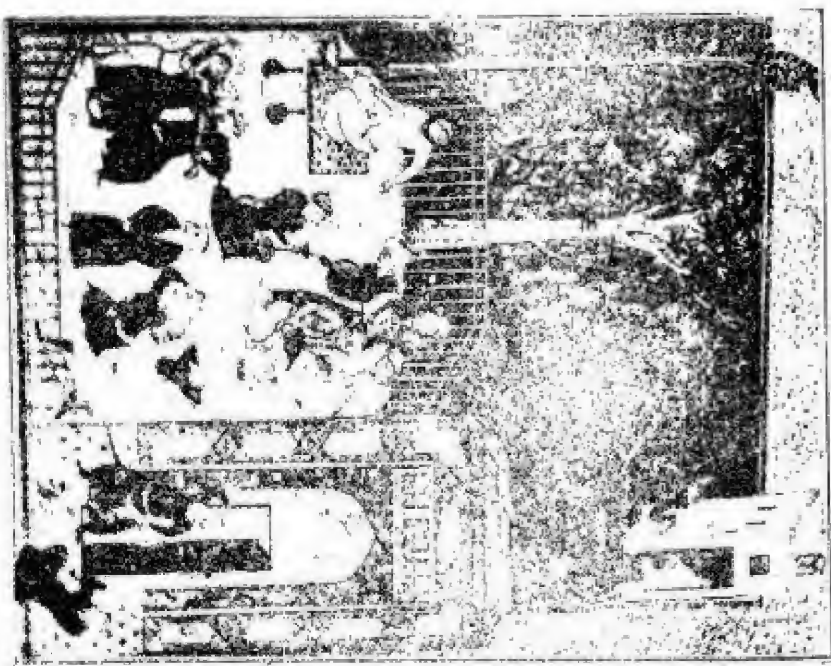
بهزاد شهرتی زیاد احر از نموده و اشتها را از نقاشان دیگر از معاصرین یا اخلاف  
 وی زیاد تر شده و قیصره و امیر اطوران مغولی هندوستان در گرد آوردن هنرهای بدی  
 این استاد و اعجاب باشکفت با آنها سیقت گرفته و لیکن روی همین بهره نصیب بود،  
 که نقاشان و اسانید فنی و ادراشدند که از او تقلید و پیروی نمایند و خوشنویسان و  
 هواخواهان این هنر در صدد بر آمدند صوری را که کار او نبود باو نسبت دهند و امضای  
 او را برای ریح مادی یا افتخار ادبی تقلید کنند لذا بیشتر تصاویری را که بر توی از  
 نور عملیات این استاد بزرگوار می گرفت مورخین فن اسلامی در صحت آن نسبت باین  
 استاد شك و تردید افتاده اند :

باین وصف (بهزاد) از اسانید درجه اول ایران است و او ما این اهل پیشه و هنر  
 اول کسی است که آنچه را نقاشی کرده باعضای خود رقم نموده و معروف این است  
 که امضا در فنون و هنر شرقی بآن اهمیت که هنر و فنون غربی بدان رسیده بالغ  
 نشده و شخصیت از اهل پیشه و هنر را رشد و ترقی و یسرفت داده و او حقوق افتخاری  
 خود نسبت بهتری که بدست خود انجام میداده آگاه شده (۲) این است ، طرفداران  
 بهزاد و مورخینی که داخل در بحث و رسیدگی بصاویر و کارهای نقاشی میشوند  
 عملی را بهزاد نسبت داده و صحت آنرا تصدیق میکنند که دارای امضاء او  
 است و اینگونه عمل و کار را مورد توجه قرار داده و خواهند داد چنانکه نمایشگاه

۱ - تحت عنوان : Deux documents indits, Mirza Mohammed Qazwini, *clatifs à Behzad et L. Souvat*  
 ۲ - راجعه نموده : Kuhncl : *Mimaturmalerei* ص ۱۶ و Arnold: *Painting in Islam* ص ۷۹

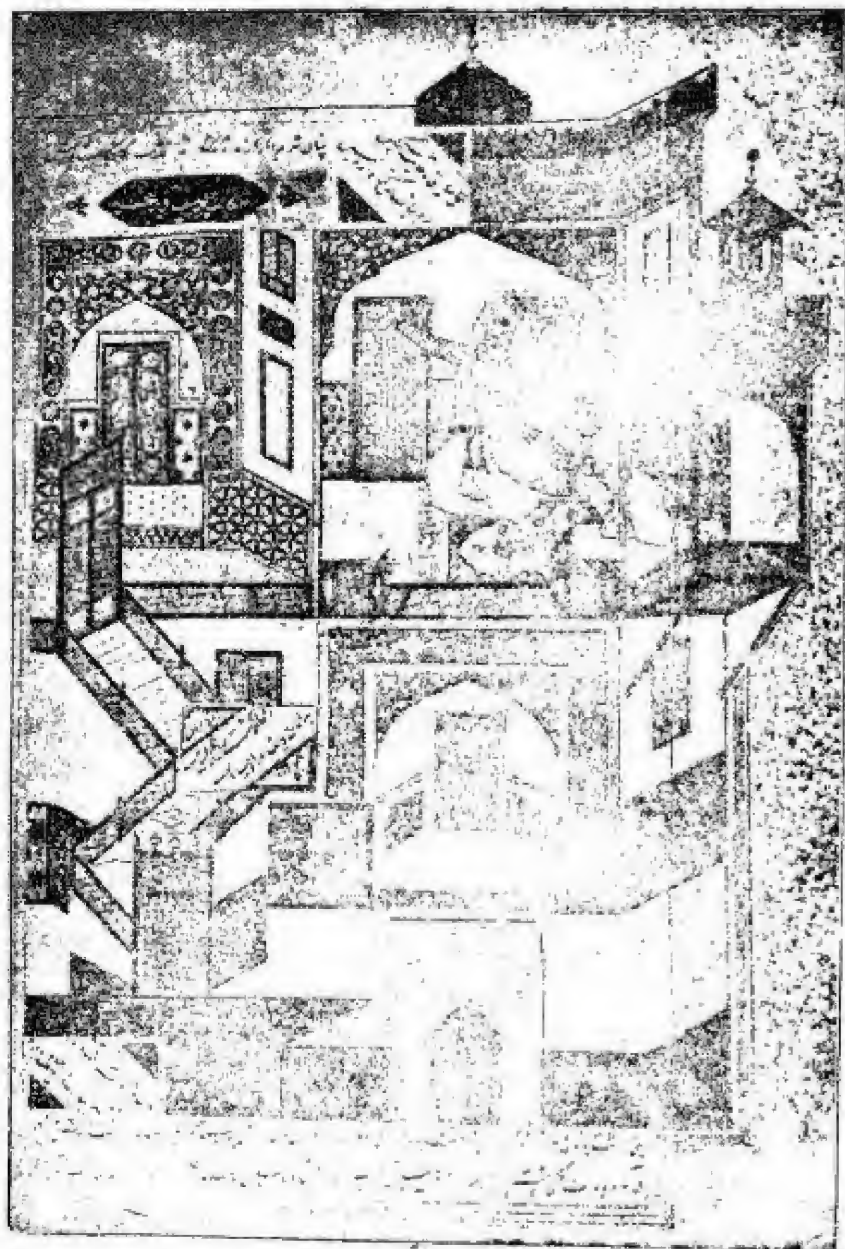


مجلس میرزا در آستانه شطرنج سلطان محمد کاکا پاشا در سال ۱۲۹۳ شمسی



شکل ۱۹۹۸: سلطان محمد میرزا در مجلس

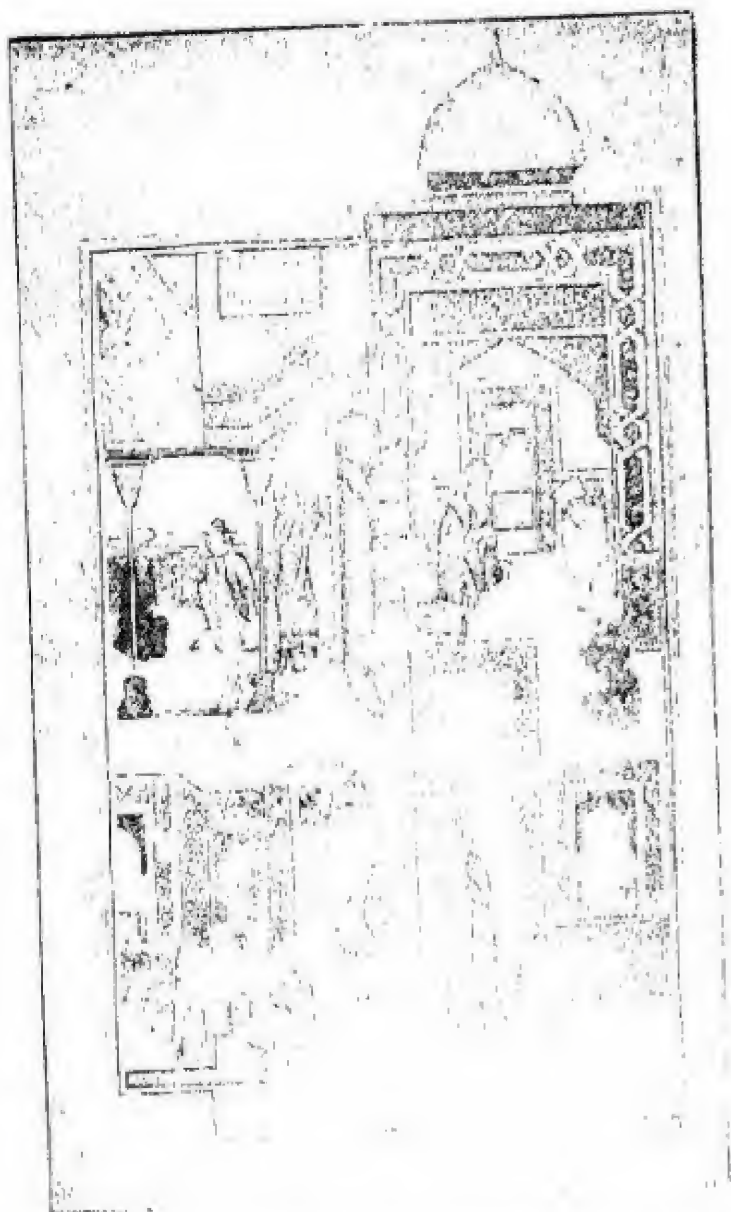




شکون ۳۰ قرار یوسف از زلیخا عمل پنهان - از نسخه خطی بوستان مملو کتابخانه مهرمورخ ۸۹۳

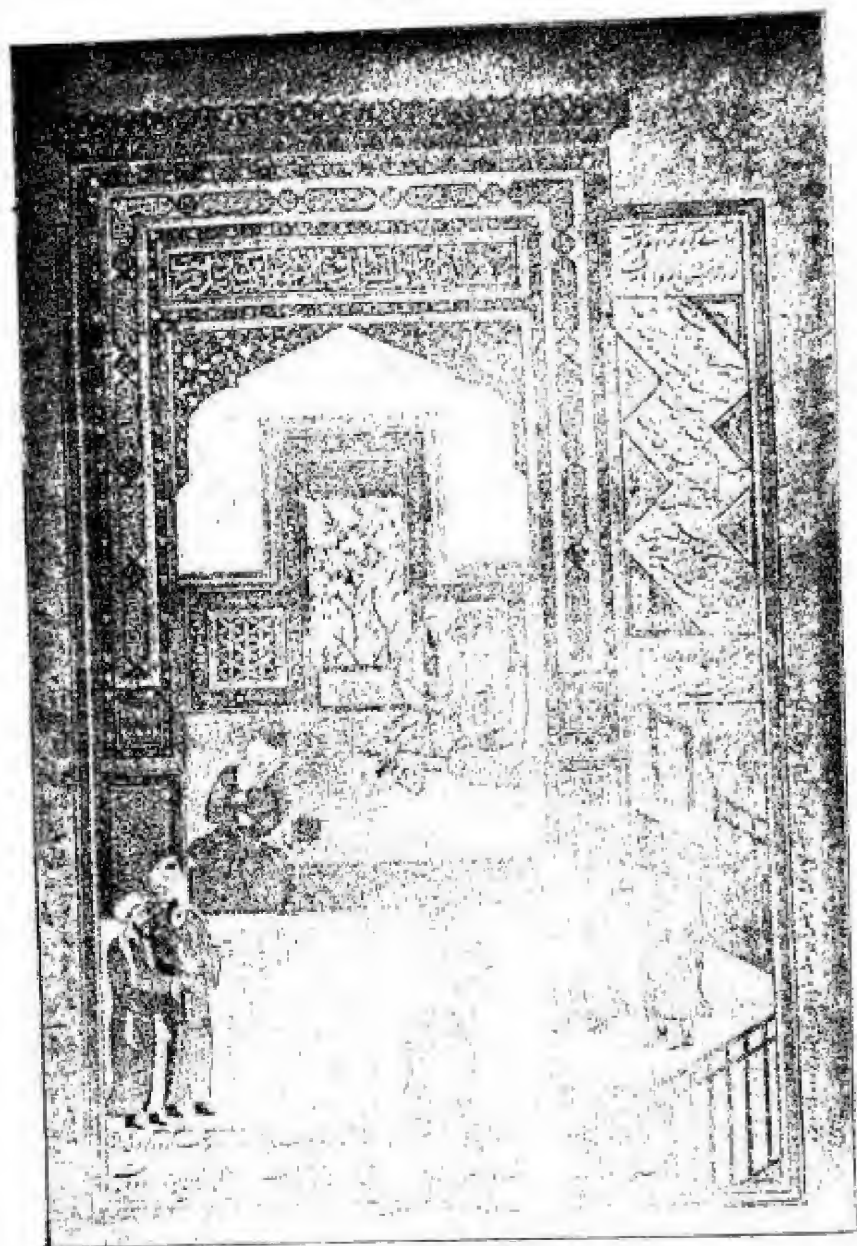


شکار شاهان و دارا پادشاه ایران با استفاده از خطی یونانی که در سال ۱۹۱۳ م. در



شکل ۲۲ - منظره‌ها در مسجد اقصی و مسجد حرام، بغداد، مصر، دوره ۸۹۳ هجری





نقشه در حالت میانه، علی بهزاد از نسخه خطی یونسف کتابخانه مصر مود ۸۶۳





شکل ۳۶- تصویردرویش بهمناد (بهزاد) مجموعه شمس‌الرای

که برای (سلطان حسین بایقرا) و (محمدخان شیبانی) کشیده که یکی از آنها ناتمام است و برای این دو صورت ارزش و بهائی خیلی زیاد است و این دو صورت اول چیزی است که ما در قسمت نقاشی ایرانی از تصاویر شخص حقیقی می بینیم که در آن شخصی را بشکل اصلی و هیئت و صفات جسمانی خود بدقت کشیده و تنبیه و تحقیق را بکار برده و از جمله صوری است که کشیدن نظیر آن در آن عصر از اسانید فنی آسیا جز چینی ها و ژاپونی ها برای دیگری مقدور نبوده و از اسناد آن زمان احدی بمثل آن در این حدود نقاشی نموده . (۱)

استاد دکتر کونل (Dr. Kühnel) بطوریکه ملاحظه نموده در اینجا علامتی است بیشتر صور ترسیمی از کار بهزاد را تمیز و تشخیص میدهد و آن صاحب شکل و قیافه و صورت بربری است که شاید نقاشی عالی مقام ما در آن بهترین وسیله را برای نشان دادن تفاوت و فرق بین قیافه بربری با قیافه دیگر اشخاص از جنس سفید پوست بنظر گرفته و گاهی ملاحظه شده که بهزاد از کشیدن صورت زنان بقدری که توانسته اجتناب و خودداری نموده . (۲)

شایسته آن است که کتابخانه مصر (دارالکتب المصریه) به نسخه خطی خود از کتاب (بوستان سعدی) که شامل پنج تصویر است افشاء نماید که در این عصر حاضر تقریباً متین ترین اساسی است که اسنادی و مهارت و برتری بهزاد را میتوان بآنها استناد نمود زیرا اهلستان و اعتماد ما بصحت نسبت این صور بهزاد بیشتر از وثوق و اعتمادی است که در دیگر صورتها مشاهده میکنیم چرا که این نسخه خطی در نهایت بداعت و متبهای دقت در صناعت است و آنرا بزرگترین خوشنویسان آن زمان (میرعلی کاتب) در ۸۹۳ (۱۴۸۸) جهت (سلطان حسین بایقرا) نوشته و صورت او در اول این نسخه ترسیم گردیده . (۳)

طبیعی است که نقاشی مانند این چنین نسخه نفیس و اینگونه تحفه بسیار ممتاز

۱ - مراجعه شود به Sakisun : ibid ص ۶۷ - ۶۸

۲ - مراجعه شود به Islamische Kleinkunst : Kühnel ص ۵۰

۳ - مراجعه بنابلوی ۲۶ دو شکل ۲۸ و ۲۹

بخود بهزاد واگذار شده و در هر حال در آن چهار صورت است که بهر يك اعضا این استاد بعنوان (عمل العبد بهزاد) تصریح گردیده (۱).

در این صورت مهارت و زبردستی فوق العاده ای پدیدار میشود که چگونه بهزاد در ترکیب رنگها و حکایت نمودن از طبیعت در اینجا امتیاز یافته و توجه در تشخیص هر يك از اشخاص نسبت بیکدیگر و تعبیر و بیان حالات مختلفه و روحیه هر يك را چگونه نموده و در صورتیکه تعال ملك دارا را با شبان اسبان یا رنه بان وی نشان میدهد (۲) و چگونه موفقیت بهزاد را در کشیدن صورت طبیعی ریفی و وضعیت دهکده ای و برتری و استادی آن در ترسیم صورت اسب ها بخوبی معلوم مینماید و در چهار صورت دیگری تصویر حضرت یوسف را کشیده که از زلیخا زن عزیز مصر فرار میکند. در آن موقعی که زلیخا برای فریفتن یوسف قصری هفت طبقه که دارای هفت دستگاه و ایوانی هفت گانه بوده. ساخته و در غرقه های داخلی هر دستگاه صورتهایی کشیده شده که زلیخا بین دودست یوسف قرار گرفته و اندیشه او این بوده وقتی که یوسف آنها را دید ناچار بدام او میافتد لیکن یوسف بمکر و تزویر او متوجه شده و خود را مشغول نماز نموده و دوها را باز کرده و یوسف از شر زلیخا نجات یافته و در ترسیم این صورتهای آنچه را که عادت و رسم ایرانیان در تصویر بوده از پوشاندن روی بیغمبران و برقع گذاشتن بر روی ایشان و احاطه دادن سرهای انبیا را بدایره از نور مشاهده مینمائیم (۳):

در صورت دیگر بعضی از علماء مذهبی و روحانیون را نقاشی نموده که در میان مسجد بمنظره و مباحثه علمی مشغولند (۴). و در صورت مناظر دیگری را در مسجد

۱ - چنانکه در اول این نسخه خطی چهار مسجد رنگین (سراوح) با رنگهای آبی و سبز و در کنار یکی از این صحنه ها عبارت زیر است «عمل العبد ماری الدوب» مراجعه به G. Wiet : L' Exposition persane de 1931 ص ۷۴ و مذهب آن

۲ - مراجعه بنابلوی ۲۳ شکل ۳۱

۳ - مراجعه بنابلوی ۲۲ شکل ۳ و ملاحظه به Arnold: Painting in Islam ص ۱۰۵

و مذهب آن

۴ - مراجعه بنابلوی ۴۵ شکل ۲۲

### نشان میدهد (۱)

در موزه بریتانیا سه صورت در نسخه خطی کوچک از منظومات خمسه نظامی است که اعضای بهزاد بر آن رقم شده و صنعت آن از ابداع و اختراع و دقت نظر بطوری است که مجال زیادی برای شک در صحت و درستی این نسبت نمیکند و دو صورت آن دو میدان جنگ را نشان میدهد که فن نقاشی ایران بجانب تصویر مانند آندو صورت در قوه و نیروی تعبیر و بیان و آزادی فنی نخواهد رسید.

در اینجا صورتهی در نسخه خطی از کتاب بوستان سعدی است که اکنون (مستر شستر بیٹی) دارنده آنست و در بعضی از آن اعضای بهزاد وجود دارد لیکن ما نمیخواهیم در اینجا هر چه را که باین استاد نسبت داده میشود بمورد بیان و اظهار بیاوریم زیرا که ما را فرصت و مجالی برای مذاقسه صحت این نسبت با خطا و اشتباه آن نیست (۲) بعضی از مورخین فنی چنین اندیشیده اند: ( بهزاد) شایسته آنهمه شهرتی که بآن نائل شده است نبوده و حق این است که مشکل است ما در کارهای او از مهارت و زبردستی و توانایی خارق عادت چیزی را بیابیم که شایسته تمام این شهرتها باشد چنانکه در مشکل است او را مؤسس هنرستان یا طرازی نو بمعنای جدیدی که ما میفهمیم اعتبار نمود ولیکن با وجود این بهزاد نقاشی توانا و صورتگری قابل و ماهر بوده که در نزد وی تبدلات و تنوع نقاشی ایرانی و گوناگون شدن این فن در دوره هنرستان ایران و تاتار و هنرستان تیموری بدرجه کمال رسیده او تقدم خود را در این خصوص باعلی درجه امتیاز رسانیده و پس از آن این استاد زبردست توانسته که بقدرت عجیبه و زبردستی و مهارت فوق العاده خود در تناسب فنی و ترکیب نقاشی و رنگ آمیزیها و مراعات اصول طبیعت و ملاحظه بکار بردن نکات و دقائق و اسرار صورت اشخاصی که کشیده و کار نموده آنها را تمامی متناسب با عملیات و حالات روحیه آنها قرار دهد.

۱-مراجعه بنمایوی ۲۵ شکل ۳۳

۲- مراجعه بنمایوی ۲۴ و شکل ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ با Binyon, Wilkinson & Gray  
 ۹۸- ۹۹ و ۱۹۳۱ Wiet: L'Exposition persane de ۷۸- ۷۹  
 ۳-مراجعه به مقاله ای که استاد اشکنودن H. H. Ringhausen در مجله هنر و معارف  
 اسلامیة صفحه ۴۰- ۴۲ از شماره فرانسه نوشته و مطابقی با Arnold: Painting in Islam





و نیز از جمله صور زیبا و ممتاز صورتی است که جمعی از زنان را در خزانه حمام نشان میدهد که برخی از ایشان در حال طرب و شادی بوده و عود مینوازند و یکی از آنان دست رفیق خود را گرفته و او را برای فرود آمدن در آب میخواند و از روزنه ای که ببر که آب و خزانه حمام پیوسته است نظرییگانه بجانب آنها نگران شده و در طرف چپ این صورت باغی است که در آن بدرختهای سرو و نیم درخت های گلداز و پرشکوفه نمودار است. (۱)

امضای قاسمعلی در صورتی از نسخه خطی کتابخانه بودلیان اکسفورد بدست آمده که تاریخ آن ۸۹۰ هجری (۱۴۸۵) است و این صورت جماعتی از صوفیه را نشان میدهد که در باغی گرد هم بر آمده صحبت و اختلاط مشغولند (۲).

در هر صورت صوری که در نهایشگاه ایرانی لندن به نمایش گذارده شده ۱۹۳۱ مؤید مطالبی است که مورخ مشهور (خواند امیر) (۳) از قاسمعلی ذکر کرده و بهارت فوق العاده او را در ترکیب و طرز رنگ آمیزی و طرح و رسم صور اشخاص اظهار نموده.

از جمله کسانی که از شاگردان بهزاد نقاشی اشتراک یافته اند شیخ زاده خراسانی و میر منصور سلطان و آغا میراث و مظفر علی است که عنقریب در فصل آینده از ایشان سخن به میان خواهد آمد (۴).

## هنرمندان بخارا

### قرن دهم هجری

هرات در سنه ۹۱۳ (۱۵۰۷ م) در دست غارتگران و یغماچیان از بلك که در رأس ایشان خان شیبانی بوده سقوط نموده و حاکم هرات که در آنوقت (امیر بدیع -

۱ - مراجعه ب تابلوی ۲۹ شکل ۳۸

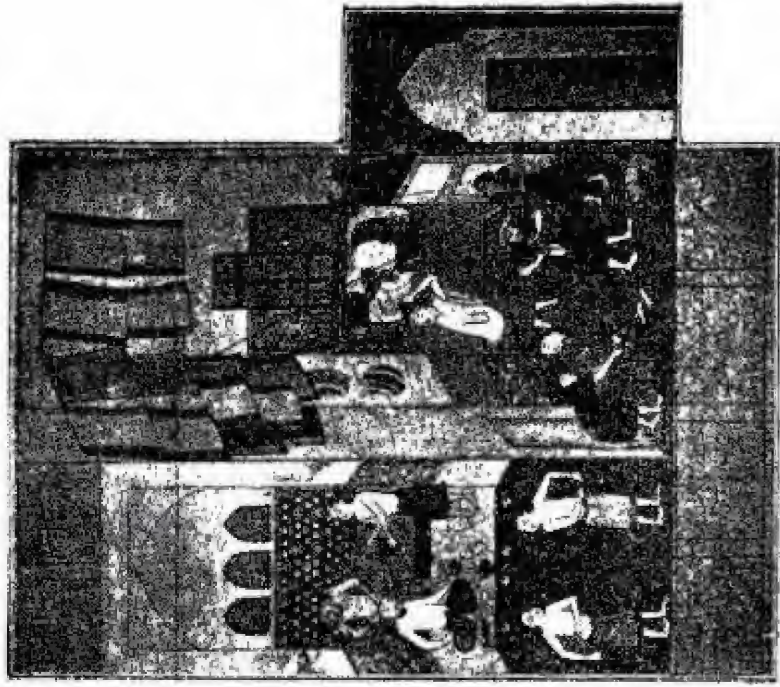
۲ - مراجعه ب تابلوی ۲۰ شکل ۲۷

۳ - مراجعه ب Arnold Painting in Islam Binyon & Wilkinson ص ۱۳۸-۱۴۰

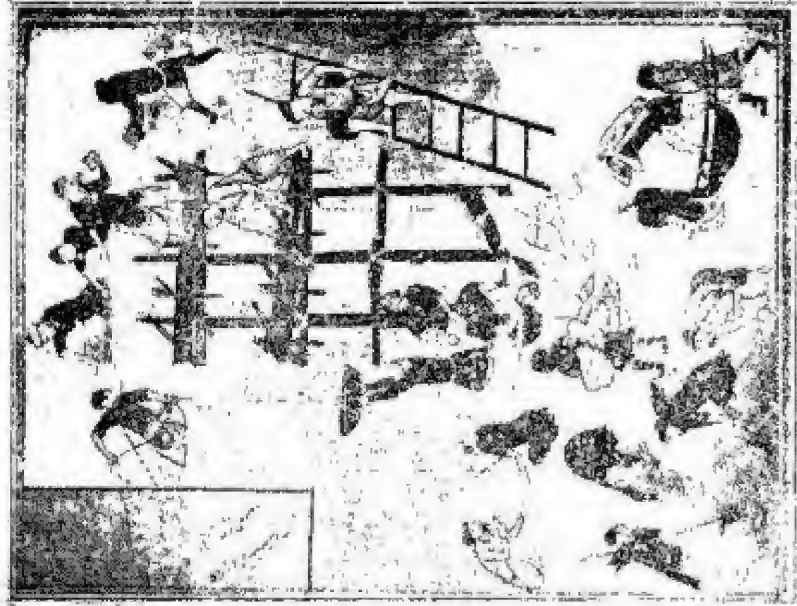
۴ - Gyrrybird ص ۱۹

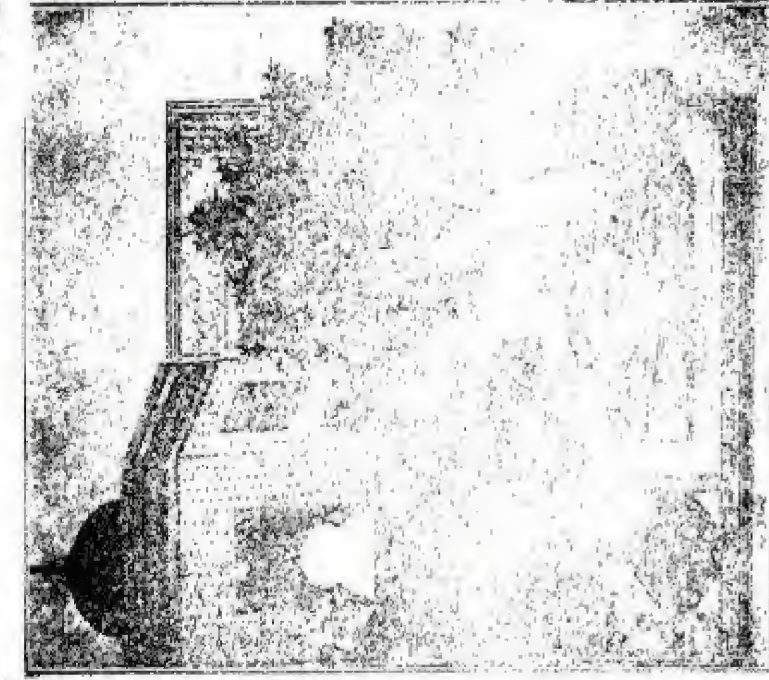
۵ - مراجعه ب Arnod ibid ص ۱۴۱-۱۴۵

شکل ۳۶ منظره در حمام (کرمان)



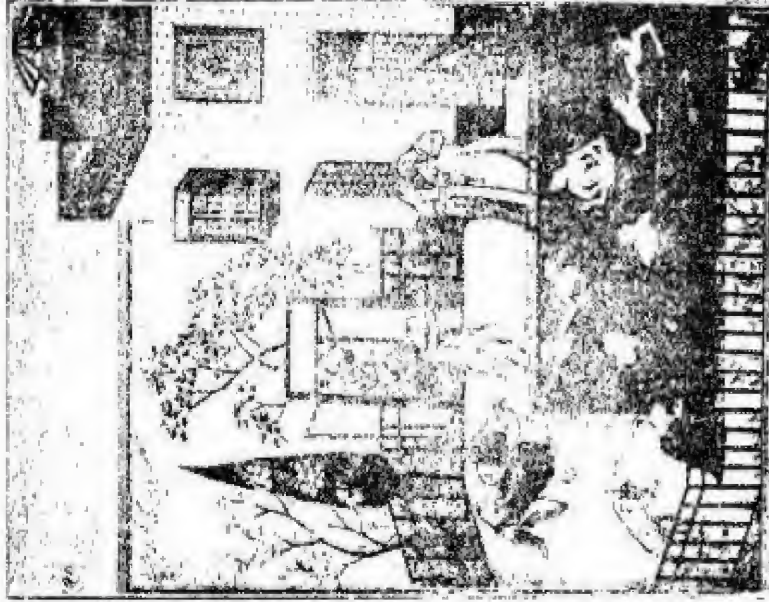
شکل ۳۷ بازی مسجد از نسخه خطی دوره پهلوی





شکال ۲۸ - آموزشگاه فروری آزاد

میرزا - مؤرخه بریتانیا



شکال ۲۸ - مؤرخه بریتانیا

میرزا - مؤرخه بریتانیا





شکل ۴۰ پیرزن و داد خواهی آواز سلطان منچر علی محمود هندوستان بخارا  
گفتاخانه منی پاریس



شکل ۱: سلطان منچر هنرستان بخارا در حال حضور و مشاهده از معرک الاسرا و نظامی  
کتابخانه ملی پاریس







شکریہ و دعا۔ دوبرہ، سرستان، قلعہ، چڑی لکھنؤ، شاہ جہان آباد، مولوی برتھیا



الزمان) بوده به تبریز فرار نمود.

اگرچه سرآمد و رکن ایشان که (بهزاد) بود در هرات ماند در هر حال غلبه و پیشرفت شیعیانی ها چندان دوام نیاورده و طولی نکشید که شاه اسمعیل صفوی بحکومت آنها خاتمه داده و امیر ایشان محمد خان شیعیانی را در جنگ مرو سال ۹۱۹ هجری شکست داد ۹۱۶ هـ (۱۵۱۰ م) سپس خراسان را به تصرفات خود ضمیمه نمود ولی ابن تمدن و ثرقی هرات بآن بایه و درجه باقی نماند. شیعیانی ها که در سمرقند و بخارا حکومت می نمودند از بین رفته و از بلاد ماوراءالنهر چیزی در دست ایشان نماند خراسان هم روی خود را بجانب تبریز گردانیده و بسیاری از هنروران و اساتید فنی بطرف تبریز گرانیده و مهاجرت گزیدند و نیز مردمی زیادی از دیگر مردمان سمرقند و بخارا هجرت نموده و برخی از ایشان در هرات ماندند چنانکه نسخه های خطی چندی که در اوایل قرن ۱۱ (تکث اولی از قرن ۱۶) نوشته شده بر آن دلالت دارد و بر یکی از صور آن نام (محمد مؤمن) رقم شده (۱).

در سال ۹۴۲ (۱۵۳۵) دوباره مقدور شد که از بلك بر هرات استیلا یافته آنجا را غارت کند لذا از یکجا بآنجا تاخت و تاز نموده و تمامی آن حدود را بمعرض تهب و غارت در آوردند و در اثر آن بسیاری از بقایای رجال فنی و هنریشه گان که در هرات بودند ببخارا مهاجرت نمودند، شاید چیزی که آنها را برفتن ببخارا بیشتر تشویق می نمود آن بوده که مردم خراسان بعد از فتح صفویه پیرو مذهب شیعه شدند و از احتیاجی که باین مذهب داشتند پذیرفتار این مذهب گردیدند در صورتیکه شیعیانی ها مانند اسلاف و گذشتگان خود از تیمور و جانشینان او سنی بودند.

آنچه که معروف است تمهذاد تصاویر هنرستان بخارا کم و اندک است ولیکن باوجود این در نمایشگاه صنعتی ایران در لندن ۱۹۳۱ بین اشیاء نمایشی مقداری زیاد از آن تصاویر را بمعرض نمایش گذاشته بودند و بعضی از تصاویر نامبرده کار استاد صورتگر (محمود مذهب) بود که در سر استادان این هنرستان قرار داشته و سرآمد اساتید هنر بوده.

علاوه بر این بدیهتر چیزی را که ما از کار این استاد هنر می‌شناسیم تنها صورتی است که در نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس موجود است و آنرا جهت قسمتی از منظومه خمسه نظامی (مخزن الاسرار) کشیده این نسخدارا در بخارا سال ۹۴۴ (۱۵۳۷) خطاط مشهور (میرعلی) نوشته لیکن تاریخ آن پس از آن است ۱۰۵۳ هجری (۱۵۴۶ م) میباشد که در آن صورت (سلطان سنجر سلجوقی) را کشیده و شاه با حواشی و اطرافیهای خود پراهی روان است و پیرزنی دامن سنجر را گرفته و دادخواهی میکند تا قسمی را که بوی رسیده بازخواست نموده و رفع آن ناروائی را از وی بنماید (۱).

صوری که در نیمه اول قرن دهم هجری (۱۰۶۷ م) در بخارا کشیده شده بواسطه ثابت بودن رنگها و تابش آن و بینداری اثر بهزاد در آنان از دیگران ممتاز گردیده و این موضوع تعجبی ندارد زیرا که هنرستان بخارا جز در طول وامتداد دوره تیموری نبوده و از اولین نمونه آن نسخهای از (بوستان سعدی) است که در کتابخانه ملی پاریس موجود است و نیز کتابی است که در سال ۹۶۴ هـ (۱۵۵۵ م) در بخارا نوشته شده و با تصاویر زیست و آرایش بانیه که شباهت بسیار بکار بهزاد در نسخه بوستان سعدی دارد که در کتابخانه ملی پاریس موجود است (۲).

کتابخانه ملی پاریس در سال ۱۸۷۵ میلادی (۱۲۹۵ هجری) و بعد از آن که جزو کلمه کسبرین (L'Union des Musées Nationaux) گردید و در تاریخ آن مربوط به سال ۹۸۳ (۱۵۷۵) میلادی را در کتابخانه ملی پاریس مشاهده شد و در آن پس از تاریخ و ممتازی است که چهره و سیمای مردم و اشیاء و حیوانات با یکدیگر برخورد و ملاقات میکنند و بر آن امضای استاد (عبدالله نقاش) است که در صورت مذکور تمام مزایا و خصایص فن نقاشی اواخر قرن نهم هجری (۱۵ م) موجود است

۱ - لوحه به شکل ۴۰ و ۱۶ که در آن ملاحظه می‌شود در دور مدرسه بخارا بعمل می‌آید که از کلاههای بلند تراشیده بوده و عمامه در قسمت زیرین خود ادامه دارد. مراجعه بصورت (پیرزن و سلطان سنجر) L. Bayon the Poems of Nizami ص ۱۵  
۲ - Blochet : Les Enluminures - ۲ در تابلوی ۵۷ و ۵۸

حق این است که نقاشی در بلاد ماوراءالنهر دامنه وسیعی نیافته و مدت زیادی در آنجا رونق و جلا نداشته معذالك هنرستان بخارا جمود و وقفه و عدم تنوع و تطور خود را حفظ نموده و در آن فنا و انهم محال و نظوری که در قسمت نقاشی و طرز و اسلوب آن در دوره صفویه از نیمه قرن دهم شروع شده او بحال خود باقی مانده و این وضعیت را محفوظ داشته .

خلاصه بهرطوری که بوده دوره نقاشی بخارا تقریباً در انتهای قرن دهم خاتمه یافته و بلاد ماوراءالنهر از هنر نقاشی ایرانی غریب و بیگانه میشود چنانکه قبل از سقوط و انقراض تیموریان هم آنجا باین فن بیگانه و ناشناس بوده است .

# فصل ششم

## هنرستان صفویه

دوره فرمانفرمائی و سلطنت خانواده صفویه در ایران عصر رفاهیت و روزگار آسایش و خوشگذرانی و فراوانی نعمت و زمان ترقی و پیشرفت هنر و صنعت است در این عهد پیشرفت ها و تحول زیادی در فنون و هنر رخ نموده و صنایع و فنون هراتی عمده را پیموده مخصوصاً هنر نقاشی در نیمه اول حکومت طولانی این دودمان بدرجه بلندی از ابداع و تازه کاری و استواری رسیده و برای آن تعجیبی نیست زیرا که استیاده شاه اسمعیل بهرات (۹۰۷ - ۹۳۰) - (۱۵۰۲ - ۱۵۲۴) و مهاجرت استاید پیشه و هنر بیای تخت شاه در تبریز پس از آن انتخاب و تعیین (بهزاد) از طرف شاه بمدیریت کتابخانه شاهی که در آن وقت شبیه ترین چیزها بیک \* هنرستان پیشه و هنرهای زیبا \* بوده مستازم این گونه پیشرفت بود و گوئیم که اینها تمامی باعث بر تاسیس و ایجاد هنرستان نوینی بود که در سر آن بهترین خوشنویسان و نقاشان و سرامدان هنر قرار گرفته و آنان مابین هنروران هرات گلچین و برگزیده بودند و از اینجهت روابط استواری بین فنون هنرستان صفویه در آغاز پیدایش آن و بین تقلید و تبعیت فنی در دوره ابکه بهزاد و همکاران و هنر آموزان زمان اوبدان برتری و تفوق یافته بودند پیداشده

با این وصف جنگهاییکه همواره شاه اسمعیل بآن دچار و گرفتار بوده بهره و نصیب او را در استوار نمودن این کار و تقویت آسایش پیشه و هنر کمتر از سهم و نصیب پسرش شاه ظهماسب نموده که بعد از وی بر فراز دیهیم و تخت ایران جانشین او گردیده ۹۳۰ هجری (۱۵۴۲ م)



شاه طهماسب تا سال ۹۸۴ (۱۵۷۶ م) در ایران فرمانروایی و شاهی داشته و خودش هم نقاشی زیر دست و توانا بوده و هنر صورتگری را از نقاش معروف «سلطان محمد» فراگرفته و بین او با بهزاد و آغامیرک رابطه‌ای شایسته و دوستی و صداقتی ممتاز و پسندیده بوده (۱)

معروف است که کوچک شماری و استحقاق یا تحقیر و بی‌اعتنائی بنقاشان و هنرپیشه‌گان در خانواده صفویه تقلیل یافته و اهمیت پیدا نمودند در صورتیکه پیش از آن حق آنها ضایع و جاه و منزلت ایشان پست و بی‌اهمیت بوده و اعتنائی باین هنر پیشه‌گان نمی نمودند و این تحول راباعث و سبب چنین شد که امراء و بزرگان رجال دولت و اشراف کشور در جمع آوری عمل و آثار هنرپیشه‌گان پیروی نموده و اهتمام زیاد در نگاهداری آن بخرج میدادند و در دنباله این کار نسخه‌های خطی و زیبا و نفیسی بوجود آمد که هر کدام دارای شماره‌ای بسیار از نقوش و صور بودند (۲)

در نقاشی‌های دوره صفویه شکوه و عظمت این عصر و ابهت و جلال این زمان هویدا و آشکار خواهد شد و بیشتر موضوعی که برای کشیدن تصاویر و طرح صور نقاشی گرفته شده وضعیت زندگانی و چگونگی حیات درباری و ملرز روحیات طبقه اشرافی و رسم کاخهای زیبا و باغات دلگشا و شاداب بوده صور اشخاصی که در این تصاویر ترسیم شده تمامی باقامت‌های رسا و قنرعا و پوششهای فاخر و زیبا امتیاز یافته اند ولی رسوم آنها منتبهی درجه درنازک‌کاری و دقت و تناسب است چنانکه رنگهای آن تنوعی زیاد داشته و آمیزش آن بمناسبت شده و درمیانه آنان رنگهایی روشن و تابان و فرح افزا و درخشان است و از جمله الوانی است که هنرستان تیموری بدان امتیاز و اشتهاز یافته

در این تصاویر رنگهای مناسب و ملائمتر دیگری وجود دارد که در مورد آن

۱ - مراجعه شود به Sakistan : La ص ۱۱۹ و Blochet : notice sur la

Miniature Persane collection Marteau ص ۱۲۲ - ۱۳۸

۲ - مراجعه شود به فصل اول کتاب Painting in Islam سر توماس اراولک

جز توجه بظاهر و برآگزیدن موضوعات صور و تناسب و ترکیب تصویری بطور کلی نیست (۱)

از جمله چیزی که مشخص و مبین نقاشیهای دوره صفویه است مخصوصاً آنچه را که پیوسته بازمانده اوایل آن میباشد لباس و پوشش سر اشخاص است که آن عبارت از عمامه‌ای است که بحالت استداره و گردی درست شده و از بالای آن علامت یا میله کوچکی سرخ رنگی نمودار میباشد و در هر تصویری که وجود اینگونه علامت مشاهده شد دلالت دارد که نقاشی آن مربوط بدوره خاندان صفویه بوده اگرچه بود و نبود غیر آن مستلزم این نیست که صورت مربوط بغیر این دوره و زمان باشد.

ظاهر این است که علامت نامبرده در آغاز کار از شمار افراد خانواده صفویه و بیرون آنها شمرده شده و رنگ این علامت همیشه سرخ بوده چنانکه در تصاویریکه مربوط با اوایل عصر صفوی است این علامت دیده میشود ولیکن اهمیت و لزوم آن چندان دوام نیافته و طولی نکشید که کمی و تقلیل پذیرفت و خود مردم با نقاشان رنگ آن نشانه را در موقعی که قدمت خانوادگی صفویه پایرجاگردید و گذاشته و متروک داشتند چنانکه ترك نموده و برای آن مجال متفاوتی نماند حتی اینکه برای ما ممکن است که هم بعد از وفات شاه طهماسب این علامت را بکمی و ندرت دیده و مشاهده کنیم (۱۹۷۶ - ۹۸۴ هـ)

- از جمله چیزی که قرن دهم هجری (۱۶ م) در تاریخ نقاشی ایران بآن امتیاز یافته وحدت سیاسی دوره صفویه در صنایع مختلفه مابین نواحی مختلفه و متفاوت است که این موضوع در هر جا اختلاف و تفرقه را از بین برده بطوریکه تمیز و تشخیص مابین تصاویریکه در شرق دولت امپراطوری کشیده شده یا تصاویری که در غرب و مرکز کشور تهیه نموده اند مشکل گردیده زیرا استادان فنی و هنروران در تمام اطراف و نواحی یا گوشه و کنار کشور امپراطوری از سرآمدان هنر و نقاشان دربار تبریز و قزوین پیروی و تقلید مینمودند و در این بین جز تفاوتی اندک بین محصولات فنی و کارهای دستی استادان در بخش‌های مختلفه کشور دیده نمیشد.

در آنجا چندین نسخه خطی وجود دارد که تصاویر آن دوره انتقال از مدرسه تیموری هرات را بر زمان شاه اسمعیل و پسرش شاه طهماسب نشان میدهد و از مهمترین نسخه های خطی نسخه ایست که در کتابخانه ملی پاریس موجود است و آن نسخه در هرات برای امیر علیشیر نوائی در سال ۸۹۳۵. ۱۵۲۷م نوشته شده و احتمال دارد که آنچه از تصاویر در این نسخه اضافه شده در تبریز بدست بهزاد و شاگردان آن انجام گرفته باشد (۱)

در موزه « متروپولیتان ایو یورک » نسخه خطی زیبایونفیزی از منظومه خمسه نظامی است که آنرا سلطان محمد نورخوشنویس بزرگ مشهور نوشته و در آن پانزده تصویر کشیده شده که هر کدام بازنگهائی زیبا و تابان شایسته و ممتاز گردیده و بر سوم فنی و تزئیناتی اعلی و آرایشی لطیف و دقیق امتیاز یافته و شخصی نمیداند بکدام يك از رسوم و دقائق پاریزه کارها و ظرایف آن اظهار تمجیب بنماید :

آیا بصورتی که ابلی و مجنون را در مدرسه نشان داده و در آن بیتی بفارسی نگاشته شده که از معلم درخواست میکند : « باین دخترک خرمائی مو که صاحب موی زیبا است جز گفتار خوش و سخنان دلکش و پسندیده که او بدان سزاوار است یاد ندهد » ( ۲ ) یا بیفت صورتی که « بهرام گور » را با هفت شاهزاده خانم « دختران سلاطین هفت کشور » که از دواج نموده و هریک از ایشان را در یکی از هفت گنبد یا کاخهای که هر کدام یکی از رنگهای هفتگانه امتیاز یافته : « سیاه - زرد - سبز - سرخ - صندلی - سفید - گبود فیروزه » ملاقات و دیدن مینماید ( ۳ )

ماترن عمل تصویر این نسخه خطی را به آغامیرک نسبت داده و ساکیان آنرا از محمود مذهب میداند ( ۴ )

۱ - مراجعه به Benyon, Wilkinson & Gray : ibid ص ۱۰۷ - ۱۰۸

۲ - مراجعه به Dimand : A Handbook ص ۳۶ - ۳۸

۳ - مراجعه به Dimand : ibid تابلوی اول و مطابق به

ص ۲۷ L. Benyon : The Poems of Nizami

۴ - مراجعه به Dimand : ibid ص ۳۶ - ۳۸ Sakisian : La Miniature Persane

گذشته از این زیباترین کتاب نفیس ترین نسخه خطی قرن ۱۰ هجری (۱۶م) بطور کلی نسخه ایست که شامل منظومهٔ خمسة نظامی شده که آنرا بین سالیان ۹۴۶-۹۵۰-۱۵۳۹-۱۵۴۳) برای شاه طهماسب نوشته اند و بقلم خوشنویس و خطاط مشهور شاه محمود نیشابوری نوشته شده این نسخه به چهارده صورت و بمجلس بزرگ و زیبای شمرده زینت شده و از نفیس ترین آثار تاریخی هوزه بریتانیا از نقایس شرقی شمرده میشود و چندان تعجیبی ندارد که آن از انفس نقایس شرقی شمرده شود زیرا که بر آن امضاهای بزرگترین اساتید فنی و سرامدان هنر دوره صفویه که از آن جمله : سید علی - سلطان محمد - میرک - میرزا علی - عظیم علی است رقم گردیده - صفحات این نسخه تمامی بهوامش و حواشی تذهیب شده که در آن نقش و نگارنمایی و رسوم حیوانات طبیعی و خیالی وجود دارد در اغلب صوریکه در این نسخه کشیده شده بر آنها امضاهایی است که گاه میشود از نگارش نویسندگان خود استادان فنی و سرامدان هنر نبوده و شکی نیست در اینکه اساتید مذکور با آنها معاشر بوده اند و ممکن است که بصحت این امضاها و توق پیدا نمود اگرچه استبعاد ندارد که تمام صورتها بقلم يك نقاش انجام گرفته باشد .

استاد بنیون Laurence Binyon این تصاویر را با تحقیقات و تتبع کاملی در موضوعات منظومهٔ خمسة نظامی نشر داده (۱)

بنج صورت از تصاویر این نسخه را به میرک نسبت میدهند و واقعش این است که مصادر تاریخی ایران و ترک سه نقاش را باین اسم نام برده اند :

اول - خواجه میرک که در هرات اواخر قرن نهم هجری (۱۵ م) زندگانی مینموده و در زمان استیلاء محمد خان شیبانی بر هرات در آن شهر وفات یافته

دوم - حاج میرک است که از خوشنویسان و خطاطان بخارا بوده

سوم - که از همة آنها مشهورتر است آغاء میرک اصفهانی اصل است که در دربار

شاه طهماسب در تبریز کار میکرد و باو صوری را که بنام وی امضا شده دو نسخه خطی



که ما در صدد آن هستیم نسبت داده اند (۱)

سام میرزا برادر شاه طهماسب در سنه ۹۵۷ - (۱۵۵۰ مینویسد آغا میرک نقاش دربار است که تالی ندارد و برای آن هیچ رقیبی نیست و انانی مورخ ترک ذکر میکند که آغا میرک شاگرد بهزاد بوده و دوتفر از کبار مصورین و سرآمدان هنر نزد او کار کرده و درس خوانده اند - آندریکی : سلطان محمد تبریزی است که بزودی از آن نامبرده میشود - دیگری ، شاه قلی است که در دربار سلیمان خان قانونی کار مینموده

شکی نیست که مهارت و استادی و زیر دستی و استادی آغا میرک و مراتب آگاهی و دانائی او در فن نقاشی در این صور پنجگانه که یکی از نمایش کسری انوشیروان را داده که شاه کوش بگفتار دوجفای میدهد که پایکدیگر روی خرابه های کاهی کهن سخن میرانند و نقاش آنها را بطرزی روشن و آشکارا نشان داده که بخوبی جالب نظر و توجه است و در صورت دوم دیده میشود که همچون ، ایلی را در در صحرا دیدن نموده و گرداگرد همچون را حیواناتی از درندگان و وحوش بیابانی فرا گرفته و استاد صورتگر صورت آنان را در نهایت دقت با ظرافت و زیبایی زیاد کشیده و در بین این سه صورت باقی مانده منظری است که در بار شاه و انجمنهایی را نشان میدهد که در آنان آثار عظمت و جلال نمودار است (۲)

در این نسخه دو صورت و ابراهیم سلطان محمد نسبت داده اند ، اول صورت خسرو است که ناگهانی در حالت تن شوئی و استحمام بیالای سر (۳) شیرین رسیده و دومی بهرام گور است که بشکار شیر مشغول شده و این دو صورت برای متانت و قوت ترکیب و رنگ آمیزی کافی است که بالاتر از آن در این مورد تصور نمیرود و نیز مراقبت و دقت زیادی در این دو صورت نسبت به تناسب آن با طبیعت و مراعات اصول طبیعی با مهارت فوق العاده در رسم صور آدمی و حیوانات مخصوصاً اسب بعمل آمده و در خود نسخه تصویر دیگری است که میرزنی را مینمایاند که از سلطان سبخر دادخواهی

۱ - مراجعه شود به Sakisian : La Miniature Persane ص ۶۰۹ و ما بعد آن

۲ - مراجعه به پهلوی ۳۶ شکل ۴۲

۳ - مراجعه به پهلوی ۳۵ شکل ۴۹

نموده و از سلطان میخواهد ثابتی که باو رسیده رسیدگی و دادرسی نماید.

حیواناتی که در این صورت کشیده شده با تفصیل دیگران مارا و اداو نمینماید

که با استاد ساکسیان در نسبت دادن آن سلطان محمد موافقت نمائیم (۱)

علاوه بر این ناقصی از تاریخچه زندگانی این اسناد را میشناسیم مخصوصا

بعد از اینکه ساکسیان اشتباه چیزی را که هارتن (۲) از وی نوشته بشود رسانیده در

هر صورت تصویری که بنظر ما رسیده متضمن این است که حرفهای زیادی در باره

آن بگویند.

شاید بدیعترین صورتی را که سلطان محمد تصویر نموده و حرکت دارتر

و سبکروح تر از همه و خوش طرح تر از تمام کارهای او صورتی باشد که در نسخه خطی

از دیوان حافظ کشیده.

استاد نامبرده در این تصویر مجلس بزم و باده گساری را نمایش داده که در آن

بیاله هادوزرده و مردمی بعیش و نوش مشغول و دیگران بحالت رقص و طرب در آمده

و بعضی از قرط شعف بروی زمین میفلطند و اشخاصی دیگر دیده میشود که از اثر باده

بحالت مستی در آمده و کف باب آورده اند و شیخی را نشان میدهند که آینه در دست

گرفته و صورت خود را می بیند و فرشتگان نیز در کار باده نوشی شرکت نموده

و از کنگره ای که مشرف بر دیگران است اشتراك میجویند در حالیکه نوازندگان همه

را بطرب آورده و بین آنان سه صورت دیده میشود که شبیه تر از هر چیز بصورت

بوزینه بوده و در گوشه از این تصویر منظره باغی است که بغرفه پیوسته و اتصال دارد

و در آن مردی ایستاده که در دست او رشته درازی است که از طرفی يك سر آن بساق

بای وی پیچیده و سر دیگران بایریقی از نوشابه (شراب) بسته و پیوسته است (۳)

از جمله چیزیکه سلطان محمد نسبت داده اند صورتهای شاهنامه مشهور است

که اکثرن در کلکسیون (مجموعه) بارون دی رو تشاید است این نسخه دارای ۲۵۶

۱ - مراجعه بنایلو ۵۷ شکل ۴۸

۲ - مراجعه شود به Sakisian : La Miniature Persane ص ۸۸۰

۳ - مراجعه بنایلو ۳۸ شکل ۴۹



چون و کشایمین آن بجانب منزل لیلی عدل میر سید علی نقاش - هنرستان صفویه  
۹۴۶ - ۹۵۰ از مجموعه شطرنج نظامی شاه عباس در موزه بریتانیا





شکل ۵-۴- معراج (هنرمندان صفویه قرن دهم هجری) از نسخه نظامی شاه طهماسب در دوره پرتغالی





شکل ۶- آمدن خسرو بالای سرخسیرین در حالت تن شونی از شاهان معبد قاش - غرستان  
 سفویه از نسخه خطی نظامی شاه ماهیاسب در مورد پریشایا



شکل ۴۷ - مجلس وعظ از شیخ زاده منصور - هنرمندان صفویه در نیمه اول قرن دهم هجری  
مجموعه کاریشه





شکل ۴۸- پیرزن و دادخواهی از سلطان منچر - دل سلطان محمد افشار - شهرستان مهاباد (۱۹۴۶ - ۱۳۵۰ هجری)  
نسخه خطی نظامی شاه عباسی در موزه بریتانیا



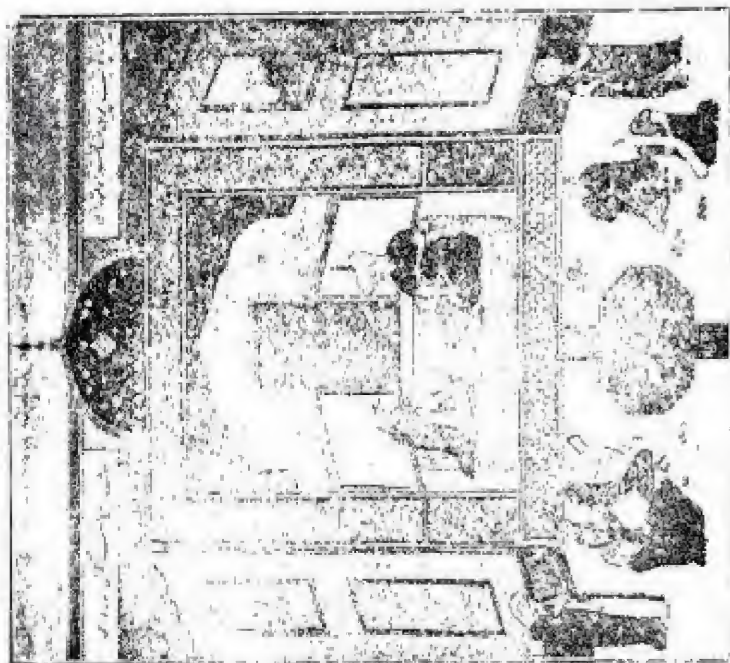
شکله ۱۰ - مجلس پادشاهی اوسلطان محمد افغان - هنرستان هندوستان در آغازین دهم هجری - مجموعه کاریکاتر



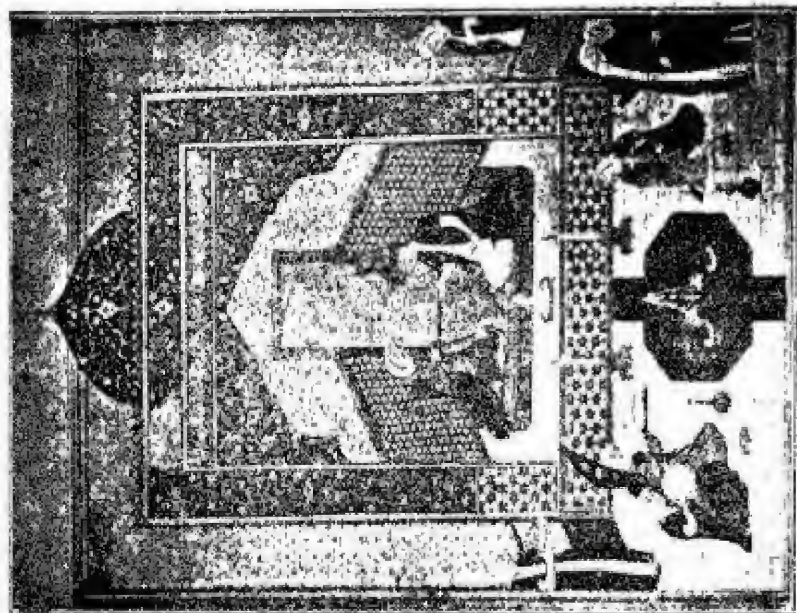


شکلی - صورت امیر اوسطغان محمد قاضی یا خیرستان او در حدود سال ۱۳۵ هجری  
کاخگاه بعلی نشین کی داد





شماره ۵۳ - بهرام گور با یکی از یاتوران خود در تاج سیاه  
عمر: حدود ۹۳۲ هجری از اسفند عظمی کتابخانه ملی  
پارکس منظومه میر علی شیراوانی



شماره ۵۴ - بهرام گور با یکی از یاتوران خود در تاج سیاه  
عمر: حدود ۹۳۲ هجری از اسفند عظمی کتابخانه ملی  
پارکس منظومه میر علی شیراوانی





شکل ۵: منظره دهانی (رنگی) جبل محمدي نقش موزه تهران



تصویر بزرگ است که در بین آنها مناظر بسیاری از صید و شکارگاه و میدان جنگ و کارزار دیده میشود.

بطوریکه برای ما معلوم شده یکوقت سلطان محمد مدبریت هنرستان نقاشی باجمع فنون جمیله تبریز را عهده دار بود و او ضمناً ببقای فنون آرایشی و تزیینی توجه نموده و نقشه قالیچه ها و ظروف را میکشیده و تاثیر طراز و اسلوب فنی و صناعت او در اشکال انسانی که بر عتسوجات و پارچه های ابریشمین ایرانی در قرن دهم هجری (۱۶م) بکار گرفته مشاهده مینماییم.

از جمله کسانی که جزو نقاشان درباری شاه طهماسب اشتباه یافته اند مظفر علی است که از کارهای او دو صورت در کتابخانه «لنین گراد» وجود دارد و صورتی هم در نسخه خطی موزه بریتانیا سابق الذکر است که تصویری از بهرام گور کشیده که بیک تبر گوش گورخر را بسم آن دوخته تا اینکه برای دلبر خود (آزاده) مهارت و زبردستی و توانائی و قدرت خود را در کارشکار معلوم داشته و خاطر نشان او نماید.

مظفر علی شاگرد بهزاد بوده و برتری و بالادستی او در رسم و تصویر سورا شخص بدوست داشتن رنگ طالائی و بکار بردن آن در نقاشی محرز و ممتاز گردیده و این استاد نقاشی های لازمه و تصاویر قصر شاهی و تالار چهل ستون را در اصفهان عهده دار بوده (۱) در آنجا دو نفر نقاش ماهر بوده اند که برای ایشان ازمیشتی بخصوس است و آن دو یکی میر سید علی و دیگری عبد الصمد است که دوزی مہرا در پیدایش هندی و ایرانی در دربار هند بازی نموده اند.

میر سید علی اصلاً تبریزی بوده و در تصویر نسخه خطی خدمه نظامی که برای شاه طهماسب درست شده و اکنون نسخه مزبور در موزه بریتانیا موجود است دست باری و همکاری نموده و او در آن کتاب تصویری را کشیده که نماینده پیرزنی است که همچون را بجانب سر برده لیلی میکشاند او همچون را به طنائی بسته و کودکان بوی سنگ میزنند لیلی نیز در جلوی خیمه خود نشسته او را می بیند. او در این تصویر خیمه های دیگری

دیده میشود زمانی که در آن خیام و سرایرده جا دارند و بکارهای پراکنده خانه‌داری و غیر آن مشغولند و نیز شبانه‌نی دیده میشود که گله از گوسفندان را میچرانند و در دست یکی از شبانه‌چله‌ایست که میرسد و شبان دیگر بنواختن نی مشغول است (۱) و ظاهر این است که همایون امپراطور مغول در هند دو استاد مشهور و نقاش معروف میرسید علی و عبدالصمد را در تبریز دیده و آنوقتیی بوده که همایون با آنها پناه آورده و در دربار شاه طهماسب میزیسته و نیز بعد از محروم شدن وی از تخت و تاج هند بوده.

همایون را شکفتی عجیب از کار میرسیدعلی پیدا شده و باو ناصر الملك لقب داد. این دو نفر نقاش بعدها با میر کابل پیوسته و در آنجا عمل ۱۶۰۰ تصویر بزرگ را برای قصه افسانه امیر حمزه ایرانی (روزمحزه) ترتیب داده اند (۲)

همایون و پسرش بهترین سرمشق را در تصویر و فن نقاشی از میرسیدعلی و عبدالصمد گرفته و یکی بعد دیگری کار هنرستان نقاشی را که امپراطور اکبر تأسیس نموده بود به ملک‌شاگردانی از هندو اداره مینمودند و آنها در رسم صوری که همایون خواسته بود تشریک مساعی بخرج داده‌اند، ما عده زیادی از این صور را که روی پارچه و قماشها کشیده شده دیده‌ایم که اغلب آنها در موزه وین محفوظ است (۳)

از شاگردان هندو که این هنر را از آنهاستاد فرا گرفته اند و تقریباً در وقت و بازو آن بعد کمال رسیده و نبوغ یافته اند ظن قوی آن است که میرسیدعلی یا عبدالصمد یا آندو با یکدیگر پرده بزرگی را که در آن تصویر افراد خاندان تیمور است برای همایون طرح و ترسیم نموده‌اند و پرده مذکور اکنون در موزه بریتانیا محفوظ است و بر پارچه مانند صور افسانه امیر حمزه رسم شده ولیکن حالیه بطریقی شایسته و واضح روشن نیست تا در رسیدگی و تحقیق آن بتوان دقت و توجه نمود.

در اینجا آنچه که برای ما باقی مانده پیش از پایان این فصل آن است که اشاره

۱ - مراجعه بابلوی ۳۳ شکل ۵۴

۲ - مراجعه شود به Percy Brown: Indian Painting Under the Mughals

ص ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۴ و Sakisian: La miniature persane ص ۱۱۶ - ۱۱۷

۳ - مراجعه شود به Die indischen miniaturen des Haemzae Romants

hrsg. von H. Glück, Wien 1925

بنقاشی نمائیم که از مصور محمدی است این استاد فن نقاشی را از پدر خود سلطان محمد فرا گرفته و در کشیدن صور منظر رقی و تصاویر دهائی و برزگری و برادر خویش فرونی و برتری یافته و در حقیقت بیشتر چیزی که از کار محمدی بنظر ما رسیده مربوط باوضاع دهکده و مناظر طبیعی است و شاید بدیعترین تصویر آن برده نقاشی باشد که در هوزه لوور محفوظ است و مربوط بسال ۹۸۶ هـ - ۱۵۷۸ میلادی است و این تصویر نواحی مختلفه‌ای از زندگانی دهائی را نشان میدهد و در آن صورت زارعی است که زمین را شخم زده و زراعت میکند و زارع دیگری است که در زیر درختی نشسته و پرندگان بالای سر آن درخت قرار گرفته اند و در نزدیکی آن دو تن شبانی است که بیاسبانی کله از گوسفندان مشغول شده و در دست یکی از آن دو نالی است که در حال نواختن است و در آن صورت دو خیمه دیده میشود که در میان خیمه هائونی هستند که بعضی دوک دو دست گرفته و جلّه میریسنند و بعضی پارچه میبافند و این رسم مانند دیگر ترسیمات (محمدی) تمامی رنگین نبوده بلکه کمی از آن دارای رنگ سرخ در سنگها و صور حیوانات است. (۱)

اما نقاشان دیگر که خبر اشتغال و کار داری آنان در زمان شاه طهماسب پدید آمده در اینجا ما را مجالی برای تحقیقات حال ایشان بطور تفصیل نیست و همین بس است که ما بنام بزرگتران ایشان و معروفین و برجستگان آنان اکتفا نمائیم، ازین ایشان : سید پیر نقاش و شاه محمد و دوست محمد و شاه قلی تبریزی است (۲)

۱ - مراجعه شود به Schoukine: Les Miniatures Persanes ص ۵۱

۲ - مراجعه بکتاب استاد ساکیان برای شناسائی تراجیم مصورین و نقاشان

# فصل هفتم

## عصر شاه عباس و جانشینان او

### رضاعباسی و تأثیر اروپائی

شاه عباس بزرگ از (۹۸۵هـ - ۱۰۳۸ تا ۱۰۴۸ هجری - ۱۶۲۹ میلادی) در کشور ایران حکومت و شاهی داشته هنگامی که او بخت نشست تجزیه و انحلال یا فنا و زوال سراسر این کشور را تهدید می نمود ، شاه عباس در شکست و هزیمت دشمنان خود موفق شد که گرد و غبار را از چهره و رخسار این مملکت پاک نماید و اسباب آبادی و عمران را در آن فراهم ساخته سزاوار قدردانی و سپاسگذاری رعیت خود گردد و نام او در تاریخ ایران نکته و رمزی از مجد و عظمت و آسایش و راحت و خوشگذرانی و امنیت باقی گذارد .

شاه عباس در سال ۱۰۰۹ (۱۶۰۰) پایتخت ایران را باصفهان برده و بر زیبایی و دلگشایی این شهر در اثر بریدن کوها و هموار نمودن راههای زیاد و بر پا نمودن عمارات عالیّه افزوده و خوشنویسان و مذهبیین و نقاشان عالی مقام را بجانب آنجا کشانیده ، اصفهان را جایگاه دانش و فنون و پیشه و هنر نمود ، او پایتخت را بجنوب کشور انتقال داده و آنرا بدریای آزاد نزدیک گردانید ، روابط با هندوستان و عمالک باختر را در آنجا ترقی و رشد و نما داده و ایران را بسفر او فرستادگان مخصوص و دستجات اعزامی از کشورهای مختلفه اروپا و انمود و معرفی کرد تجویز شاه و رخصت با اجازه حکومت او بازرگانان و جهان گردان را برای آمدن باین کشور و دیدن و بهر مند شدن از مزایا و مناظر آن تشویق نمود و بطوریکه بسیاری از ایشان یادداشتهایی در آن دوره و زمان از خود نگاشته و گزارش گردش و سیر و سیاحت خویش را بیادگار گذاشته اند و در این آثار شکفت و حیرت خود را بشهت بلاد ایران و پیشرفت های مهم این کشور وصف کرده و عادات و وضع سلوک و تقالید و اخلاق و رسوم را که دیده اند



بمورد بیان آورده و از برخی صور بدیعه و نقاشی های ممتاز و گزیده که در دیوار کاخها بآن زینت و آرایش شده بود سخن رانده اند. (۱)

در حقیقت شاه عباس توجه زیادی بتصاویر و نقش و نگار ابنیه و عمارات داشته که از آن صور بدیعه هنوز در دو کاخ سلطنتی اصفهان باقی و پایدار است. (۲)  
در این تصاویر بسیاری از رسوم بطرح و اسلوب طراز نقاشی اروپا دیده میشود که با نقاشی ایران قرین و مجاور گردیده و محتمل است که جزو صنعت و کار پوچنا هلندی باشد که سالهای چندی در خدمت شاه عباس بوده (۲) وای ما می بینیم که آخر دوره صفویه بشنوع محصول فنی و رنگارنگ شدن فنون و هنر امتیاز یافته زیرا پیدایش تاثیر فنی اروپا استادان ایرانی را از میدان تذك کتابت و تصویر و کار تذهیب کتاب بسیدان های بهنور دیگری وارد کرده که در ترسیم صور مستقله و آرایش و تزیین ابنیه و دیوارها گرد آمده اند و بسیاری از آن نقوش و صور در دیوارهای عمارات و ابنیه آترمان هم اکنون بخوبی دیده میشود.

گذشته از این نقاشان آترمان توجه زیادی بتقاشی نسخه های خطی گرانها و تذهیب آن ننموده بلکه کشیدن تصاویر را با قلم بدون هیچگونه رنگ ترجیح داده و عمل سیاه قلم را معمول نمودند مگر اینکه بندرت بروش سابق رفته چون عمل ناوای آنها کم خرج تر بوده و نقاشی را بدلهای مردم نزدیکتر مینمود و آشنایی و رغبت ایشان بآن زیادتر گردیده و در تقویت و پیشرفت آن اقدام نمودند و این کار تنها جهت در برابران و رجال دولت نبوده بلکه دیگران هم در این خصوص تشريك مساعی مینمودند ولیکن تمام این اهتمامات شکست و انحطاطی را که باین پیشه و هنر روی داده بود چاره نمینمود و بعدها دربارهم همراهی و نگهداری زیاد از نقاشان و اهل هنر نکردند بعلاوه مردم هم از تقویت و تشویق و مددکاری ایشان خودداری نمودند

۱- مراجعه به Th. Herbeet; Description of the Persian Monarcy و کتاب J. Chardin Voyages en Perse (Amsterdam) 1711

۲- مراجعه شود به J. Daridan et S. Stelling-Michaud; La Peinture - Sèvevide d' Ispahan (Paris 1930)

۳- مراجعه شود به Binayon, Wilkinsno & Gray; ibid ۱۵۴

لذا بسیاری از نقاشان در کار کردن از برای خود ناچار شدند، این موضوع باعث شده و معلوم می‌دارد که نسخه‌های خطی مصور و گرانها بعد از نیمه قرن دهم هجری رو بکمی و ندرت گذاشته و تقریباً از دیادصور و نقوش وضع تجارتی و کسبی بخود گرفته و بدون توجه و مراقبت زیاد در جواب تقاضای خواستاران که سرمایه‌دارانی اندک و فروتنی و افتادگی زیاد داشتند کارهایی انجام می‌گرفت.

اما شناسایی ایرانیان بصاویر اروپائیان و نقاشی آنان مربوط باوایل قرن دهم هجری (۱۶ م) میشود چنانکه گزارش آن از البوم کتابخانه ملی پاریس بخوبی مشاهده خواهد شد که در آن بسیاری از رسوم و نقاشی دور (Dürer) آلمانی تقلید شده و احتمال دارد که آنها را مبلغین مسیحی یا تجار و بازرگانان حمل و نقل نموده باشد (۱).

دو مصادرا دی و تاریخی از نقاشانی که تصاویر اروپایی و طرز کار آنها را تقلید نموده‌اند یاد آوری شده مانند شیخ محمد شیرازی که در کتابخانه شاه اسماعیل میرزا (۲) کار می‌کرده (۹۸۵-۹۸۴) (۱۵۷۶-۱۵۲۸ م) پس از آن بخد مت شاه عباس پیوسته ولیکن تاثیر صنعت غرب (اروپایی) در نقاشی ایرانی بطئی بوده و بکندی پیش رفته ظهور آن ابتدا در اختیار موضوعات و انتخابش زیاده‌تر از هر چیز در اسرار و دقایق اصل صنعت بعمل آمده بطوریکه ممکن است ما بگوئیم نقاشان ایرانی از کار و کردار نقاشی اروپایی اقتباس کرده و چیزهای زیادی را از آنان پیروی و تقلید نموده‌اند ولیکن ایرانیان از تفسلی آنها چیزی را که شایسته و سزاوار بیان باشد هضم نموده و بخود نگرفته‌اند مخصوصاً در نقاشی کتاب‌های خطی پیروی از روش و اسلوب قدیم کرده و با تقلید نمودن از هر طرز جدیدی مقاومت و پافشاری مینمودند. اگرچه تصاویر ایهت و اهمیت اولیه خود را از دست داده و بسیاری از متخصصین فنی نمیتوانستند چیزهای تازه‌ای بیازند و تصرف بالبدایع بنمایند لذا بتقلید صور موجوده از مخطوطات

۱- مراجعه شود به Basil Gray: Persian Painting ص ۸۳

۲- او شاه اسماعیل صفوی اول (۱۵۰۱-۱۵۵۲) نیست چنانکه استاد گرای (Gray) (ص ۸۴)

(Ibid) تصور کرده بلکه شاه اسماعیل دوم ملقب بادل است. مشایق Arnold: Painting in Islam

ونسخ قدیمه بطور تقلیدی نامعلوم اکثفا نمودند چنانکه ما این طرز را در تصاویری که در نسخه خطی منظومه یوسف و زلیخا کشیده شده و تاریخ آن ۲۹۰ (هـ) ۱۶۱۹ م است ملاحظه مینماییم و هم اکنون نسخه آن در (دارالانوار العربیه) (۱) موجود است و در نقشه های نسخه خطی دیگری که در این موزه محفوظ است (۲) و شامل کتاب مشنوی جلال الدین رومی میگردد در یکی از صفحات این نسخه که جزء دفتر اول از آن کتاب است تاریخش این است که در سلخ شهر رجب ۱۰۱۲ هجری تمام شد (۱۶۹۴ م).

اما رسما و صور مستقله ای که جزء افتخارات و امور مهمه این عصر است بعضی اوقات شناختن تاریخ آن بدقت مشکل است زیرا که در این بین تغییراتی طبیعی در طرز و روش این نقوش و رسوم پیدا شده مخصوصاً از وقتی که برتری و امتیازات در تصویر نسخه های خطی (محمدی) نقاشی شروع گردیده که ما در فصل گذشته راجع بآن شرحی نمکاشته و در اطراف کار او میانتهی نمودیم این اسلوب همواره جاری و معمول بوده و از آن پیروی میشد تا اینکه نقاش بزرگ و استاد بلند پایه (رضای عباسی) پیدا شده و آنرا بدرجه اعلی از ترقی و پیشرفت رسانید چیزی که هست پوشش سر و عمامه و کلاه کمک زیادی بها در باره تشخیص تاریخ این صور و رسوم مینماید که در نیمه قرن دهم درست شده (۹۶ م) و نیمه قرن ۱۱ هجری هم بدینگونه است زیرا که عمامه در قرن دهم (۹۶) بجهنم خود افزوده تا اینکه در آخر دوره شاد طهماسب خیالی ضخیم و بزرگ گردیده و ضمناً عمامه های دیگری بظهور آمده و هائی بستم که جوانان شوخ و شنگ و زنان و قریب و طناز در رسوم و نقوش و پرده و تصاویر این عصر پیدا شده اند صاحبان تصاویر در عمامه های خود گلبا و شکوفه های که دارای بوته های ساق بلند است داشته یا اینکه در اطراف سر دستمال یا روسری هاند زنان دارند و گاهی جامه هائی پوشیده اند که با آن عمامه و دستار لوک نیز (مخروط) دیده میشود و در اول نیمه دوم از قرن باز دهم هجری (۱۷ م) بسیاری از مردها عمامه و کلاه های از

پوست گوسفندان بر سر مینهند که بشماری از آن آویزان بود (۱)

از جمله چیزی که در نقاشی و رسمهای مربوط به قرن یازدهم هجری (۱۷ م) دیده میشود تبدل و تغییری است که در تصاویر اشخاص بظهور آمده و شخص تقریباً جز قامت های رسا و اندام رعنا نمی بیند و طرح و وضعی که خالی از تکلف است مشاهده مینماید بطوریکه در این صور اهمیت اشخاص را زیاد نموده و عدد افراد را تقلیل داده مثلاً دیده میشود که در يك صفحه صورت یک نفر یا دو نفر کشیده شده در صورتیکه در قرن پیش تمام صفحه ها از یک عدد زیادی از صور پهلوانان و اتباع و تماشاچیان و غیره پر بوده \*

هم بدینگونه اساتید فنی آرایش های مرکب و تزیینات مختلفه را که در دوره های گذشته بآن اشتهار داشتند ترك نموده و بآرایش متن و زمینه تصویر بنیمدرخت های کوچک بابونه و شاخه های گلدار تنها اکتفا کرده و باین وصف رسوم و تصاویر انسانی در میانه آنها پیشرفت نموده و موقعیت و مقام اشخاص در نقشها ظاهر و آشکار میگردد چنانکه شوخی و مداعبه و کارهای تمسخری بطوریکه در عمل کاریکاتورهای جدید معمول است در آنان بظهور رسیده .

در موزه «متروپولیتان نیویورک» در نسخه خطی از شاهنامه است که بزمان شاه عباس مربوط است و در آن صورتهای زیادی دیده میشود .

نسخه اول تاریخ آن ۹۹۶ هجری (۱۵۸۷-۸۱۵) است که در آن چهل تصویر بزرگ کشیده شده در صورتیکه نسخه ثانی تاریخ آن از سال ۱۰۱۴ تا سال ۱۰۱۶ است (۱۶۰۵-۱۶۰۸) و در آن ۸۵ صورت بزرگ وجود دارد که بقلم استادان ناشناخت و غیر معروف انجام گرفته .

اسناد دیمند (Dimand) عقیده دارد صور اشخاص و مناظر طبیعی که در این دو نسخه کشیده اند از اصل طبیعت نقل شده و در آنها بسیاری از اوصاف و مشخصات صوری دیده میشود که منتسب بآستاد معروف «رضای عباسی» است (۲) . در واقع

۱- مراجعه شود به : Bunyon; Wilkinson & Gray : ibid ص ۱۵۵

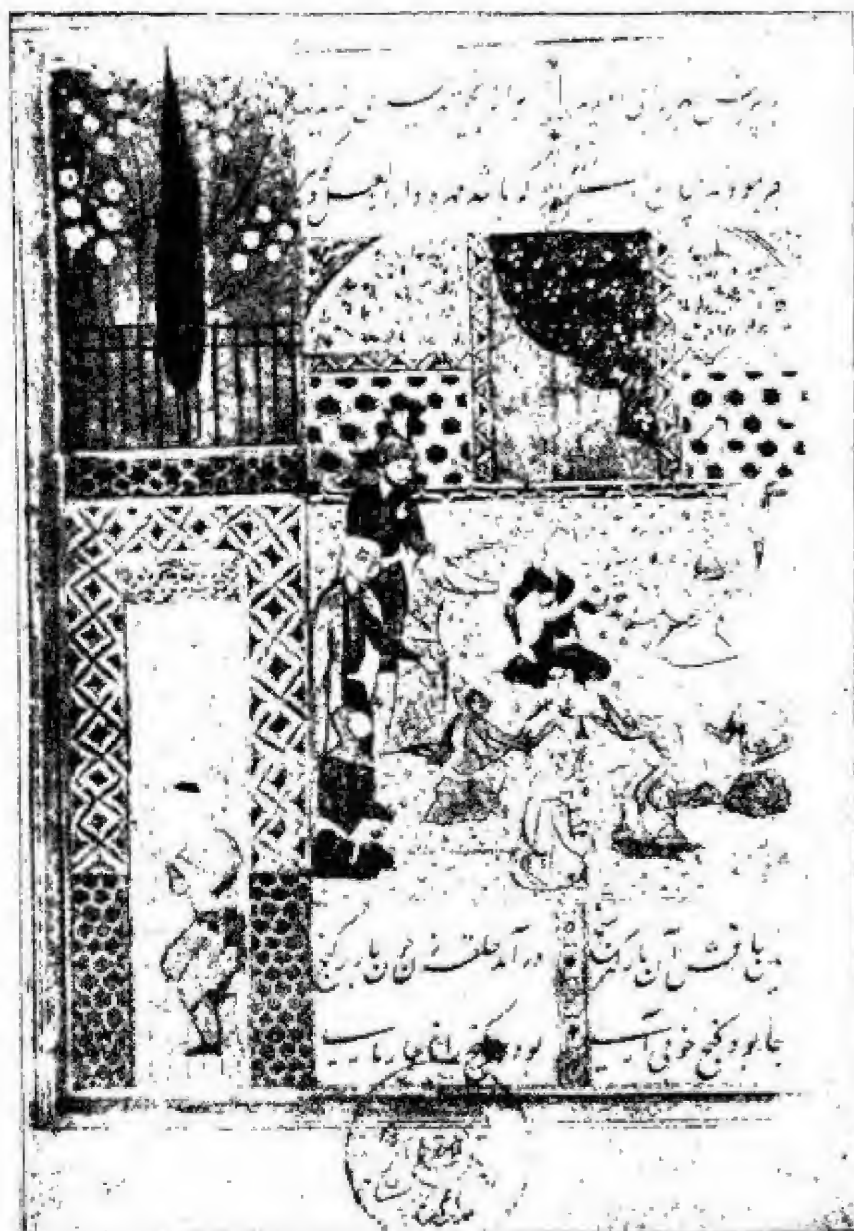
۲- Dimand A Handbook ص ۴۶

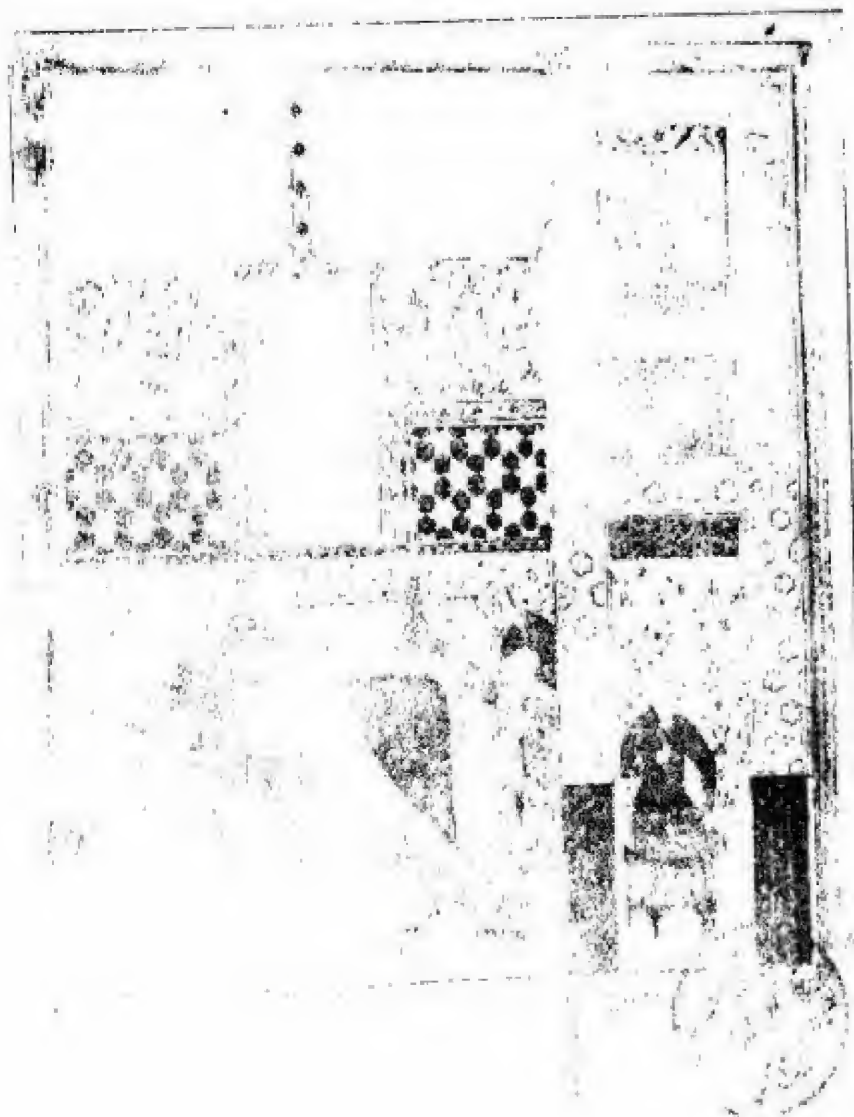
۳- مراجعه شود به :



باز منم که گویم که در این دنیا  
 می‌دانم که رقص الی است و در میان جبه





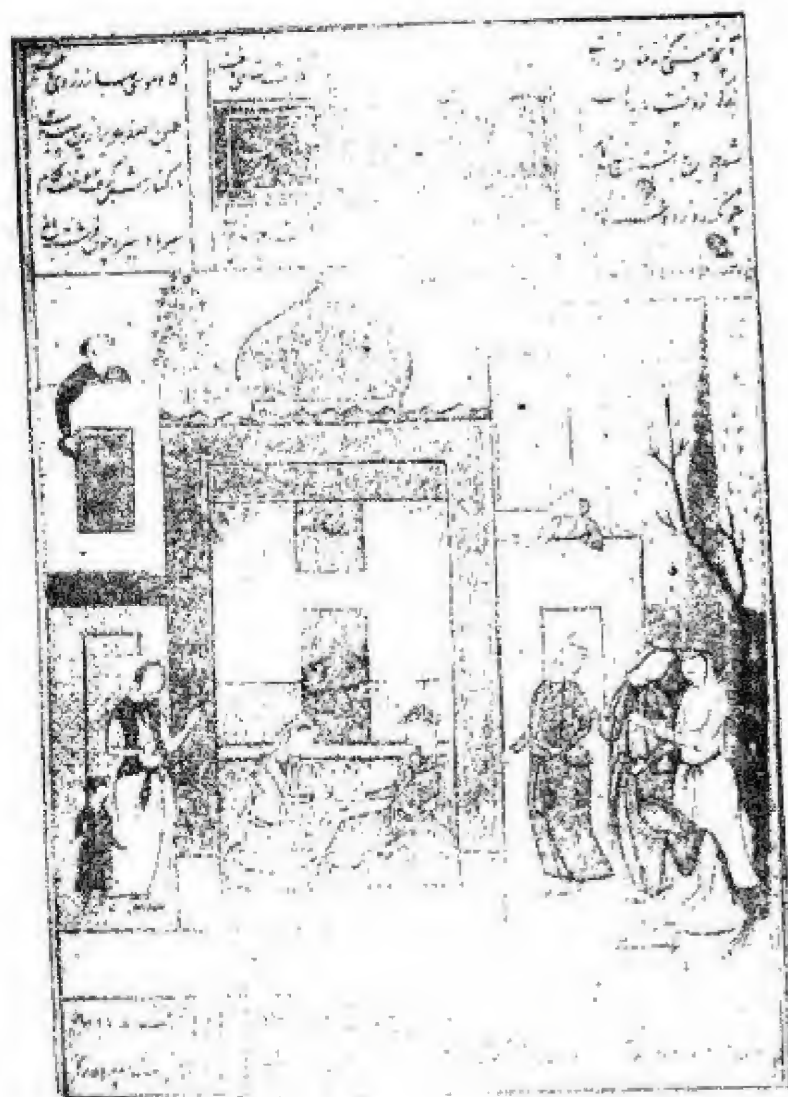








شکل ۹ و شیعی که اشراحت کرده - کار خطاط عباسی سال ۱۰۳۱ هجری - کتابخانه ملی پاریس



شکل ۶۰. بهرام گور بنا یکی از اوان دارد دو تنه - سیرعلی حیدر نقاش ۱۰۳۶  
کتابخانه ملی پاریس



شکل ۱۰۴۶: شیخ صلی‌الدین که جام و افتادیم شد مطرب قرماید عمل و تباد باسی ۱۰۴۶  
هجری. آئین گساراد



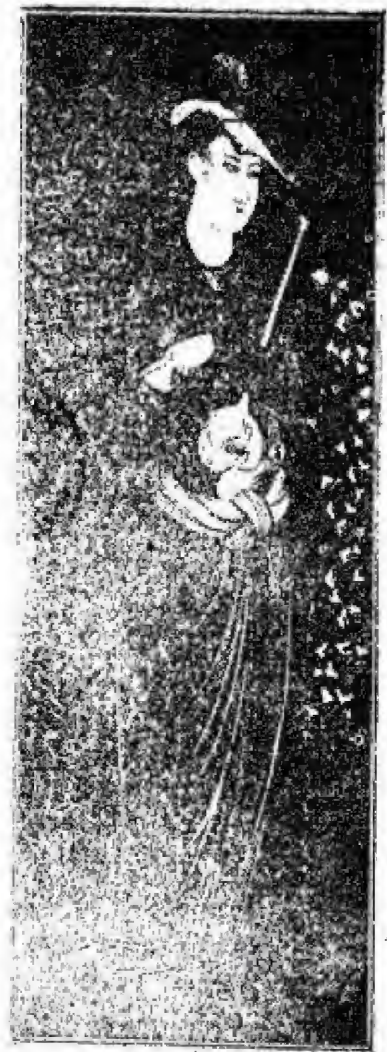


شکل ۶۲ صورت جوان عامل رضای عباسی مجموعه مستر ایلینو





شکل ۶۳ تصویر بانو علی رضا عباسی مجموعه مستر دایمنو



دو شکل ۶۷ و ۶۸: دو سانی عمل رضا عباسی در تپه اوز قرن یازده هجری قمری با آلا در کتابخانه ملی پاریس و  
دیگری در موزه مترو در پاریس، طبق بزرگ

نام و اختلافات زیادی نموده اند که در این اختلاف کاراباتشك Karabacek و سار Sarre و میتوک بامتفخ Mittwoch و بلوشه Blocher و ساکسیان Sakisian و ارونولد Aronld و کونل Kühnel و دیگران از بزرگان متعین در تاریخ نقاشی اسلامی اشتراك نموده اند. علاوه بر اینها بیشتر این اشخاص بر آن متمایلند و چنین عقیده دارند که دو نفر نقاش باین اسم آقارضا و رضا عباسی بوده اند.

اما هویت استاد اولی چندان معلوم و آشکار نبوده و ظاهراً این است که او بیشتر از رضا عباسی بوده و در دربار شاه طهماسب در اواخر قرن دهم هجری کار میکرده (۱۶ تا اوایل قرن ۱۱ هجری و ۱۷ م) و با اینکه گاهی اوقات اشتباهی زیاد بین کارهای این دو استاد رخ میدهد باین وصف ژرد ما تصویری هست که تفاوت و امتیاز بین هنر و کار دو استاد مذکور را بخوبی نمودار میسازد.

استاد ساکسیان در کاری که نسبت آن با آقارضا صمیمی بوده و جزء رسوم و تصاویر او است تتبع و تحقیق نموده (۱)

مابین کارهای این استاد که میتوان آنرا جزء عملیات برجسته و ممتازی دانست صورت زیبا و بدیعی است که میسو فیفر یا ریور Vivre داراست. این تصویر امیری را بالاستاد آن نشان میدهد (۲) پس از آن صورت جوانی را کشیده که شاخ گلی در دست دارد و تصویر مذکور اکنون در کتابخانه ملی پاریس مضبوط است (۳)

ساکسیان نظر بر این دارد که بعضی از رسوم و صور را بزم گرد آورده دکتر سار که بنام آقارضا است تصاویر آن را رضای عباسی انجام داده و کارهای مذکور باز منسوب است.

۱ - مراجعه شود به Sakisian : La miniature Persane ص ۱۶۶ - ۱۶۹

۲ - مراجعه شود به Sakisian : ibid شکل ۱۶۳

۳ - ملاحظه به Sakisian : ibid شکل ۱۶۸ و Blocher : Les Enluminures. ناپلوی ۷۹.

۴ - مراجعه شود به Sarr et Mittwoch : Zeichnungen von Riza Abbasi München 1914

ولیز ساکیسان میگوید: آقارضا استادی است که پاشاه عباس کبیر معاصر بوده و رضای عباسی نیست.

در هر صورت خوشنویسی که نام او «علیرضای عباسی» است اشکال کار را زیاده‌تر نموده زیرا که او معاصر بارضای عباسی بوده و مورخین فنی بین آقارضا و رضا عباسی و علیرضا عباسی اشتباه مینمایند و بی‌آنچه بشود رسیده این است که دو نفر اخیر جداگانه و مختلف بوده‌اند و برضای عباسی عده زیادی از تصاویر و نقوش را نسبت میدهند که بعضی از آنان دارای تاریخ است و ما را بر آن میدارد که حکم کنیم دوره انجام آنان بین سالیان ۲۸-۱۰۴۹ بوده (۱۶۱۸-۱۶۳۹) و بیشتر مردمانی را که صورت کشیده از آنها می‌هستند که در اواسط دوره زندگانی عباسی باشند و آنها را بینی‌هایی کشیده‌است یا تصاویر و سیمای دختران و پسرانی است که پیشه آنها را عده از زنان بشمار می‌آورد و در بین آنان صوری وجود دارد که مهارت و زیردستی این استاد و استعداد و بخشایش و هویت خاصه ای که باو اعطا شده دلالت خواهد داشت.

از صور بدیهه زیبایی که به آقارضای عباسی منسوب است یکی آن است که تاریخ آن در سال ۱۰۴۳ هجری (۱۶۳۳ م) میباشد و صورت شاه صفی را نشان میدهد که بطیب مشهور محمد شمسه جامی داده اعطا مینماید (۱) و دیگری که در کتابخانه ملی پاریس است صورت بانومی را کشیده که آن زن یکی از وزیران شاه عباس بوده. (۲)

در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن نسخه خطی از منظومه خمسه نظامی قسمت خسرو شیرین آن مشتمل بر ۱۲ صورت است که دارای اعضای رضای عباسی است و یکی از آنها مورخ ۱۰۴۲ هـ - ۱۶۳۲ میلادی میباشد (۳)

گمان زیاد بر آن است که باقی صورتها هم باین تاریخ بر میگردد خلاصه آنکه کار مزبور در هر حال برای رضای عباسی تمام افتخارات و اهمیت را احراز نموده و

۱ - ملاحظه بشماره ۴۸ شکل ۶۱

۲ - ملاحظه به Blocher: Les Enluminures ص ۱۲۹

۳ - مراجعه شود مقاله سر توماس ارنولد از نسخه خطی در شماره ژانویه ۱۹۲۹ مجله Burlington Magazine







شکل ۶۳ - صورت جوان به عهد رضای عباسی مجسمه رانی



شکل ۶۹ - صورت باو مورخ سال ۱۰۶۷  
هجری مبدوعه منیر دایمنو



شکل ۶۸ - صورت مردی که نشسته مورخ سال  
۱۰۷۴ هجری مبدوعه مستر دایمنو





عکس ۷۰ - تصویر بانو یا لایس اردشاهی - قرن ۱۲ هجری  
پادشاهی خواجه شاهزاده افشار مینو و ده اوکی هر س



نمی‌توان آنرا بصورت نسخه‌های دیگر که در ادوار گذشته جهت عین قصه تهیه شده پیوست نمود.

اشخاص در این تصاویر نه تنها عادی بوده بلکه آنان را با شخصیتی که در نقاشی‌ها و رسوم مستقله منسوب برضای عباسی دیده می‌شوند شباهت است و برای رنگها ابداع و تئاسی در ترکیب آن نیست.

در کلکسیون مستر رابینو (Rabim) موجوده در قاهره دو صورت است که بر آن امضای (رضا عباسی) رقم شده و یکی از آندو جوانی را نشان می‌دهد که زیر شاخه درختی نشسته و سر او باندازه کمی بجانب دوش موشانه چپ وی متمایل است و در جلو آن دو ظرف دیده می‌شود که روی یکی از آنها صورت انسان و حیوانی ترسیم گردیده (۱) و در تصویر دوم در نیمه بالای صورت تصویر بانویی است که بر سر آن گل و برها نصب شده (۲).

استاد ساکسیان عقیده دارد بسیاری از رسوم و تصاویر که دکتر ساردرالهم خود گرد آورده و منسوب برضای عباسی دانسته بعضی از آنان کارهای رضا است و برخی دیگر عمل آقارضا و بعضی هم از عملیات همین نقاش و باره دیگر از جمله کارهای نقاشان ناشناخت می‌باشد و هم دیده می‌شود مزایا و رجحانی را که در این روش و طراز برضای عباسی داده‌اند این امتیاز شامل نقاش دیگری هم خواهد شد که به حیدر نقاش موسوم است و او نسخه خطی از منظومه خمسه نظامی را که در کتابخانه ملی پاریس وجود دارد بین سالیان ۱۰۳۰ و ۱۰۳۴ (۱۶۲۰-۱۶۲۴) تصویر کشیده. (۳)

در هر صورت فن نقاشی ایرانی در نیمه دوم قرن یازدهم هجری (۱۷ م) و در قرن ۱۲ ه (۱۸) تأثیری تمام‌بطرز و اسلوب نقاشی رضای عباسی پیدا کرده و در خدمت این استاد شاگردانی بودند که بر روش و سبک او رفتار می‌نمودند و هم‌تراز آنها

۱ - ملاحظه شود پلاطوی ۴۶ شکل ۶۲ و مراجعه به Wiet : L'Exposition persane de 1931 ۸۲ - ۸۳

۲ - ملاحظه شود پلاطوی ۴۹ شکل ۶۲ و مراجعه به Wiet : ibid ۸۳

۳ - مراجعه شود به Sakisian : La Miniature Persane ۱۳۵ و مابعد آن

معین نقاش است که در نیمه دوم قرن ۱۱ هـ (۱۷) کار میکرده و در سالهای اولیه از قرن ۱۲ هـ (۱۸) چیزی را که ما از او میشناسیم صورتی است که برای استاد خود کشیده و چند صورت دیگر است که یکی از آنان در مجموعه مستر (راینو) موجود است. در این صفحه صورت جوانی کشیده شده که خروسی را در بغل گرفته و میبرد و تاریخ آن ۱۰۶۷ و (۱۶۵۶ م) است (۱)

از شاگردان رضا عباسی چهار نفر دیگرند که آنها: افضل محمد قاسم تبریزی - محمد یوسف - محمد علی تبریزی میباشند.

## شاه عباس دوم

(۱۰۵۲-۱۰۷۶) - (۱۶۴۲-۱۶۶۶)

شاه عباس دوم مشوق و مروج اسلوب نقاشی غرب و فنون صورت کشی اروپائی بوده من جمله او (محمد زمان) نقاش را بروم فرستاده تا در آنجا مطالعات نموده و هنر خود را تکمیل نماید.

ظاهراً این است که نقاش مذکور در آنجا کیش مسیحی را اختیار نموده بعد از آن بهند رفته و آنجا پناهنده شده پس از آن در حدود (۱۰۸۷) (۱۶۷۶) بایران برگشته و تصویر سه صفحه سفید از کتاب خمسه نظامی که برای شاه طهماسب تهیه شده بود پرداخته که آن کتاب در حدود صد سال پیش از آن درست شده و تصویرش ناتمام مانده بود و اکنون نسخه مذکور در موزه بریتانیا است.

در این صورت و در غیر آن تاثیر فنون اروپائی در عمل این نقاش و دیگران از کسانی که علم نقاشی را در ایتالیا فرا گرفته اند ظاهر میشود و بیشتر چیزی که این اثر را نشان میدهد ترسیم صور خاندان مقدسه و قدیسین یا کشیش ها و فرشتگان و غیره از عناصر مذهبی مسیحی است. (۲)

۱ - ملاحظه شود پیاپی ۵۲ شکل ۶۷ و مراجعه به Wiet, ibid ۸۴

۲ - مراجعه شود به Binyon, Wilkinson & Gray: ibid ص ۱۶۱ - ۱۶۲ و Arnola Pan-tung in Islam ۱۴۸-۱۴۹ و مقاله استاد مارکومش - Journal of the American Oriental Society ج ۵۴ سال ۱۹۲۵ ص ۱۰۶ - ۱۰۹

با این وصف قرن دوازدهم هجری (۱۸ میلادی) بواسطه تأثیرات اروپائی و اشکالات سیاسی که در ایران رخ نموده اعلام فنا و اضمحلال نقاشی ایران را داده و برای بعد از آن در دوره (فتحعلی شاه) و آخر قرن ۱۲ هجری (۱۸۱۸ م) و اول قرن ۱۳ (۱۹ میلادی) فنی قابل توجه و کاری مورد اهمیت بنظر ما نرسیده و آنچه که در این دوره عمل و انجام یافته از نقاشی های رنگ و روغنی و تابلو پرده های بزرگ است که صنعت و رنگ اروپائی آنان زیاد از صنعت و صیغه ایرانی خواهد بود.

ما در فصول این کتاب موضوع ظهور و پیدایش فن نقاشی را در نزد ایرانیان و ادبی و تتبع نموده و روزگاری را که فن مذکور در این سرزمین گذرانده تا اینکه پیروی و تمایل اروپائی و غرب بآن خانمه داده بانیایش و تقریب از تقلید نیاکانی موروئی همه را بمورد رسیدگی و تحقیق آورده و دیده ایم که چگونه مجال پیشرفت و ترقی در ایران نسبت باین فن محصور و معسور بوده مخصوصاً از این جهت که نقاشی و تصویر در این کشور بلکه در تمام دنیای اسلامی بواسطه تعبیرات احساساتی و مذهبی و عقایدی اش حرمت یافته و ممنوع بود و بالاینکه ایرانیان فن مذکور را از هنر و فنون شرقی بارت برده و قریحه و استعداد ذاتی در آن داشته اند که آنرا از تقلید طبیعت و بیان اسرار هستی بحدی که ما در فنون اروپائی مشاهده می نمایم دور نموده معذک نقاشی ایرانی در عالم خصوصیت خود بمقامی رسیده که بالاتر از آن تصور نمیرود و برای این فن در قسمت رنگ آمیزی و ترکیب رنگها پیشرفت ها و موفقیتی است که شناسنده آن کسانی خواهند بود که دچار شگفت و حیرت از تماشای نسخه های خطی و مجموعه ات آناری گردیده اند. ستایش خدا را که این نامه انجام یافت.

۳- بعضی از نادان در نقاشی ایرانی عیبی که گرفته اند آن است که انجام این عمل توضیح از برای شرح دادن مطالب مندرجه در صفحات نسخه های خطی و حکایات معروفه از حادثه و پیش آمده ها باشد در صورتیکه از روی حقیقت این موضوع مورد انتقاد و عیب جوئی نیست بویژه وقتی ما این نکته را یاد آور شویم که بیشتر چیزی را که بزرگان هنریشه و نقاشان اسیلانی از کشیدن صورت ها در نظر گرفته اند برای توضیح مطالب و شرح دادن حوادث کتب مقدس یا افسانه و موهومات پیشین بوده دیگر مجالی از برای انتقاد نخواهد بود.

## دارك و مراجع كتاب

- ۱ - كتاب التصوير عند العرب احمد تيمور پاشا - نسخه خطي كه نمونه آن در مجله الهلال انتشار يافته .
- ۲ - بنيون هتريشه دكتور احمد زكي ابوشادي - مقاله انتشاري مجله المقتطف شماره آوريل ۱۹۳۵
- ۳ - الفن اسلامي في مصر دكتور زكي محمد حسن ( از مطبوعات دارالانوار - العربيه، كه جزء اول آن منتشر شده .
- ۴ - كتاب الاسلام والحضارة العربيه استاد محمد كرد علي .  
ارنولد، نقاشي در اسلام اكسفر ۱۹۲۸  
آثار ساسانيان و هنر هاي زيباي ماني در ايران .  
نقاشي نيوكاستل در نين ۱۹۲۴  
دستورات قديم و جديد در صنايع ملل اسلامي، لندن ۱۹۲۸  
ارنولد و گروهان كتاب اسلامي، لندن ۱۹۲۹  
مينين. ل. صنعت آسيائي در موزه بريتاني و صنايع آسيائي جلد ۶ پاریس ۱۹۰۵  
مطلومات نظامي، لندن ۹۲۸  
بنين و ويلكنسن و گراي نقاشي مينياتوري ايران، اكسفر ۱۹۳۳  
بلشه تذهيب و رنگ آميزي هاي كتب خطي شرقي - اعراب - تركها و ايرانيان  
كتابخانه ملي پاریس ۱۹۲۹ نقاشي اسلامي، لندن ۱۹۲۹  
كماراسوواي مينياتور هاي شرقي از مجموعه گلوبو در موزه صنايع مستظرفه  
بستن و هنر هاي آسيائي قرن ۱۳، پاریس ۱۹۱۹  
كريسوتل - مخزن كتب ( كتابشناسي ) از نقاشي صنعت محمديان، لندن ۱۹۱۲  
ديز - تاريخ اسلامي و الكر - برلن ۱۹۱۲ عنصر نقاشي ايراني .  
ديماند - رساله محمديان در صنعت تزييني نيويورك ۱۹۳۰



- كلوك وديز - افسانه هاي اسلامي، برلن ۱۹۳۵
- گرای - نقاشی ایرانی، لندن ۱۹۳۰
- گروسه - تمدن شرقی، پاریس ۱۹۲۹
- هرتسفلد - آثار سامرا برلن ۱۹۲۷
- هوارت - خط و مینیاتورهای شرقی اسلامی، پاریس ۱۹۰۸
- کونل - مینیاتورکاری اسلامی شرق، برلن ۱۹۲۲
- مارتن - مینیاتور نقاشی و نقاشان ایرانی - هند - ترکیه از قرن هشتم تا قرن  
 هیجدهم میلادی، لندن ۱۹۱۲
- میرن - رساله صنعت اسلامی دو جلد، پاریس ۱۹۲۷
- ساکيسان - مینیاتور ایرانی از قرن ۱۲ تا ۱۷ م، پاریس ۱۹۲۹
- سارومیتویخ - کارهای رضای عباسی، موشن ۱۹۱۴
- شولز - مینیاتورهای اسلامی ایران، لپزیک ۱۹۱۴
- استوکن ایوان - مینیاتورهای اسلامی ایرانی، کتابخانه قاهره (هنرهای زیبا)
- ویالکن سن - شاهنامه فردوسی، لندن ۱۹۳۱

# فهرست اعلام کتاب

صفحه	اسامی	صفحه	اسامی
	الف		الف
۶۶-۱۶	اسکندر بن عمر شیخ	۴۱	ابراهیم سلطان
۲۸	اسمعیل (شاه صفوی)	۳۹	ابن بختیشوع
۲۱	اشمونین	۵۴	ابوسعبد
۲	آشور	۲۷	ابی السعود
۱۷	آشوریان	۳۵	ابوالفضل بن ابی اسحق
۵	اصفهان	۱۳	اتابیک
۷۱	استخر	۴۶	احمد (از سلاطین جلایر)
۶۹-۷۰	اعالی ترک	۴۶	احمد تبریزی
۷۱-۶۷	آغامیرک	۱۷	آذربایجان
۸۴	الفضل	۳	آزین
۱	افغانستان	۴	اردبیل
۱۸	آقا رضا	۵	ارشاک
۵۴	آقا محمد خان	۵	اردشیر
	آق قوینلو ( صاحبان کوسفندهای	۴۳	اردوان
۱۶	سفید	۱۳-۵	ارغون
۷۴	اکبر	۵۶	ارمنستان
۲	اکبانان	۵۴	ارنولد
۲	اکمبند	۷۳	آزاده
۱۳	البارسلان	۴	ازبک
۱۲	البتکین	۴۸	اسکندر مقدونی

اسامی	صفحہ	اسامی	صفحہ
امیر تیمور	۱۵	اسامی	
انتوان	۴	بلوچستان	۱
انتیوکوس	۴	پنجاب	۱۲
انجیل	۴۰	ہنبون	۷
انقرہ	۱۵	ہرام گور	۷۲-۶۹-۹
انوشکین	۱۴	ہرام چوبینہ	۱۰-۵۳
انوشیروان	۷۱-۶	ہیزاد	۶۹-۶۷-۶۶
اھریمن	۳	بودا	۴۰
اھورامزدا	۳	بودائی	۱۵
ازبک	۵۴	بویہ	۱۱-۱۰
الغ بیگ	۴۵	ہران بویہ	۱۰
اورس (سلطان)	۴۶	ہایستقر	۴۸-۴۹-۵۰
ابلخانی (خانوادہ)	۱۴		
ب		بارت	۴
بابل	۳-۲	بایلو	۳۹
بارون	۷۲	پہلوی	۱۹
بازوان	۷۴	پرسید احمد تبریزی	۵۵
بامیان	۲۲	ت	
بخارا	۶۶-۵۵-۱۰	تبریز	۱۶-۴۹-۵۵
بدیع الزمان	۶۲	تقار-تاتار	۳۹-۳۷
براق	۵۱	ترک	۱۲-۱۱
برلن	۳۳	ترکیہ	۲۵
بغداد	۳۶-۳۰	ترکستان	۱
بلخ	۱۰	تیمور لنگ	۴۸-۵۶-۵۴

اسامی	صفحه	اسامی	صفحه
جازولت		ج - ج	
دقیقی	۱۰	جزری - جزیره	۲۳۱
دهلی	۱۵	جلال الدین	۷۹
دورر	۷۸	جلایر	۴۶-۱۵
دوست محمد	۸۵	جنگیز	۴۱-۱۴
دیلم	۱۱	جنید سلطانی	۴۶
دیپوت	۶۴	ح - ح	
دیپمند	۸۰	حاج میرک	۷۰
ر		حافظ	۴۴
رایشو	۸۳، ۸۴	حسین (شاه سلطان حسین)	۱۷
رستم	۴۲	حسین بایقرا	۵۸-۵۵
رشید الدین	۴۰	حیدر نقاش	۸۳
رضا شاه بهلوی	۱۹	خ - خ	
رضا عباسی	۷۶-۷۹	خراسان	۹-۴
رودکی	۱۰	خسرو شیرین	۷۱-۵۰
روسیه	۱۵	خواجه میرک	۷۰
روم	۵۰۱	خواجو گرمانی	۴۵
ری	۳۵	خوارزم	۱۴
ز		خواند امیر	۵۶
زردشت	۶۳	خیوه	۳۵
زایخا	۵۹	د - د	
زندیه	۱۸	دارا	۴
س		دارالانوار العربیه	۷۹-۲۷
سار	۲۶	دارالکتب مصر (کتابخانه ملی)	۴۷



اسامی	صفحہ	اسامی	صفحہ
ساسانی	۵۱-۲۸	شاه رخ	۴۵-۴۸-۱۶
ساکسیان	۵۷-۳۶	شاه علی تبریزی	۷۵-۷۱
سامان	۱۱-۱۰	شاه محمد	۷۵
سامرا	۶۷-۲۴	شاه محمود نیشابوری	۷۰
سام میرزا	۷۱	شاهنامہ	۳۱-۱۰
سامعی	۲۴	شسترینی	۴۷-۶۰
سپکتکین	۱۲	شولتز	۴۳
سپستان	۹	شیخ زادہ خراسانی	۶۲
سلاجقہ	۱۲	شیخ محمد شیرازی	۷۸
سلطان اویس	۴۶	شیراز	۵۲-۱۵
سلطانیہ	۴۳	شیعہ - شیعی	۲۵-۱۶
سلطان سلیم	۱۶	شیفر	۳۴
سلطانعلی		ص	
سلطان محمد	۷۰-۷۳-۷۲	صالح - صلاح الدین	۳۶
سلطان محمد نور	۶۹	صفاریان - صفاری	۹
سلوکوس	۵-۴	صفی الدین	۱۶
سلیمان خان قانونی	۷۱	صفویہ	۶۶-۱۷-۱۶
سمرقند	۴۹-۴۵-۱۰	ط	
سنجر	۶۴-۱۳	طاهریان	۹
سوریہ	۶	طارقان (توفان)	۲۱
سید علی	۷۰	طغریاک	۱۳
سید بیر نقاش	۷۵	طبران (تبران)	۱۸
ش		طیہ - سب	۶۷-۷۴
شاپور	۷		

اسامی	صفحہ	اسامی	صفحہ
فالریان (والریان)	۶	عباس کبیر (شاہ)	۷۶-۸۲-۱۷
فیفر (ویور)	۸۱	عبدالرزاق	۴۹
فیت (ویت)	۳۹	عبدالصمد	۷۴-۷۳
ق		عبدالله بن فضل	۳۳
قاجار	۱۸	عبدالله منصور (نقاش)	۶۴
قاسمعلی	۶۱	عبدالمعلی	۴۵
قراقوینلو		عبداللہ دولہ	۱۱
قزوین		عارف الدین جوینی	۴۳
قزوینی (محمد)	۵۶	علی رضا عباسی	۲
قریل	۲۲	غ	
قصہ امیر حمزہ	۷۴	غازان خان	۳۹
ک		غزالی	۱۳
کاترمیر	۴۹	غزنویان	۱۱
کاخ عمرا	۲۵-۲۴	غیاث الدین	۴۹
کتابخانہ ملی پاریس	۶۴-۸۲	ف	
کتابخانہ مرکان	۳۹	فیلمبین	۳۴
کتابخانہ مصر	۵۹	فتحعلی شاہ	۸۵
کاشغر	۱۰	فرارز	۴۲
کامیز	۱	فردوسی	۱۰-۲۲
گدار	۱۷-۲۲	فرغانہ	۱۰
کرت (دولت)	۱۵	فرہاد	۵۲
کرمان	۱۵	فون او کوک	۲۱
کریم خان زند	۱۸	فیوم	۲۸
کریونیدل	۲۱		

اسامی	صفحہ	اسامی	صفحہ
محمد زمان	۸۴	کلیاہ و دمنہ	۳۱
محمد علی تیریزی	۸۴	کادانیان	۳
محمد قاسم	۸۴	گلستان	۳۱
محمد مؤمن	۸۳	کمال الدین عبدالرزاق	۴۹
محمد یوسف	۸۴	کوند	۵۸-۵۷-۵۶
محمدی	۷۵	کوروش	۳
محمود سپکنکین	۱۲	کیان	۳
محمود کاتب	۵۳	کیکاؤس	۵۲
محمود مذہب	۶۷	ل	
مزدک	۷	لطیف اللہ بن یحیی	۴۷
مستعصم	۴۱	لوور	۳۴
مصر	۵۷	لیدی	۳
مطالع السعدین	۴۹	لورستان	۳
مظفر علی	۶۲-۷۳	لیلی	۶۹-۷۳
مظہر علی	۷۰	م	
معتمد	۲۶	مارتن	۲۳
معتمد	۲۶	ماری مذہب	
مراجنامہ	۵۱	مذہب	۵۹
معین مصور	۸۴-۸۳	مازندران	۱۹
مغول	۱۴-۳۷	مأمون	۹
مقامات حریری	۳۱	مانی	۷
مقریزی	۳۰	مجنون	۶۹-۷۳
مناذکرد	۱۳	محمد بن احمد	۳۶
ملکشاه	۱۴	محمد خان شیبانی	۵۳-۵۸-۵۲

صفحه	اسامی	صفحه	اسامی
۳۶	ناصرالدین محمد	۳۶	ملک صالح
۴۳	نصر بن احمد		ملویه
۱۳	نظام الملک	۲۹	منافع الحيوان
۷۰	نظامی	۵۰-۵۱	منج (منك)
۱	نهاروند	۲۵	موزیل
۱۰	نوح بن نصر	۷۰	موزه بریتانیا
	و	۵۰-۸۰	موزه متروبولیان
۷۳	ولکتسون		موزه هنرهای زیبا پاریس
	ه	۸۲	موزه ویکتوریا
۴۸-۶۹	هرات	۱۵	موسکو
۱	هرتسفلد	۹	موفق
۶	هرقل	۵	مهردادکیر
۷۴	همایون	۲	عیدی ها
۷۴	هند	۷۴	میرسید علی
۴۱	هلاکو	۵۴-۶۴	میرغای تبریزی
	ی	۶۹	میرعلی شیر
۳۴	یحیی بن محمود	۶۲	میرمصور سلطان
۲۹	یعاقبه	۷۰	میرزا علی
۹	یعقوب لیث	۶۷-۷۰-۵۵	میروك نقاش
۵۷	یلدوز	۸۱	میشوك
۶	یعنی		ن
۴۹	یوان	۱۸	نادرشاه
۵۹	یوسف	۷۴	نادرالملک



# فهرست تابلوها و تصاویر

تابلو	شکل	
۱	۲۱	دو صورت در دیوارهای حمام فاطمیین در جهت ایی السعود در جنوب قاهره
۲	۳	ساعت طلوسی
۳	۵۴	تصویر بالا- جوان مار گزیده و آهن بزشک برای مداوا- تصویر زیر- مار گزیده و استغاثه او
۴	۷۶	دو منظره از مقامات حریری
۵	۸	امیر علی بر تخت و پهلوانان
۶	۹	اسکندر بر تخت خود
۷	۱۰	فرمارز و مبارزه با شاه کابل
۸	۱۱	سلطان غازان با باقوان خود
۹	۱۲	اوکتای بافرزندان خود
	۱۳	تصویر بالا- سنگ حمام و صورت آن در آب- تصویر زیر- شیری که گاو را میبرد
۱۰	۱۴	دو محبوبه
۱۱	۱۵	منظره در باغ
۱۲	۱۶	دو سوار جنگی و اسبهای ایشان
	۱۷	منظره دو باغ
۱۳	۱۸	خسرو و کشتن بهرام
۱۴	۱۹	دیدار هما و همایون در باغ کاخ
۱۵	۲۰	رستم و اسفندیار پیش از مبارزه
۱۶	۲۱	خسرو شیرین
۱۷	۲۲-۲۳	نقاشی بطرز چین
۱۸	۲۴-۲۵	زبانۀ جلد خطی بنام شاهرخ

شکل	تابلو
۲۶	۱۹
۲۷	۲۰
۲۹-۲۸	۲۱
۳۰	۲۲
۳۱	۲۳
۳۲	۲۴
۳۳	۲۵
۳۴	۲۶
۳۵	۲۷
۶	۸
۳۷	*
۳۸	۲۹
۳۹	*
۴۱-۴۰	۳۰
۴۲	۳۱
۴۳	۳۲
۴۴	۳۳
۴۵	۳۴
۴۶	۳۵
۴۷	۳۶
۴۸	۳۷
۴۹	۳۸
۵۰	۳۹
۵۱	۴۰

ز بودن دختر در کشتی

جماعتی از صوفیها در باغ

سلطان حسین میرزا در مهمانی

حضرت یوسف و فرار او از زلیخا

شبان و دارا پادشاه ایران

مناظر مسجد

فقها ر مباحثه ایشان

صورت درویش بغدادی

نقاشی ایرانی در تابلوی ژنتیلی

منظره حمام

بنای مسجد

زنها در حمام و نظار خیانت کار بایشان

آموزشگاه دره‌های آزاد

پیرزن و دادخواهی او از سلطان سنجر

تاجگذاری خسرو

دو پز شک و دیدنی آندو از یکدیگر

مجنون و کشیدن او بمنزلگاه لیلی

معراج

خسرو و آمدن او بناگهانی بالای سر شیرین

مجلس وعظ

پیرزن و دادخواهی او از سلطان سنجر

مجلس باده گساری

صورت امیر

\*

شکل	تابلو
بهرام گور بایکی از بانوان خود در قصر شاه	۴۱
بهرام گور بایکی از بانوان خود در کاخ شاه	۴۲
نمایشگاه دهائی	۴۳
یوسف و زلیخا در حالت پیری	۴۴
یوسف و زلیخا با رفقای خود	۴۵
صفا بین یوسف و زلیخا	۴۶
زلیخا در هودج	۴۷
شیخ بحالت استراحت	۴۸
بهرام گور بایکی از بانوان در قصر سبز	۴۹
شیخ صفی الدین و بز شك شمس	۴۹
صورت جوان	۵۰
صورت خانم	۵۱
دو ساقی	۵۲
تصویر رضا عباسی	۵۳
نقاشی با امضای معین مصور	۵۳
صورت مردی که نشسته	۵۳
صورت یک نفر بانو	۵۴
صورت يك بانو با لباس اروپائی	۵۴

# فهرست کتاب

## مقدمه مترجم و تقریظ ها

صفحه

- |       |   |
|-------|---|
| ۱     | مقدمه تاریخی                                  |
| ۲۰    | فصل اول - پیدایش نقاشی در ایران               |
| ۳۰    | فصل دوم - هنرستان بغداد یا مدرسه عراق         |
| ۳۷    | فصل سوم - هنرستان ایرانی و تاتار              |
| ۴۴    | فصل چهارم - عصر تیمور و جانشینان او           |
| ۶۲-۵۵ | فصل پنجم - بهزاد و معاصرین او - هنرستان بخارا |
| ۶۶    | فصل ششم - هنرستان صفویه                       |
| ۷۶    | فصل هفتم - عصر شاه عباس و جانشینان او         |

فهرست اعلام

پایان کتاب بقلم مترجم



## پایان کتاب

بسمه تعالی

اکنون که ترجمه کتاب گرانمایی (تاریخ نقاشی در ایران) پایان رسید اندیشه بدان کشید که صفحاتی چند واجیع بمحتویات بعضی از کتابخانه های پایتخت بنوبت خود بعنوان پایان کتاب ضمیمه و پیوست سازد.

در اینجا گفته میشود که استاد دانشمند دکتر زکی محمد حسن در اثر تالیف این کتاب خدمتی بزرگ و شایسته نسبت بمیهن ما انجام داده و از سرزمین وادی نیل این هدیه نفیس را بچینیان تقدیم نموده و این زحمت و همت ایشان مخصوصاً مورد تقدیر و منظور و نظر اولیای وزارت فرهنگ ایران شده و بتصدیق و گواهی استادان فنی و هنرمندان و دانایان، مؤلف محترم در مجموعه مزبور بدقایق و نکاتی راجع باین فن متوجه شده که کمتر کسی بآنها پی برده و بهترین سبک را در کلاس بندی آن ایجاد نموده لیکن باید دانست برای مائمه کار و مفادخر اسانیدو هنرمندان دوره و اعصار قرون سالفه و ادوار گذشته و حال در این سرزمین بسیار و آثار هنری ایشان در مخازن و کتابخانه های میده ایران از قبیل کتابخانه دربار شاهنشاهی و کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه ملی و مؤرخه و کتابخانه مدرسه سیه سالار بالاخره در کتابخانه های شخصی عمده مانند کتابخانه آقای حاج حسین آقا ملک و کتابخانه مرحوم حاج سید نصرالله تقوی و دیگران بيشمار است بطوری که هر قسمتی بیننده را دچار حیرت نموده و از دیدن هر کدام دیده حالت جذبه و بهت از کار و کردار این سرآمدان هنر و لطایف و ظرایف عمل ایشان پیدا خواهند نمود و میتوان گفت که شخص در برابر تماشای هنری فریفته و مدهوش و بالاخره دلپاخته و مبهوت میگردد که آیا این هنروران بزرگ و استادان توانا چگونه این همه بدایع و هنری را بکار برده و خامه سحر طرازی شان

بدینسان آثار بدیعه و اعمال ظریفه و حیرت‌آور را نگاشته و پرداخته اند و آنان وجه فکرهای بزرگ و دقیق را پیروی و تعقیب نموده و از عالم اندیشه بمعرض شهود آورده اند که فقط هر کدام تنها بقریحه و استعداد خاص ایرانی و هوش سرشار هنروران این کشور باستانی اختصاص دارد.

ما اگر بخواهیم اسامی کتب قدیمه و ضرر بدیعه بعضی از کتابخانه‌های مرکزی (بایستخت) ایران را بمورد بیان و نگارش بیاوریم و در اطراف هر یک از آنان قلمفرسایی کنیم فی الواقع بایستی خود در این باب کتابها بنویسیم و مجلداتی ترتیب دهیم.

چه خوب بود موقعی که دو استاد دانشمند دکتر عبدالوهاب عزام و استاد عبدالحمید عبادی برای شرکت در جشن هزارمین سال حکیم سخندان ابوالقاسم فردوسی سفری باین سامان نموده و در آثار زیبا و عمارات دلگشا و ابدیه فرح افزا و معماری‌های مهمه ما مشاهداتی می نمودند در آنوقت استاد هنریشه آقای دکتر زکی محمد حسن هم بآندو هموطن محترم خود همراه بوده در کتب مخطوطه و پرده‌های نقاشی و مرقدات محفوظه در کتابخانه‌ها و غیره اینجا مطالعات و مشاهداتی میکرد و بعداً این مولفه نفیس و گرانبهای خود را که در آثار تصاویر و نقاشی باستان ایران اختصاص داده اند محتوی بسیاری از تفاسیر و ظرایف دوره باستان و زمان کنونی کشور ما می نمودند و بر مزایا و محسنات و زیبایی و ظرافت کتب خود می افزودند باید دانست توجه خاصی را که امروزه از طرف دولت شاهنشاهی ایران نسبت بیسط و ترویج هنر و صنعت میشود و از تشویقی که از اساتید و کارکنان و صاحبان هنر بعمل می آید هم اکنون نمیتوان گفت که ایران امروزی در ابراز قریحه و ذوق و استعداد و اظهار هنر و صنعت از ایران باستان کمتر و استادان آن فروغیایه تر از اساتید گذشته و پیشین باشد بلکه با این روشی که فعلاً پیروی و تعقیب میشود و قدمهایی که در راه پیشرفت و ترقیات این کشور میدارند امید است که ایران بالا ترین مقام مجد و عظمت و اعلی مراتب بزرگی و افتخار را در تحت توجه شاهنشاه جوان هنردوست و مبین‌خواه خود در دنیای متمدن امروزی احراز نماید.

این همه نمایشگاه‌های فنی و صنعتی که در بایستخت و دیگر شهرهای این کشور

در تمام جریان سنوات بمورد نمایش گذاشته میشود و سرکشی و مواظبت و بازدید و مراقبت و تشویقی که از طرف شاهنشاه محبوب ما بعمل میآید یقیناً طولی نمیکشد که سرافتخار ایران و ایرانیان باغلی درجه برتری و اعتبار خواهد رسید \*

باش تا صبح دولتت بدد کاین هنوز از تاج پشراست  
اینک چند نمونه از آثار نفیسه و کتب مخطوطه ایران بدست آورده و عکس برداری نموده بعنوان هدیه بمقام وزیر دانشمند و محبوب فرهنگ آقای مسعود کیهان درخاتمه این کتاب میافزاید ضمناً شرحی برای بیان و توضیح آن نفایس نگاشته و تقدیم میدارد .

از جمله نفایس منتخبه تصویری است که در نسخه خطی قدیمی دیوان امیر خسرو دهلوی مورخ ۸۸۶ هجری مدرسه عالی سپهسالار طهران (دانشکده معقول و منقول) بخط میرعلی مشهدی کاتب معروف است که آنرا یگانه استاد مشهور (بهراد نقاشی) برای (سلطان حسین بایقرا) در کتاب مذکور ترسیم نموده و در بالای صفحه تصویر کتیبه است که باخط نسخ اعلاطلانی و متن لاجوردی این عبارت نگاشته شده .  
(بشارة السلطان الاعظم والعاقل المعظم ابو الغازی سلطان مهادر حسین خلدانه ملكه في شهور سنة ست وثمانین وثمانائة) .

این صفحه مجلس بزمی زنانه است که برای شاه برپا شده و در آن کمال وجود و طرب و حالت رقص و نشاط و خوشی و انبساط و نشان داده و شاه در صفا بالا جلوس نموده و مشغول باد گساری است و زنان خواننده و نوازنده برای او در ساز و نوازند و جمعی از زنان دیگر باالبسه رنگارنگ قرار دارند، در ضمن رنگ آمیزی متناسب صورت دیگر توانا منتهای قدرت و مهارت را بخروج داده و در ریزه کاری و مینیاتور سازی آن نهایت دقایق قلمی و طراحی را از گل سازی و طاریزی و رنگ آمیزی رعایت کرده بیان دقایق و نکات و ظرافت و زیبایی این کار جز بدیدن و حیرت نمودن از آن نشاید .

شاهکار دیگر بهزاد که آن استاد زبردست بسبك چینی نقاشی نموده و در آن

داد هنر داده دوصفحه اول کتاب خدمه نظامی قدیمتر مدرسه سپهسالار است (۱) که نسخه مزبور بخط خوش‌کامی شیرازی که نام آن محکوک است و در سته احد عشر و تسعمائه هجری (۹۱۱) انجام گرفته و مقارن با سنوات آخر سلطنت سلطان حسین بایقرا است (۹۱۳)

این کتاب بقلم توانای بهزاد در ۳۵ مجلس بسبك اعلى چینی نقاشی شده و هر صفحه از تصویر آن نمونه بزرگی از صنعت و هنر این استاد است و از قرینه برمیآید که این نسخه برای سلطان مذکور تهیه شده

بدیعت از همه دوصفحه اول کتاب است که نگارنده از آن عکس برداری نموده و جزء متمم کتاب «تاریخ نقاشی در ایران» قرار داده چیزی که باعث تاسف است این دوصفحه در اثر کثرت استعمال و قدمت قدیمی از صور آن سوده و محو گردیده و عکس برداری با اینکه دو مرتبه بدان عبادت نمود بخوبی انجام نگرفت ولیکن نفیست کتاب و ظرافت و زیبایی نقاشی و صنعت ممتاز آن بجای خود محرز و محفوظ است و طلاکاری و رنگ آمیزی و زینت و زیبایی آن بوصف نیاید.

در این دوصفحه برابر یکدیگر «بهزاد» وضعیت دوره سلطنت خوش و زمان راحت و رفاهیت «سلطان حسین بایقرا» را مجسم نموده و در بنجر دیف قرار داده و دیف اول - یوش و سرا برده جلال و عظمت شاه است که بهترین طرحی آنرا نقاشی کرده و سلطان در زیر سرا برده روی تخت سلطنت جلوس نموده و در برابرش وزیر باتدبیر او امیرعلی شیرنوازی و یکی از بزرگان دیگر که شاه بآن دو اذن جلوس داده نشسته، در طرف دیگر شاه چند نفر از خادمان و گزیدگان شاهی ایستاده اند.

دیف دوم - جمعی از ارباب هنر و کمال در طرفی ایستاده و اوضاع را تماشا مینمایند و در طرف دیگر مجلس رقص و بزم طرب و باده‌گساری است که در آن تشویق شاهرا از ارباب کمال و ادب نمایش داده و خوشی و عشرت عموم را نشان میدهد.

دیف سوم - در جلو یکی از کمانداران شاهی است که کمانی در دست گرفته



و عده از مقصرین را بادت بسته بجانب محاکم یا زندان میبرند و در دهنال آنان دوفر از بازداران شاهی است و درطرف دیگر دوتن از شکارچیان اند که دوبلتک را بزنجیر کشیده و در بالای سرایشان دوفر از شاطران و یساؤلان شاهی قرار گرفته که هر کدام تیرزینی بدست دارند و این ردیف طرز مجازات و وضع یاسا و جلوگیری از جنایات را خاطر نشان میسازد و این وضعیت حالت روحی مملکت و جلوگیری از متمردين و سرکشان را میرساند و میفهماند که شاه نافرمانان را مانند دودام بدینگونه مطیع فرمان نموده و شکار مینماید و از مجازات و تنبیه ایشان فروگذار نمیکند.

ردیف ۴ - نیز سیاست و جلوگیری و اجرای یاسا و قانون را حکایت میکند که یکی چوبی در دست گرفته و چشمتن را تحت تنبیه و سیاست آورده و باره بشفاعت برخاسته و یکنفر از میرآخوران شاهی است که عنان اسب را در دست گرفته و خود در جلو آن پیاده ایستاده

ردیف ۵ - صورت مودیان عواید دیوانی و مالیات دهندگان یا برندگان تحف و هدایا را نشان میدهد که هر کدام طبقی را در دست گرفته زر و سیم و جواهر بهدیه و تقدیم میبرند و در جلو آنها کمانداری است که حفظ و حراست و موجبات امنیت کشور را حکایت میکند.

نفیس کتابخانه مدرسه سهیم - الار زیاده و بسیار است و برای نگارنده ممکن نیست که تواند در این مختصر بذکر آن پرداخته یا عکسهائی چند از آنها تدارک نماید لیکن بمضمون عالایدرک کله لایدرک کله والمیسور لایدرک بالمیسور اینک شش صفحه از کتاب زیبا و نسخه گرانبهای دومین خمه نظامی این کتابخانه که در ۱۳۱۵ خورشیدی آنرا بنمایشگاه صنعتی ایران درلنینگراد جزء ظرایف برده و جلب توجه سرامدان هنر و صنعت اروپا در آنجا بخود نموده دراین مورد عکس برداری کرده و تقدیم میدارد.

این نسخه شاید بهترین نسخه دنیا و زیبا ترین نمونه باشد که از کتاب خمه

نظامی تهیه و تصویر شده

نسخه مذکور دارای ۳۱ صفحه مجلس بی بدیل و نقاشی بی نظیر است که بقلم میرک و بهزاد و سلطان محمد و دیگر استادان عالی رتبه زمان شاه طهماسب صفوی صورت کشی و تزیین شده و بهترین صنعت نقاشی و مینیاتورکاری در آن انجام گرفته و بخط کاتبی شرازی که باز دست خطاکاری نام آنرا محو نموده در سنه ست و خمین و تسعمائه ۹۵۶ هجری تمام گردیده

در صفحه اول آن در سر لوحه مصور و مذهب بختن فیروزه و لاجوردی و طالامی و بوته های قشنگ رنگارنگ است که در صفحه اول آن این رباعی بخط نسخ زیبا و برجسته الوان با خطی بسیار خوب و مرغوب ترسیم شده

کنجینه کشای گنجبه آن مؤید راد  
در پای معانی از کهر کرد تپی  
روزى که بنای پنج کنجینه نهاد  
در صفحه برابر نیز با اوصاف مذکور و تزیینات تمام این رباعی مسطور است:

خمسه که بخزنش بود زب تمام  
از خسرو و شیرینش فروز گشت نظام  
لیلی مجنون و هفت پیکر ز عقب  
تاریخ سکندرش دهد ختم کلام  
در تجلید این کتاب و صحافی و تذهیب آن منتهای ظرافت کاری و کمال مهارت استادى را بکار برده اند که خود بهترین شاهکار این هنر و یسه ظریف و زیباست و برای آن ارج و بهائی که در خود و شایسته باشد باسانی نتوان تعیین نمود.

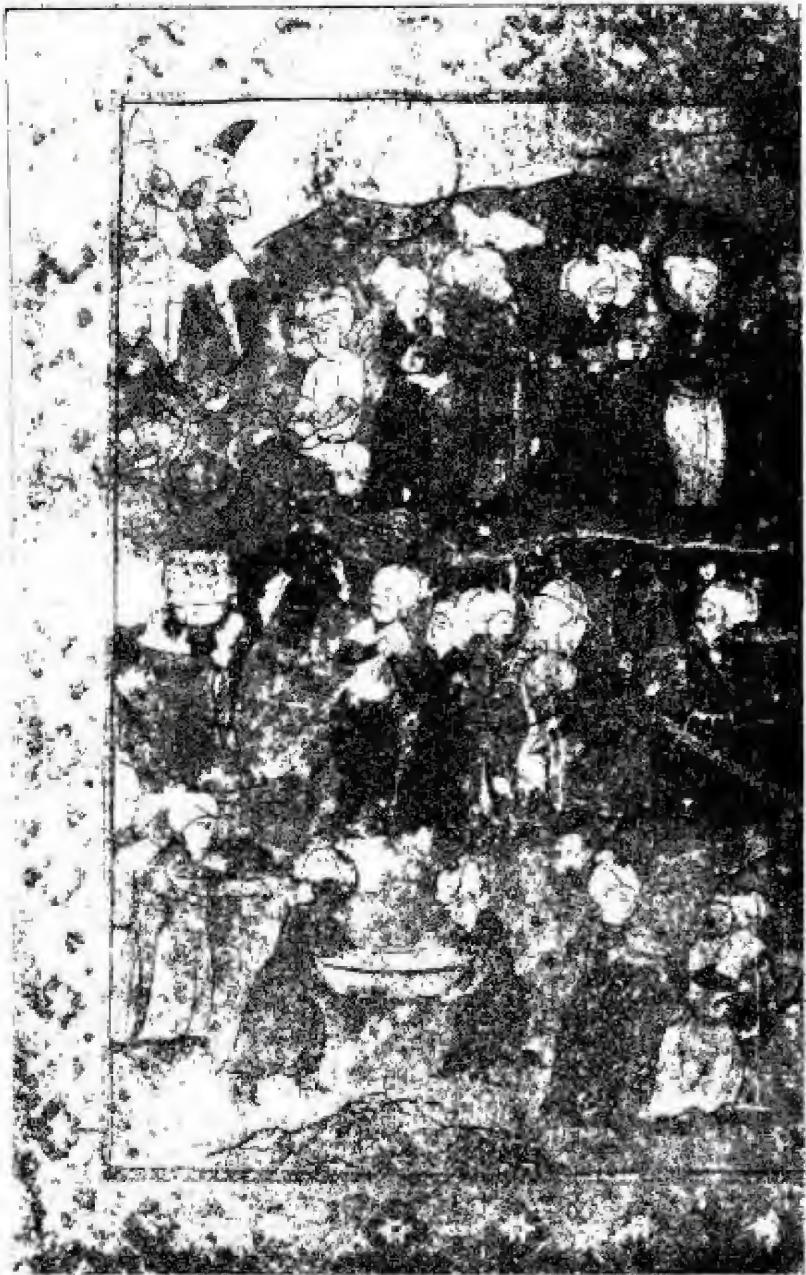
خلاصه و توصیف صفحات و مجالس تصاویر این کتاب با این مختصر بوصف نیاید و باید هر کس که آنرا دید بر آثار صنعتی بدیع و هنری بسیار استاید بزرگ آن هزاران تحسین و آفرین و دست مرزاد گوید.

بطوریکه از قرنیه معلوم میشود این کتاب هم مانند کتاب خمسّه نظامی موجود در موزه بریتانیا برای کتابخانه شاه طهماسب اول صفوی تهیه شده و بواسطه اینکه هفت سال بعد از خمسّه موزه نامبرده نگاشته و ترسیم گردیده مسلمانان در ظرافت و نفاست و بها و اهمیت بالاتر از آن خواهد بود و بویژه از حیث تصویر که خمسّه نظامی موزه بریتانیا



تصویر اول بزم زنانه برای سلطان حسین بایقرا از دیوان خطی امیر خسرو دهلوی کتابخانه مدرسه  
سپهسالار تهران مورخ ۸۸۶ هجری





نقش بر ۲ - در مجلس سلطنت حسین باقر از خرمه نظامی قدیمی شاه طغرل در سه سالار شهران مورخ ۶۱۱ هجری





تصویر ۳ - مجلس سلطان حسین یا قرا از غنچه نظامی قدیمی نسخه خطی

را چهارده صورت مجلس است و این نسخه را ۳۱ صفحه تصویر اعلی و ممتاز میباشد و تشخیص و بقایای مزیای و محسنات آنرا بعدد بیستدگن کتاب واکگذار مینماییم . در اینجا شش صفحه از تصاویر کتاب مذکور عکس برداری شده .

تصویر اول - صورت ایلقوس بالیلپ است که باحضرین رکاب رسوآران خود بالای سر زن مرده و طفل نوزاد وی آمده که طفل را کشت خود را در دهان گذاشته و بجای پستان میمکد و امر دادن او چاکران خود جهت دفن زن و از خاک برداشتن طفل و پرورش دادن او و لیعهد نمودن وی پس از آن میباشد (۱)

تصویر دوم - صفحه ایست از شرفنامه خمسة نظامی که در آن میدان جنگ اسکندر را با دارا نشان میدهد . در اینجا اسکندر بر اسبی که دارای برگستوان است سوار و سپاهیان او بکار نبرد و کارزار اشتغال دارند نقاش با مهارت استادی خود وضعیت میدان جنگ را در نهایت خوبی مجسم نموده و در برابر اسکندر و دارا سلطان مدعی و مختصم او است که تخت مجلل و باشکوه و پرا بغیل زده و سپاهیان اسب سوار با او روانند و در صف دیگر جنگ مغلوبه جنگ آوران و کمانداران است که در قسمت بالا بجنگ وجدان و قیراندازی بیکدیگر مشغولند در بالا طبایان و شیپورچیان را بداران و غیره از طرفین سپاهیان میباشد . (۲)

تصویر سوم - صفحه ایست که اسکندر سر کشته دارا آمده و سر او را در از خاک برداشته و برانو نهاده اظهار تأسف و تحسر از قتل دارا مینماید و بالای سر وی پرچم شاهي سابه افکنده و سران سپاه پیاده در برابر ایستاده و دسته اسب سوار و فیل سوار بحالت بهت و حیرت وضعیت را نگرانند و دو تن کشتندگان دارا : ملعیار و جانوسپار را گرفته و دستهای آنها را بپشت بسته ، در برابر اسکندر واداشته اند و در قسمت بالای صفحه طبایان و بعضی از اسبانان و پیش جنگگرانند که بحالت آشفته گی دیده میشوند (۳)

تصویر چهارم - صورت اسکندر در شکل گاه و صید افکنی او در میان گوزنان

۱- تصویر چهارم - از کتاب شرفنامه خمسة نظامی مدرسه سپهسالار

۲- تصویر پنجم از کتاب شرفنامه خمسة نظامی

۳- تصویر ششم از کتاب شرفنامه خمسة نظامی

و آهوان است که حالات مختلفه هریک از آنان را از فرار و اضطراب احوال در این مجلس نشان داده و سواران شکارچی دیگر در بلا که آنها نیز میدید شکار اشتغال دارند و اوضاع طبیعی کوه و دشت و عرصه بیابان را با ریزه کاری فنی و حسن سلیقه باستانی نشان میدهد. (۲)

تصویر پنجم - صورت اسکندر و خضر و الیاس در ظلمات است که اسکندر بر مرکب راهوار خود سوار و موکب شاهي از وزراء و سران سپاه با وی همراهند و مشغول راه نوردی است و خضر و الیاس بلب آب حیات رسیده از اسب پیاده شده در لب چشمه آب زندگانی جلوس نموده اند و ماهی خشك از دست ایشان بآب افتاده و حیات تازه یافته و نوشیدن آن دو از آب زندگانی و محروم شدن اسکندر از نوشیدن آب است. (۲)

تصویر ششم - بهترین صفحه نقاشی است که در آن مراسم تشییع جنازه اسکندر را تصویر کرده در بالا زنان عزادار را در غرغرات بانهایت زیبایی و ظرافت ترسیم و تزیین نموده و ارائه میدهد که چگونه هر کدام اظهار اندوه و حسرت مینمایند و در متن صفحه درب و ابواب وصفه و رواق و کلاخ با نظم شاهي را نشان داده که در برابر آن وجوه اعیان و رجال محترم هریک با نظر ابر تأسف نموده و در بی اعتباری دنیا بایکدیگر سخن میرانند و دسته از زنان در جلو آنان با جاذبه های سفید نشسته و توجه سرائی میکنند و در میان صفحه تابوت مجلل و باشکوه اسکندر است که چهارتن پایه تابوت را بدوش گرفته و جمعی از سران و بزرگان خاصه و سروران روان اند، در اینجا دست اسکندر از گوشه تابوت بیرون آمده و نمایان است که تپه دست رفتن او را از این خاکدان نشان میدهد.

شمع و شعل زیادی در موقع این تشییع فروزان و از غم مرگ او گدازان و سوزانند و در جلو همه عنادیان مرگند که بر شترها سوار و دستها را بر بناگوش نهاده خیر مرگ اسکندر را اعلام مینمایند. (۳)

۱- تصویر هفتم - از کتاب شرقنامه خمسة نظامی مدرسه سپهسالار تهران

۲- تصویر هشتم - از کتاب شرقنامه

۳- تصویر نهم - از کتاب خمسة نظامی

خلاصه آنکه بقدری این وضعیت را مجسم نموده که بوصف نمی آید.  
نگارنده بعضی از نقایس این کتابخانه و اسامی و اوصاف نسخه های مصور و  
کتابهای کتابخانه مدرسه را در کتاب «تاریخ مدرسه سپهسالار» تألیف خود که تاریخی  
جامع و مشتمل بر فهرست وقایع امروزی و شرح حال مفصل مرحوم حاجی میرزا  
حسینخان سپهسالار و تراجم بعضی از رجال معاصر او و تاریخچه بنای مسجد و مدرسه  
و طرز معماری آن و تمام تشکیلات قدیمه و جدیده از اول تا کنون این مؤسسه میباشد  
کنجانبیده و فهرست بعضی از کتب مانند شاهنامه های خطی و یا تصاویر این کتابخانه  
و دیوان عماد فقیه مورخ ۷۶۳ و کتاب یوسف زلیخای چابی و نسخه کلیله و دمنه آن  
با مجلس تصویر و دیوان مکرر و مصور امیر خسرو دهلوی و حیات الحیوان دمیری و  
تاج المآثر حسن بسطامی و منظومه سلاطین آن در تاریخ مغول با ۲۱۱ مجلس تصویر  
اعلی و کتاب های مصور آتشکده آذر و مثنوی مصور نقایس امیر خسرو دهلوی با چهار  
مجلس تصویر مورخ ۸۸۴ و خط میر علی خطاط مشهدی و کتاب آثار الباقیه بیرونی آن  
یا ۲۶ صورت چینی ممتاز و دیوان فغانی و بهرامیه امیر خسرو و حدیقه حکیم سنائی و  
مرقعات نفیسه و گرانها در ۳۶ مجلد و دیگر طرائف و ظرائف و اقتضائات تاریخی این  
مؤسسه را در آن تاریخ به مورد نگارش آورده و امید است که با همت اولیای امور مدرسه  
بزودی طبع و انتشار یابد.

از آثار نفیسه نقاشی در ایران حواشی مرقع گلشن است که از جمله ظرائف  
و نقایس عجیبه کتابخانه دربار شاهنشاهی ایران و واقعه در عمارت کاخ گلستان است و  
کتابخانه مزبور محتوی بسیاری از کتب ممتاز و یادگارهای آثار بدیعہ خطوط و نقوش  
و تصاویر و تذهیب شاهکارهای استادان عالی رتبه از نقاشان و خطاطین و مذهبین و  
غیره است.

مرقع گلشن را در سنه ۱۹۳۱ میلادی از ایران بلندن فرستاده و در نمایشگاه  
ایران در لندن به معرض نمایش گذاشته بودند.

در این مرقع دو صفحه ایست که سلطان حسین بایقرا را در باغ خود نشان میدهد  
و صفحاتی در آن است که به پسر او و عبدالصمد نقاش نسبت داده اند و نیز بسیاری از شاهکارها



مدیر آن اداره و خانم او تصاویر زیادی از این مرقع برداشته و درج نمودند و ما در اینجا  
 نیز درج تنها و بر صرف نظر نموده و توجه خوانندگان را بجانب آن کتاب نفیس معطوف  
 می داریم .

علاوه بر این در موقع مذکور از عملیات یدیی و نمونه هنرهای نقاشی دولت نقاش  
 دورم جهانگیر از نواده های امیر تیمور بسیار است .

جهانگیر عشق و علاقه زیادی بجمع آوری آثار صنعتی داشته و از دوره پدر و  
 جدش نقاشی های بدیعه و زیبایی از اساتید یادگار برده بود او دستور داده تا آن خطوط  
 و نقوش را در مجموعه گرد آورند که اکنون البومی در بران موسوم بآلبوم جهانگیر  
 است ؛ کونل Kunhel و گوئتز Goetz در آن مطالعاتی نموده اند .

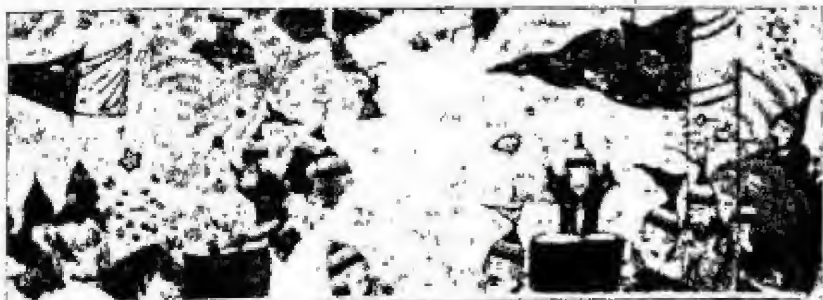
در مرقع گلشن چند قفیه هم از کار منوهر نقاش بالاضاعه او وجود دارد و او در  
 دوره اکبر و جهانگیر و شاه جهان نواده های تیمور از نقاشان مشهور بوده و آثار یدیی  
 او در تیمورنامه و بابرنامه و اکبرنامه بسیار است .

در این مرقع صورت پشنداس نقاش معروف هندی دربار اکبر و جهانگیر کشیده  
 شده که او باخان عالم سفیر جهانگیر بایران و اصفهان آمده و بخدمت شاه عباس رسیده  
 و جهانگیر در نامه از او معرفی کرده که خان عالم را با پشنداس نقاش بایران فرستادم  
 تا صورت شاه عباس را کشیده که هر کس او را دیده شباهت تمام آنرا تصدیق مینماید .  
 در این موقع حواشی از عمل آقا رضا است که نمونه کامل نقاشی است و نهایت  
 زیبایی و ظرافت را داراست و متن آن بخط علی کاتب سلطانی خطاط معروف است  
 جهانگیر دستور داده که قطعات بر اکنده را در این مرقع بصورتی بهم پیوسته در آورده  
 و بر اوراقی بقطع متساوی بجهت بخت و اختلاف یبانی حواشی را با نقوش و کلو بوته  
 و آثار طبیعی و صورت اشخاص و غیره ترسیم نمایند اذا حاشیه هر قطعه را با قلم کمرنگ  
 و علامت تصویر کشیده و با الوان متناسب و طلاکاری آنرا آرایش و زینت داده .

آقا رضا بمجالسی خوش داشته که در آن بانوان درباریان و خدمه بوده و هر یک  
 بکاری مشغول باشند و نیز بمجلس غذا خوری و شکار و مجالس طرب و تفریح حرم -  
 نشینان علاقه داشته .



تصویر چهارم - صورت غیبی پادشاه سوزن مرده و بچه آن در خانه نظامی



تدویر انجام مردان جنگ اسکناس با دارا از کتاب شرفنامه شبه نظامی نعلی خطی مدرسه بهمان





تصویر ششم اسکندر پسر کشته دالار از کتاب شرفنامه مدرسه سپهسالار





تصویر هفتم صورت اسکندر در شکار گاه از کتاب شرفنامه خیمه نظامی مدرسه میهنسالار



تصویر هشتم - سواران اسکندر و خضر و الیاس در ملاقات از گناب خرمساده نسخه نظامی خطی



تصویر نهم مراسم ششمین جنازه اسکندر از سده هفتم نظامی موزه - پهلاد تهران



و آثار هنری و فنی آقا رضا هرانی نقاش در اینموقع وجود دارد که اعضای او در ضمن صفحات مسطور و تصاویر او دارای آب و رنگ مات و کم جلوه است.

در کتاب آثار ایران (۱) نشریات موزه و اداره باستان شناسی تألیف مسیو گدار مدیر موزه از کارهای دولت تصویر یکی از شاهزادگان جوان است که لباس سفید دربر و گردن بندی از مروارید بگردن رگوشواره های الماس در گوش و در برابر ریحلی زانو زده که کتابی روی آن نهاده و با آلتی خطوط در آن میدهد و در کنار آن کتابی با جای آن قرار گرفته ورقم دولت در آن نگاشته است.

و در مقابل این تصویر صورت مولانا محمد الرحمن جامی است که کتابی در جلو خود نهاده و اعضای دولت در آن است.

مولانا بصورت پیری با محاسن سفید و عمامه کوچک زولیده و قیای ساده تیره خاکستری نشسته و شالی بر کمر دارد.

در صفحه دیگر مردی است با محاسن سیاه و هوی بلند پریشان سر و ردائی بخود پیچیده که بر زانو نشسته با قلمی از پر غاز \* مخالف عادت شرقی که با قلم نی کار میکنند \* در طوماری مشغول بکار است.

روی این طومار اعضای آقا رضای نقاش است که آنرا در اکبریه ۲۸ و رمضان ۱۰۰۸ تصویر نموده.

در برابر آن صورت جوانی است که روی قطعاتی از خزّه یا تخته سنگ نشسته و با لباسی کمرنگ بالوان نارنجی و سبزو گلنهای سرخ رنگین و کتابی در دست دارد که هم در روی آن اعضای آقا رضا مندرج است.

خلاصه چنانکه نگاشته شد تفایس و ظرایف کتابخانه های ایران نهایت بسیار و افزون از احصاء و آمار است و نگارنده برای رعایت اختصار بدین قدر در اینجا اکتفا نمود.

تهران ۱۸ اردی بهشت ماه ۱۳۲۹ خورشیدی

۱. سحاب

۱- جلد اول آثار ایران تألیف مسیو گدار رئیس موزه باستان که در پنج جلد انتشار

یافته و بزبان فرانسه نگاشته است و دو جلد آن بهارسی سرجه شده